و او از شدت حرارت بود و دیگر نبض منخفض است و او آنست
که حرکتش اندر جهة اعتدال پست‌تر باشد و او از برودت باشد
و دیگر نبض عظیم است و او مرکب باشد از نبض طویل و عریض
و شاهق یعنی علامت این هر سه بود باشد و او از کثرت حرارت
و دیگر نبض قصیر است و او آنست که مرکب باشد از نبض قصیر و
ضیق و منخفض یعنی علامت هر سه که گفته شد و بود باشد و
از دلیل غلبه برودت باشد و دیگر نبض سریع است و او آنست
که زمان حرکتش بسیار کوتاه باشد [illegible] از حرارت بوده باشد
و دیگر نبض بطی است و او آنست که در حرکت او مطاولتی و درنگی باشد
و این نیز از برودت باشد و دیگر نبض متواتر است و او آنست
که زمان سکونش کم باشد و سبب او ضعف قوة باشد دیگر
نبض متفاوت است و او چنانکه گفته شد ضد متواتر است دیگر
نبض حار است و او آنست که بحسب لامسه احساس حرارت کنند
ابتدا و این نیز از حرارت بود و دیگر نبض بارد است و او آنجا
احساس برودت کنند و این خود از برودت است بدانکه چند

نبض دیگر است که اطبا آنها را اسامی چند بوجه مشابهت بعضی
کرده اند از آنجمله نبض غزالی است و حرکت او را بحرکت آهو تشبیه
کرده اند و او چنان باشد که یا دو یا سه حرکت سریع کند و بعد
از آن دو یا سه حرکت بطی کند دیگر نبض منشاری است و او آنست
که حرکت نبض همچون دندانهای اره محسوس شود و دیگر نبض
ذنب الفار است و او آنست که چون نبض حرکت کند بتدریج ضعیف
و صغیر شود و باز [illegible] عظیم و قوی گردد و دیگر نبض ذو
الفترات است و او آنست [illegible] حرکت ساکن شود دیگر نبض
واقع در وسط است و او چنان باشد که در هنگام سکون حرکت کند
دیگر نبض ملتوی است و او آنست که حرکتها و را چنان یابند که گویا
دو رشته بهم تابیده است و این چند نبض اخیر که ذکر رفت
جملگی دلالت بر سوء حال مریض کنند مطلب دویم در معرفت
قاروره قاروره را نیز اقسام بسیار است قسمی چند که
اکثر رجوع بآنهاست بر سبیل اجمال یاد کرده میشود از آنجمله
رنگ قاروره است و او یا زرد میباشد و یا سرخ یا سبز و یا سیاه

ویا سفید

و یا سفید اما زرد یا کاهی است یا اترجی یا اشقری یا نارنجی
یا آتشی و مجموع اینها دلیل حرارت است و لکن بر سبیل توالی
یعنی حرارت اترجی از کاهی بیشتر است و همچنین الی الآخر
اما حمرت یا اصهب است یا وردی یا احمر قانی یا احمر اقتم ۱
این جمله نیز دلالت بر حرارت و کثرت خون کنند لکن بر سبیل
توالی چنانکه گفته شد اما خضرت و او یا فستقی است یا آسمان
گونی یا نیلی یا کراثی یا زنجاری که جمله دلیل برودت است
لکن بر سبیل توالی الا زنجاری که او دلیل مرگ است
اما سواد یکی اسود زعفرانی است و دیگری اسودیست
مایل بسرخی تیره و یکی دیگر اسودیست مایل بسبزی و دیگری
اسودیست مایل بسفیدی اما اسود زعفرانی دلیل
یرقان است دویم دلیل خون سیوم دلیل کثرت
صفرا است چهارم دلیل بلغم سوخته است اما بیاض
یا بیاض حقیقی است و آن کثیف و غلیظ باشد دلیل
است بر کثرت یا بیاض است شفاف و صاف و رقیق

واندلیل برودت باشد واین اخری اقسام الوان قاروره
است ودیگر ازجمله علامات قاروره قوام اوست او یا رقیق
است یا غلیظ و رقیق بضعف کلیه و برودت دلالت
کند و غلیظ بر کثرت اخلاط وانفجار ورم دلالت کند ودیگر
کثرت وقلت قاروره است بسیاری آن دلیل کثرت رطوبات
است وکمی ان دلیل سوء القنیه واسهال است ودیگر ازانجمله
زبد قاروره است واگر سیاه واشقر است دلیل زرد
بست واگر سفید بست دلیل برودت است و زیادتی او
دلیل زیادتی ریح و رطوبت است ودیگر ازانجمله رسوب
قاروره است و هر خلطی که از اصل قاروره غلیظ تر باشد
انرا رسوب گویند و رسوب اگر در سر قاروره بایستد انرا
غمام گویند وان از کثرت ریح است واگر در وسط جمع گردد
او را معلق گویند بر نضج متوسط دلالت کند واگر به ته
نشیند انرا راسب گویند دلیل کثرت اخلاط کثیفه است
ودیگر هرگاه رسوب صفحهای خورد بر نه باشد برنگ

کردن

گوشت فرضه کرده است واو را خراطی لحمی گویند
واگر صفحها خورد باشد و سفید او را خراطی نخالی
گویند دلیل است بر جرب مثانه واگر صفایح خورد
و سرخ باشد انرا خراطی کرسنی گویند واو از جگر
اید ودیگر ازجمله اقسام رسوب او سمی است
وانچنان باشد که گویا رسوب جو است ودلیل است بر گداخته
شدن اعضا وقسمی دیگر را مدقی گویند واو شبیه باشد بحجم
دیم ودلالت بر انفجار ورم کند ونوع دیگر خاطی گویند
واو مشابه بر اب دماغ بود ودلیل است بر اخلاط خام وقسمی دیگر را
خبی گویند واو شبیه بقطعهای خبی باشد ودلالت
بضعف معده کند وقسمی دیگر را ملی گویند واو مشابه بریک
باشد ودلیل است بر ریگ مثانه وقسمی دیگر شعری گویند
واو دقیق و باریک بود همچو موی واو دلیل است بر رطوبات
که بسته شده باشد وقسمی دیگر ما دی است بشبیه خاکستر ودلالت
ببلغم سوخته کند ونوع دیگر را علقی گویند واو مشابه بدنی

بود وان کرمی است سیاه که در آب باشد واو دلیل است
بضعف جگر وقروح مجاری اقسام بولها بدانکه بول مونث
سفیدتر وغلیظتر بود از بول مذکر وبول زنان حامله صاف
باشد ودر میان او جوهری باشد شبیه به پنبه وبول طفل
سفید وغلیظ باشد وبول جوانه اثنی وبول میانه سالها
سفید باشد وبول پیران سفیدتر باشد ورقیقه
مطلب سیم در معرفت بحران بدانکه هر حرکتی که در احوال بیمار
اضطرابی وتغییری حادث شود انرا بحران گویند و
بحران گاهی باسهال میشود وگاهی بقی وگاهی برعاف
یعنی خون آمدن از بینی وگاهی بعرق وگاهی بادرار یعنی
بول کردن وبباید دانست که در روز بحران از فصد
وحجامت ومسهل دادن ممنوع است وروز بحران
از روز سیم است تا روز چهلم در کدام روز که واقع
شود وبحران روز ششم ودهم ودوازدهم وسیزدهم
وپانزدهم بد باشد وروز سیم وچهارم وپنجم وچهاردهم
وبیستم

وبیستم وبیست یکم وبیست چهارم وبیست هفتم وسی
یکم وسی چهارم وسی هفتم وچهلم این همه نیکو باشد
وبحران روز هفتم گاهی خوب وگاهی بد باشد وبحران
روز نهم ویازدهم وهفدهم ناقص بود ودر روز
هشتم وهجدهم ونوزدهم بحران نادر افتد وبقول
بقراط بحران بعد از چهلم واقع نشود وبقول بعضی
در روز شصتم وهشتادم وصدم وصد بیستم واقع
شود مطلب چهارم در علامات محموده وردیه بدانکه
علامت خوب در بیمار ثبات قوت اشتها وسلامتی
ذهن وعقل واستماع اندوای طبیب باشد در
حمیات علامات نیکو اول روز براحت بودن
وشب براحت خوابیدن ونفس تبانی کشیدن
وظهور بتخالهای خرد است از بینی ولب علامات
بد بکو افتادن چشمها سست گشاده ودهان نفس
بپای کشیده وسردی گوشها وحدت سری بینی

ودايم بجايي نظر افكندن وتيره شدن چشمها واز مردمان
روي خويش كردانيدن وبكرّات انكشت در بيني كردن
وبديوار وجامه دست ماليدن واضطراب درعين
روز بحران وهر لحظه جستن ونشستن ودستها را بازي
دادن وظاهر شدن يرقان پيش از هفتم دندانها بهم
سائيدن واكثر به پشت افتادن وبسيار كوئي مردمان
كم سخن وعكس آن واين همه علامات بد باشد **علامات**
بد در سرسام وحميات حارة ورعشة دست وپاي
بول سفيد وسياه وسياهي زبان وپاشيدن اعضا
برنك عدس يا بنفش ويا سياه وسردي پا وعرق
قليل وسياه وهايل شدن رنك رو بسبزي وسياهي
وهذيان كفتن با وقار وكشيده پوست پيشاني وسردي
كوش وبيني وكند دماغ وسياه شدن ناخنها واختيار
كردن جاي تاريك وتنك وضعف نبض همه علامات
بد باشد **علامات نكث** خواب بسيار وبي قوتي وغثيان

واماس

واماس كران روي وپشت چشمها وفساد هضم وقطع
شدن اشتها است **مطلب پنجم** در تدبير زنان حامله
وزنان شير دهنده واطفال واما زنان حامله از فصد
وحجامت ومسهل خوردن وقي كردن واز بوي بد
شنيدن وصداهاي عظيم كوش كردن مانند رعد
وغير آن واز رياضتهاي شديد شديده نيز اجتناب
كنند وزنان شير دهنده از جماع وحركت بسيار واز
رياضت شديده نيز احتراز كنند اما اطفال را تا دو سال
شير دهند بعد از آن شير برنج وناني كه بعسل ميده
باشند واز خوف شديد وغضب وبيداري بسيار
واز غم مفرط نكاه ميداشته باشند **وهركاه** اطفال را
زكام عارض شود وقدري عسل با آب كرم بدهند
تا قي در بيداري بافراط قدري شربت خشخاش
بدهند وروغن خشخاش بر سر مالند **درد كوش**
مرزنجوش وسعتر وحضض بجوشانند وبكوش چكانند

و در تبخالهای که در دهان ایشان حادث شود سفید
و سیاه و متعفن که آن را قلاع گویند دهان ایشان با عسل
آب بشویند و بنفشه و گل سرخ کوفته بپاشند و در
خشکی طبیعت شیافات بردارند و در دام صبیان که
مشهور است عود القلیب و زیره و جند و سعتر بسایند
و بحلقش بریزند و در سرفه کتیرا و صمغ عربی و خیره
بنفشه با لعاب بهدانه بدهند و در قی کردن شربت
لیمو اندک اندک بلیسانند و در فواق نارجیل
با شکر بدهند و در لینت طبیعت زیره و انیسون
و گل سرخ گرم کرده بر شکم بندند و در پیچ شکم
روغن زیتون بر شکم طلا کنند و در بیرون آمدن
مقعد گلنار و پوست انار و برگ مورد بجوشانند
و در آب آن بنشانند و هرگاه کرم در معده ایشان
پیدا شود مغز شفتالوی تلخ و مغز زردآلوی تلخ کوفته
و شاف کرده بردارند و هرگاه در شکم کرم پیدا شود

درمنه شحم الحنظل افسنتین با زهره گاو بر شکم طلا کنند
مطلب ششم در تدبیر فصول اربعه بدانکه در فصل
بهار غذا کم باید و فصد کردن و مسهل خوردن و قی
آوردن مناسب باشد و در تابستان از کثرت جماع
و خواب روز و از حمام بسیار و اکل غذاهای حار اجتناب
کنند و قی کردن از فصد و مسهل بهتر باشد و در پاییز
از گرمای میانه روز و سرمای سحری و افراط جماع و خواب
روز و از میوه‌های سرد و نفاخ اجتناب کنند و این
فصل مسهل خوردن و قی کردن را شاید و در زمستان
بیداری و حمام و قی کردن و هر قسم ریاضت که باشد
مطلب هفتم در تدبیر چیز خوردن و آب آشامیدن
بدانکه چیز را تا اشتهای صادق نباشد نخورند
و چون اشتها بر سر نخوردن هم بد است اما چند
چیز با هم ضم نکنند و به یک چیز عادت نباید کرد بلکه
هر روز یک چیز دیگر بخورند و اگر خوردن چرب

و شیرین باشد ترش و شور با هم ضم کنند و همچنین
عکس او در فصل زمستان میان روز چیزی نخورند
و در تابستان طرف چاشت و بعد از چیز خوردن
ساعتی بنشینند پس حرکت کنند اما آب را در وقت هضم غذا
باید خورد و در حین چیز خوردن ممنوع است
مگر کسانی که عادت کرده باشند و ناشتا خوردن
بدست مگر خمار و جوان و کسی که مزاجش حار باشد
که اینها ناشتا میتوانند آب خورد و بعد از جماع و حمام
و در حالت بعد از ریاضت شدید هر قسم که باشد
آب خوردن نیکو نباشد مطلب هشتم در تدبیر
خواب و بیداری بدانکه بهترین وقت خواب آن وقتیست
که معده در هضم غذا مشغول و در خواب افراط و تفریط
نکنند و خیر الامور اوسطها را رعایت کنند و خواب
روز خواب در حالت گرسنگی و پشت خوابیدن هر سه
ممنوع است و از بیداری با فراط احتراز کنند

که عاقبت

که عاقبت بجنون انجامد مطلب نهم در تدبیر جماع و
حمام بدانکه جماع وقتی خوب است که غذا هضم شده
باشد و شهوت بحد کمال رسیده و از بد شکل و
حایض اجتناب کنند و در این امر افراط نکنند و در
وقتی که معده پر باشد یا خالی باشد از مشغول تشویش و جماع بعد
از فصد و مسهل و بعد از فرح و غم و خوف و غضب
نیکو نباشد و بهترین شکل جماع آنست که مؤنث در زیر
منکوحه در زیر باشد اما حمام باید که بلند و قدیم و فراخ
و خوش آب و معتدل الهوا باشد و بعد از آن که غذا
هضم شده باشد بروند و بتدریج داخل شوند
و از چیز خوردن و آب آشامیدن و بسیار نشستن
در حمام احتراز کنند و در حالت گرسنگی و سیری
بحمام نباید رفت مطلب دهم در تدبیر حرکت و سکون
بدانکه غذا چون در معده قرار گیرد حرکت کنند و حرکت
در حالت گرسنگی و بعد از جماع نیکو نیست و سکون بسیار

عادت کردن ممنوع است مطلب یازدهم در تدبیر مشایخ
پیران مزاج سرد و خشک باشد و باید که غذاهای
گرم تر خورند و حمام معتدل الهوی و مالش بدن ایشان را
مناسب باشد و عنبر و لادن و غالیة گاهی به بدن
بمالند و در فصل زمستان چند روز اطریفل
بخورند مطلب دوازدهم در تدبیر مسافر و مسافر باید که پیش
از سفر بگرسنگی و تشنگی و بیداری و پیاده رفتن
فی الجمله عادت کنند که در هنگام حاجت در اضطراب
نیفتند و اگر در سفر هوا گرم و گرفته باشد سر را از
تابش آفتاب نگهدارند و اگر باد سموم آید دهان
و بینی را ببندند و پیاز با خود نگهدارند و دوغ
و پیاز بخورند و اگر کسی را باد سموم بزند کاهو
و خیار باید خورد و با آب بید یا گل یا آب خالص
اعضای او را بشویند و اگر هوا سرد باشد بینی و دهان
و جمیع اندام خصوصاً سر را بپوشانند و با طعام سیر بخورند

و با آتش

و با آتش عادت نکنند و اگر سرما به بدن کسی رسد باید که
بتدریج نزدیک آتش روند و سیر و گردو او شراب کهنه
بخورند و اگر بدن را سرما سخت رسیده باشد نیم درم
حلتیت با پیاله شراب بخورند و شلغم در آب بجوشانند
عضو را در و نهند و روغن یاسمن یا روغن زیت
کهنه بر بدن بمالند و اگر آب سفر مختلف باشد بجوشانند
بعد از آن بخورند و سیر و کاهو و پیاز و سرکه خوردن
دفع ضرر آب بکند مطلب سیزدهم در قانون قی
و مسهل و حقنه اما قی بدانکه کسانی که خواهند قی
کنند باید که در هر ماه دو روز پیاپی قی کنند و ادویه
که قی آورد تخم ترب تخم شبت و نمک و بیخ مخلوط و عسل
باشد و باید که در هنگام قی کردن چشم و شکم را
بچیزی ببندند و بعد از قی روی و دهان را با آب
سرد بشویند اما حقنه بدانکه بهترین وضع حقنه
آنست که بر پشت بخوابند و دو پا را ببالش نهند

و بجانب رو میل کنند اما مسهل بدانکه پیش از مسهل
خوردن بر ماده نضج باید داد و چون مسهل شروع
در کار کند اصلا نخوابند و اگر در کار کردن تعجیل
کند شاخهای مناسب بردارند و اگر دو مثقال
مصطکی بخایند و ابتدا فرو برده پیاله آب گرم از
سر آن بخورند مسهل را مدد کند و اگر مسهل در کار
کردن از حد تجاوز کند دو مثقال دو مثقال بار
تنگ که به ترکی بزو شه گویند بجوشانند و بخورند
و اگر در مسهل غشیان کند باید که رب ریواس و
یا رب به بعد از خوردن میل کنند و بازوها را قایم
ببندند و پیاز شکسته پیش دماغ بگیرند و تخم
مرغ را بگلو گیر گرفته ساعتی بادست نگه دارند و اگر
پیش از خوردن مسهل برگ عناب با طرخون بخایند
و بعد از آن مسهل را بخورند و دیگر غشیان نشود
مطلب چهارم در دستور فصد و حجامت بدانکه

وفصد

فصد و حجامت تا واجب نشود مرتکب آن نشوند و چون
واجب شد تاخیر ننمایند و در هنگام پری معده
و بعد از جماع و حمام از آنها احتراز نمایند و هرگاه بعد
از آنها غش عارض شود بهی شیرین یا رب سیب میل
کنند و رگهای که مقصود است یعنی از آنها که خون
میگیرند یا رگهای ساکناست یا متحرکه اما از رگهای
ساکنه شش رگ در دست و بازوست از انجمله رگ
قیفال که از برای امراض سر و دماغ گشایند و دیگر رگ
باسلیق از برای جگر و دل و اعضای اسافل گشایند
دیگر رگ اکحل است که آنرا ابهر البدن گویند از آن
برای امراض گشایند که مخصوص بجمیع بدن دیگر رگ
حبل الذراع و آن در پشت ساعد باشد و حکم قیفال
دارد و دیگر رگ اسیلم است و جای او میان خنصر و
بنصر است و از برای امراض سپرز یعنی زهره و مراره و ریه
گشایند و دیگر رگ بطی است که در باطن ساعد است

وحکم باسلیق دارد و چهار رگ دیگر از رگهای ساکنه
در پایها است از آن جمله رگ صافن است و او را از
برای مالیخولیا و احتباس حیض کشایند و دیگر رگ عرق
النساء است و او را از برای مرض کشایند که نامش
عرق النساء است دیگر رگ مابض و او باطن کوی زانو
می باشد و از برای عرق النسا کشایند و دیگر رگ عقب
است که در پاشنه پا میباشد و او حکم رگ مابض دارد
دیگر رگهای ساکنه پانزده رگ در سر است از آنجمله رگ
یافوخ است که در کله سر می باشد و دیگر رگ جبهه است
که در پیشانی می باشد این هر دو از برای سعفه کشایند
و دیگر رگ عروق ثلثه که در پس گوشها می باشد و دیگر
رگی است در پس گوش اما نزدیک بگردن این هر دو را
از برای درد گوش کشایند و دیگر رگ صداعین است
که در جانبین حلق می باشد و دیگر رگ چهار رگ است
در جانبین حلق مایل پس گردن دیگر رگ زیر زبان است
که در باطن

که در باطن ذقن است دیگر رگی است در زیر زبان که
در نقره ی است این جمله از برای خناق در ضیق نفس
کشایند و دیگر رگ ماقین است که او در دنباله
چشم می باشد از طرف بینی و او را از برای رمد کشایند
دیگر رگ عنفقه است که در زیر لب باشد
از برای ورم لثه کشایند اما رگهای متحرکه که مقصوده
است چهار است از آن جمله رگ پشت کف است میان
میان ابهام و سبابه است از برای امراض قلب و ریه
کشایند دیگر رگیست در شقیقها از برای صداع
کشایند دیگر رگیست در پس گوش از برای درد
گوش کشایند دیگر رگیست در حلق او را از برای
خناق کشایند اما هرگاه نیشتر بر عصب برسد
و عضو اماس کند صندلی شاف مامیثا با آب کشنیز
سائیده طلایه کنند و هرگاه بشریان رسد یعنی رگ
متحرکه متحرک و علامتش آنست که رگ همچون رگ نبض

بجهد ورک دقیق بیاید علاج خون شیاشن
زاج سبز ضمّکی کند ، صبر برده عنکبوت کوفته
با سفیدۀ بیضه سرشته و پشم خرگوش در
او آلوده نموده زخم را سه روز ببندند و آب نرسد
مگر بدست برنیند و بعد از آن بگشایند اگر خون
نا ایستاده باشد سه روزی دیگر برین نهج ببندند
اگر خون زیر جلد برود رنگ او تیره و سیاه گردد رگ
صافین کشایند اما حجامت بدانکه حجامت جذب خون
از جوهر عضو کند حجامت میانه دو شانه خلیفۀ
باسلیق بود و حجامت پس گردن قایم مقام اکحل است
و حجامت اخدعین یعنی طرفین حلق حکم قیفال دارد
و حجامت ساقین خلیفۀ صافن است و بعضی که از
ابنا حجامت میکنند بسیار است انشاء الله هر یک
در مقام خود گفته شود اما حجامت بی شرط که در اصطلاح
عوام اورا بادکش گویند جذب ماده کند از عضوی

بعضوی

بعضوی والعلم عند الله باب اول در امراض سر از انجمله صداع
و شقیقه است یعنی درد نیمه سر بدانکه این هر دو
هرگاه از غلبه صفرا باشد علامتش شدت وجع و زردی روی و
چشمها و عطش و کرب و لهیب و سرعت نبض و زردی قاروره
باشد و هرگاه از غلبه خون باشد علامتش سرخی چهره و چشمها
و عطش و شیرینی دهان و سرعت نبض و حمرت قاروره باشد
علاج هر دو نوع هر بامداد شراب بنفشه تخم خرفه و تخم کاسنی
لعاب بر قطونا بنوشند و اگر سرفه داشته باشند بعوض
خرفه و کاسنی تخم خیارین و تخم کدو کنند و لعاب بهدانه و اگر سستی
مقتضی نباشد شربت بنفشه و تخمهای مذکور را از قرار هفت
و سی و دو مثقال کنند غذا کشک آب میل کنند یعنی جو آب روغن
اول اگر صداع است از طرف راست رگ قیفال کشایند
و اخراج خون بحسب سن و مزاج و اگر شقیقه باشد از جانب
مخالف رگ زنند و اگر احتیاج افتند در هر دو نوع روز
سیم از میان شانهای حجامت کنند و بنج لفاح و استخوان

تمر هندی و تریاک زعفران با شیره تخم کاهو و تخم خشخاش
سیاه بسایند و بر پیشانی و شقیقه ها طلا نمایند و اگر
شقیقه باشد صمغ عربی کثیرا پوست خشخاش افیون با شیره
تخم کاهو خمیر نموده بقطعه کاغذی مالیده بر شقیقه بچسبانند
و اگر احتیاج افتد رگ پیشانی یا رگ شقیقه کشایند و ترعیف نیز
شاید و بعد از نضج اسهال طبیعت باین مطبوخ کنند بیخ کاسنی
عنب الثعلب جوشانیده و صاف کرده مغز فلوس تمر هندی
پوست هلیله زرد و پوست هلیله کابلی اضافه کرده بنوشند
و اگر سرفه داشته باشند بعوض تمر هندی ترنجبین کنند و اگر
احتیاج افتد یک روز یا دو روز دیگر اعادت کنند و اگر سوء
مزاج مقتضی نباشد در اوزان ادویه تخفیف غذا بدستور
سابق میوه اگر سرفه نداشته باشند آلوچه و آب هندوانه
بخورند و الا کاهو و مغز خیار و اگر مسهل قلع ماده بالکلیه نشده
باشد هر شب پوست بیخ کاسنی تازه نشسته را در پیاله
عرق شاهتره خیسانیده و بامداد صاف کرده سکنجبین ساده اضافه

نموده

نموده میل نمایند تا مدت هفت روز و یا پانزده روز
و یا بیست یک روز بحسب ضعف و قوت ماده و در این غذا اسفید
باجات یعنی اشیاء بی ترشی بالخصوص خفیفه چون برنج و الدو
خروس و طعام کم روغن نیز بالخصوص مذکوره میل میتوانند
کرد و از افشره یا آب زرشک اکتفا کنند و بعد از انقضای مدت
مذکوره تقویت بشراب بنفشه و شراب نیلوفر و قدری
سرخ و سفید و عرق بید مشک نمایند و تبدیل پرهیز نکنند
و اگر صداع شقیقه از غلبه بلغم باشند علامتش قلت و ثقل
سر و کثرت ریق و برودت ملمس یعنی در ملامسه احساس برودت
کنند از سرف و سستی اعضا و سبات یعنی خواب طویل و بیاض
قاروره و ضعف و بطوء نبض و عدم تب باشد و هرگاه از غلبه
سودا باشند علامت آن سهر یعنی بیخوابی و کدورت لون یعنی
تیرگی آن و جفاف و بطوء نبض و بیاض قاروره و کدورت
حواس باشد علاج هر دو نوع هر بامداد شیره رازیانه و انیسون
و تخم کرفس با نبات و گلقند اضافه میل کنند غذا نیز با بعض

آش نخود آب با مرغ میل کنند و بابونج و شبت و اکلیل الملک و
دانه بانه بجوشانند و بر سر میریزند و روغن نرگس بر سر طلا میکنند
و بعد از نضج تام اسهال الطبیعت باین مطبوخ کنند دانه رازیانه
بیخ معمل کاوزبان بادرنجبویه انیسون تخم کرفس جوشانیده
قرص بنفشه گلقند افتیمون اضافه کرده بنوشند و اگر احتیاج
افتد روز دیگر اعادت کنند غذا بدستور سابق و بعد
از تنقیه هر شب ایارج فیقرا با شیره رازیانه حب ساخته
فرو برند و احیاناً اطریفل کشنیزی میل کنند و هرگاه از جلد
روباه کلاهی بسر گذارند بالخاصیة نافع شود و هرگاه بعد از
این تدابیر قلع ماده بالکلیه نشده هر بامداد بیخ چینی
درم ریزه کرده با دو رطل ربعی آب رودخانه صاف در دیگ
سنگی یا سفال تازه با خشب بادام و بازرد الوا با آتش
نرم بتدریج بجوشانند تا نصف آب بماند پس صاف کنند
و آب او را دو حصه واقعی نمایند و دو مثقال نبات کوبیده
بیک حصه اش اضافه نموده بامداد بطریق قهوه میل

فرمایند

فرمایند و حصه دیگر را طرف عصر بلند کرم کرده با نبات هان
بطریق قهوه بخورند تا مدت پانزده و یا بیست
بکروز بحسب ضعف و قوت ماده و در این مدت از مربیات
و حلویات با نان و طعام با گوشت کبک و کبوتر و دراج
و مرغ تیهو بادویه متوبله میل فرمایند و افشره شیره شکر
و قند آب کنند از میوه سیب حلو و خربزه شیرین و هرچه
میتوانند میل کرد و از جمیع لبنیات و حموضات و بقولات
و از اثمار و فواکه نفاخه بارده و از حمام نیز احتراز
نمایند و در هنگام ضرورت بمحض اکتفا نموده مکث نکنند
و در این مدت خویشتن را بهوای معتدل نگاه داشته
از عرق و چاییدن باز دارند و در ماکولات نمک
بحسب قناعت بکار برند و از افراط و تفریط محترز باشند
و بعضی اطبا بعد از فارغ شدن از آن معجون بیخ چینی تجویز
میفرمایند تا یک چله هر روز از آن دو مثقال میل کنند فی الواقع
هرگاه بعد از اتمام بیخ چینی بقیه از مرض باشد مناسب است

والا فلا اجزایش اینست مؤلف اسارون از دارچینی بیار
زنجبیل سلیخه حب غار انیسون بسباسه زعفران
زراوند کرد هر یک از کاوزبان زرنباد درونج تخم کرفس
دکر ثعلب سعد ای برهنه زرنباد ان لعبت بربری زرنیخ
زا اسفید از تودری بدانها بکن بادرانبویه ضم دکر تخم
هلیون جلقوزه هم تخم کرفس درونج بیار زا اسطوخودوس
مغاث اندران زا اشقاقل مصطکی بوزیدان زا هلیلج کابلی
قشر او بنفشه دکر قسط تلخ اوریه هم از قسط شیرین اضافه کنند
وج خنطیانا وزراوند دکر سنبل پسته ای دوقوه
بدانها بکن تخم از تودری ضم دکر مغز از تخم بطیخ هم زاها
زا هلیلج زرد قشر بیار زا قشر بلیلج دار اندان منک
زنجبیل بوای نک دکر بهمنین و هم از مصطکی پس انگاه
از هندی بیار هم از قاقله ای شه کامکا دکر پنج چینی
اضافه کنند بکوبید با انکبین بسرشید بدانکه در یمن
که این معجون را میل میکنند پرهیز از دستور سابق رعایت

میکرده

میکرده باشند الاحام که میتوانند و بعد از ان بتد بیج پرهیز را
بشکنند و هرگاه صداع از بادهای غلیظ باشد که در بطون
دماغ متمکن شده باشد علامتش اواز کوش است وانتقال
وجع بعضی نقل کردن از طرفی بطرفی علاج هر بامداد کلقند
افتابی با شیره بادیانه وانیسون میل کنند و روغن مرزنجوش
بر سر طلایه نمایند واز اشیاء سرد نفاخ اجتناب کنند غذا
نخود اب یا مرغ بچه شبت رازیانه مرزنجوش سداب سعتر
زیره تخم کرفس با بونجه اکلیل الملک اجزا مساوی بجوشانند
و سر به بخار ان بکیرند وهرگاه از تابیدن افتاب و اتش صداع
اید علامتش خشکی منخرین و دهان و عطش باشد سکنجبین
قنقی با شیره تخم خرفه و یا باب هندوانه بنوشند بنوماش
یعنی ماش برنج یا اب تمر هندی میل کنند روغن بنفشه را
بر سر طلایه کنند و خیار و کاهو در بینی بند هرگاه در معده
اخلاط جمع اید از ان نیز صداع حادث شود علامتش
معده و غثیان و شورش دهان و تهیج اجفان باشد یعنی

چشمها باد کند و غذا دیر کلو ابتر بشد علاج اصل السوس
تخم تربه و شبت بجوشانند و صاف کنند سکنجبین عسلی
فلت هندی کنکرزد اضافه کنند بنوشند و سراسر بکرداند
تا قی کنند و بعد از نقی کلقند با شیره رازیانه میل کنند روز
دوم اسهال طبیعت باین مطبوخ کنند بیخ کاسنی عنب الثعلب
بجوشانند مغز فلوس تمر هندی پوست هلیله زرد و کابلی
اضافه کرده بنوشند و اگر احتیاج افتد یکروز یا دو روز
دیگر اعادت کنند غذا اسفید باجابت میل کنند و احیانا
اطریفل کشنیزی در شب به میل فرمایند بیضه یعنی صداع مزمن
بدانکه صداع مزمن آن باشد که مجموع سر را فرو گیرد و بادنی سببی
چون تکلم و صوت استماع و سر داشتن دریابد و کاسه چشمها درد
کند و کلام صدای ناخوش آید علاج هر بامداد کلقند با شیره
رازیانه و انیسون و تخم کرفس بنوشند غذا نخود آب با مرغ
و زیره بعد از آن تا هفت شب هر شب یکمثقال حب شبیار
فرو برند برگ سداب تازه بجوشانند و سر به بخار آن فرو
دارند

دارند و روغن نرجس بر سر طلا کنند و عنبر ببویند و هم
بتی مداوا آن از تنقیه و تطول و طلایه بدستور رجوع
مداوای آن باید باشد چنانکه ذکر رفت و بیخ چینی نیز بدستور
سابق نافع باشد سرسام علتیست که در دماغ حادث شود
و دماغ ورم کند و بآن تب و ثقل سر و هذیان و خنده و گریه
و عظم نبض و حمرت چهره و قاروره و حیرت باشد و چون سرسام
در معالجه باحمیات لازمه مشترکست بنابر آن اینجا مفصلا
ذکر نشد و انشاء الله در حمیات بتفصیل ذکر آن خواهد
شد دوار دوران سر باشد و او از بخاری باشد که از اخلاط
خامی که در دماغ جمع شده باشد یا از بخار اخلاطی که در معده
فکری کرده باشد و هرگاه از بخار دماغ باشد علامتش دوی
و طنین یعنی آواز کردن گوش مثل آواز کردن زنبور یا
همچون صدای طشت علاج تا یکهفته هر صبح اطریفل صغیر
و هر شب هلیله پرورده میل کنند غذا نخود آب با مرغ و بصل
زیره و بعد از آن اگر بقیه باشد تا هفت دیگر هر شب ایارج

فیقرا با شیره رازیانه حب ساخته فرو برند مرزنجوش و بابونه
و سعتر و اکلیل الملک بجوشانند و سر بر بخار آن بدارند و هرگاه
از بخار معده باشد و آن غثیان و سوء هضم باشد علاج
مقیات مذکوره یعنی دواهای قی آورنده که پیشتر مذکور شد
در صداع گذشت یکروز بدهند و بعد از قی کردن شراب
نیلوفر با شیره رازیانه و اگر حرارت باشد با شیره تخم خرفه
میل کنند غذا آش خروس یا مرغ زرده تخم این مطبوخ
بجوشانند بیخ کاسنی عنب الثعلب جوشانیده مغز فلوس تمرهندی
هلیله زرد کابلی و احتیاج افتد یکروز دو روز دیگر
اعادت کنند و بعد از تقویت معده بشراب نعناع و ریباس
بدهند و صندلین با گلاب سائیده روغن گل و گل ...
اضافه نموده و جوشانیده بر سر ضماد کنند سدر بدانکه سدر
نیز علتیست که در دماغ حادث شود علامت آن سکوت
و فزع و حیرت و سنگینی سر و طنین و تخیل چیزهای سیاه
و پیچیدن با فکار ردیه و تباه باشند و چنان احساس کنند که

از تن

از تن بخاری بلند میشود و چشمها تاریک میگردد
علاج نبات سفید با آب بادرنجبویه و گاوزبان و بیخ
محک هر بامداد بنوشند غذا زیرباج یا مغز بادام و بعد از
تنقیه باین حب کنند تربد خراشیده بروغن بادام چرب
کرده هلیله سیاه انیسون ... بسفایج بنفشه اسطوخودوس
مجموع کوفته و بیخته و شیره رازیانه حب ساخته دو مثقال فرو
برند نبات با پیاله آب گرم بر روی آن فرو برند غذا بدستور
سابق سبات یعنی خواب طویل علامات آن ثقل سر و سیلان
آب دهان و جستن چشم و ابروها باشد هر بامداد انیسون
گاوزبان بادرنجبویه بجوشانند نبات اضافه کرده بنوشند
و بعد از تنقیه ایارج فیقرا هر شب محل خواب با شیره رازیانه
حب ساخته فرو برند تا هفت شب غذا زیرباج با
فلفل و مرغ و روغن نرجس به بینی بکشند و سعتر بو بکنند
سهر یعنی بیخوابی بافراط علاج آن شراب بنفشه با شیره
تخم کاهو هر بامداد بنوشند و ریحان داشته و زعفران

زیر بالش نهند روغن کدو بر سر طلایه کنند و بنفشه نیلوفر
تخم کاهو پوست خشخاش بجوشانند وآب بر سر ریزند
شخوص وآن علتیست که دفعة حادث شود وآدمی
بیک حال ماند یعنی اگر ایستاده باشد آنچنان بماند واگر
نشسته باشد بشرح ایضا وچون سؤال کنند از جواب
عاجز ماند علاج اگر علامات افراط خون باشد رگ
قیفال کشایند وحجامت ساقین نیز مفید است انیسون
گاوزبان بادرنجبویه بجوشانند با گلقند میل کنند غذا
نخود آب بشربه حنک دانه و بعد از نضج تنقیه بمطبوخ
افتیمون ویا حبان کنند وروغن بنفشه وروغن
کدو بر سر طلایه کنند کابوس وآن علتیست که در اثنا
چنان خیال کنند که در زیر چیزی گران مانده اند صدا
بگیرد ونفس تنگ گردد علاج اگر علامات غلبه خون
باشد رگ قیفال یا حجامت ساقین بکنند واگر علامات
غلبه سودا و بلغم باشد تنقیه بمطبوخ افتیمون ویا حبان

کنند و روغن بنفشه وکدو بر سر بمالند و درین باب
اهمال نکنند که مقدمه صرعست صرع اگر از غلبه بلغم و
وسودا باشد بوقت صرع دهان کف کند حواس مکدر
شود ورنگ روی سفید گردد ونفسش بطی وقاروره
مایل بسفیدی باشد وبافکار باطله بیحد علاج انیسون
رازیانه بادرنجبویه بجوشانند با گلقند آفتابی میل کنند
غذا زیرباج با مرغ دارچینی و بعد از نضج تنقیه با ایارج فیقرا
کنند ویا مطبوخ افتیمون وروغن زنبق با چند پی سنبل
بر بینی بچکانند ومشک ببویند ودر اثنای صرع ماء العسل با
حلتیت بر حلق او بریزند وغرغره باعسل وتخم خردل وسرکه
عنصل مناسب باشد هرگاه صرع از غلیان خون وصفرا
باشد علامتش سرخی روی وزردی چشمها وبطلان
عقل باشد علاج رب فواکه یا رب به هر بامداد میل کنند
ومضمضه با سرکه وگلاب کنند وتنقیه بقرص بنفشه
ولعاب بزرقطونا نمایند غذا اسفیدباجات وروغن

کل بر سر طلا یه کنند و یا شوبه با کل خطمی و اب گرم کنند و انچه
طفلان را عارض شود ام الصبیان گویند او را علاج نباشد
که خود زایل می شود **سکته** علامات انچنان باشد که مردم
را دفعة حس و حرکت باطل کردد و دهان کف کند و تنفس
نتفس نکردد و نبض ساقط کردد مانند مرده کان و رنگ
روی سفید کردد **علاج** اولا باید تشخیص کنند که حیات
باقی است یا نه و امتحان چنان کنند که در سوراخ مقعد
رکی هست که تا حیات باقی است از حرکت نمی افتد با انکشت
باید تفحص کنند اکر حرکت دارد مشغول معالجه باشند و
الا فلا و دیکر در مردمک دیده نظر افکنند اکر عکس نماید
زنده است و الا مرده است و معالجه چنان کنند که سر
او را بتراشند و فند در غلتاب داغ کرده تر و غوجه بر سر
ملینهند و بعد از لحظه اعادت کنند تا چند نوبت و اعضای
او را بچیزی درشت و بازوها و ساقها و دست و پای او
بر پشته محکم به بندد و تریاق فاروق در ماء العسل حل کرده

بعلق

بحلق او بریزند و چند در منخر او کنند ش کوشه در بینی او
و چون بهوش ایند تقویت بطباشیر سفید و کل مختوم و
عرق بید مشک نمایند و غذا زیرباج با کبک و مرغ میل کنند
و تا یک هفته تنقیه مناسب نباشد و بعد از هفته
ماء الشعیر را زیانه و انیسون و کاوزبان با کل انکبین میل
کنند و بعد از نضج تنقیه با ایارج فیقرا کنند غذا بدستور
سابق **بدانکه** در سکته علامات کثرت خون باشد
رک قیفال یا حجامت ساقین کنند و تنقیه بر بنفشه
و نیلوفر و عناب و لعاب بزر قطونا و قرص بنفشه تمامتنه
نبوماش با تخم اب میل کنند و بعد از تنقیه تقویت بشراب
بنفشه و یا شراب عناب و عرق بید مشک کنند **مالیخولیا**
و ان انواع است **یکی قطرب است** و او دایما بی ارام باشد
و از مردم بکریزد و وحشت کند و تنها بی اختیار کنند
و دیکر داء الکلب و این از اول بیشتر است **و دیکر نوع**
مکدر از این انواع سبکتر باشد فی الجمله علامات مالیخولیا

انکار با لملاغم و غضب و خوف و بیماری بی‌خوابی و بید ماغی
و طپش دل و تیرکی چهره و صلابت و بطی نبض و صافی قاروره
و دوران سر و جستن اندام و گرم شدن میان اندام شانها و کف
دست و پایها باشد و گاهی خنده و گاهی گریه کنند و دایما نظر
در زمین افکنند و نگاه خشمانه کنند علاج بمجموع انواع سکنجبین
افتیمونی با عرق شاهتره و گاوزبان تا سه روز بنوشند روز
اول از پای راست روز سیم از پای چپ از هر دو رگ صافن
کشایند غذا اش خروس یا مرغ و صندلین و اقاقیا و گل ارمنی
و شاف ماميثا و کافور با آب گلاب و آب کشنیز تر سایید و
کتانی در او تر کرده بر زیر پستان چپ نهند و مغز بادام و تخم کدو
و تخم خشخاش هر یک مثقالی و تخم کاهو بکوبند و روغن بکشند
هر شب سر و دماغ و کف دستها و کف پایها را با و تدهین
نمایند و روز چهارم تنقیه باین مسهل کنند اسطوخودوس
گاوزبان بادرنجبویه افتیمون پوست هلیله زرد و کابلی
بجوشانند و صاف کنند و معجون نجاح در وی حل کرده میل نمایند

و حب

و اگر احتیاج افتد سقمونیا اضافه کنند و روز دیگر همین
جوشیده را با نبات سفید بی معجون نجاح میل کنند غذا
بدستور سابق و بعد از تنقیه ماء الجبین مناسب باشد
و طریقه اش چنان است که هر روز یک رطل نیم شیر بز زرد با
نده باده مثقال سکنجبین افتیمونی در دیک سفال تازه
باتش نرم و هموار بجوشانند تا بریده شود و اگر دیر بریده شود
قدری سکه اضافه کنند پس صاف کرده و آب او را سه حصه
واقعی نموده بسه دفعه بنوشند و در ما بین هر دفعه حرکتی
بکنند و هر شب نیز عمل خواب نیم مثقال از این حب فرو
پیاله عرق شاهتره و گاوزبان میل کنند اجزای حب غار
تربد مصوف اسطوخودوس و سوطلح هندی بسفایج ایارج
فیقرا حب النیل بمجموع با شیره رازیانه حب ساخته بکار دارند
تا مدت بیست یک روز بدین دستور عمل نمایند غذا اش
یا لطعام یا خروس و مرغ و بزغاله و زردی تخم نیم برشته
و بودانی و اسفناج و قلیه از لحوم مذکوره میل فرمایند و قس

اب زرشک و تمر و الو با قدری قند میل کنند و اگر خواهند
فالوزج شکری کاهی میتوانند خورد مغز خیار و کاهو و انگور
شیرین و خربزه آبدار و انجیر و الوی خیسیده و برنج شیرین
کاهو میتوانند میل فرمود و بنفشه و ورق و ورق لسان
الحمل و سویق الشعیر و خبازی و خطمی و ورق خلاف
و نیلوفر و اسفناج مجموع بجوشانند و صاف نمایند و در حمام
اعضا را با و بشویند و بحمام معتدل الهوی روند و در حین
دخول و خروج خویشرا از هوا نگهدارند و طلایی که قبل
از این مدت ذکر یافت در این مدت بر موضع دل و زیر پستان چپ
طلا نمایند و چهار روغن را نیز بدستور سابق هر شب
بکار میبرده باشند و در این مدت بلهو و لعب مشغول باشند
لمؤلفه ز یاران خوش اختلاط ملیح ؛ ز ساز نکو مغنیان
فصیح ؛ ز سیمین بتان دو ابرو کمان ؛ که از حور جنت نباشند
کم آن ؛ ز شوخان مستان نازک میان ؛ که باشد چو آهوی
مست از می آن ؛ ز مه طلعتان کرم پیشگان ؛ که دل را سوی کند بند آن

نهاده

نهاده جانان ساغر بهشت ؛ که می بهر ایشان چو باد بهشت
بجمعند و خوشحال شادش کنند ؛ غم شر اصول از نهادش
کنند ؛ و بدانکه گاه در این ایام ضعف و تپش دل و ضعف قوه
باشد هر روز بمحل عصر و انتقال سفوف مروارید با عرق
بید مشک میل کنند اجزای سفوف اینست لمؤلفه زکشنیز
تمش نخست او ریه ؛ پس آنکه گل سرخ اضافه کنید ؛ دگر سنبل
مغز تخم کدو ؛ هم از قشر پسته بکن یار او ؛ طباشیر از تخم خرفه
بیار ؛ ز عود هم از مغز تخم خیار ؛ بدانها بکن طین مختوم ضم
دگر مغز از تخم بطیخ هم ؛ ز بهمن بیارید بهمن سرخ سفید ؛ هم
از قشر با الملک اضافه کنید ؛ دگر تخم از هندوانه بیار
معشر کن از پوست آهوشیار ؛ ز بسد بیارید با کهربا
زرشک دگر تخم از حماض یا ؛ ز صندل بیارید اسفید
ان ؛ دگر بادرنجبویه با گاوزبان ؛ ز لولوی ناسفته
قند نیز ؛ بیفزای و آنگه بکوب بیز ؛ و جوهر کدو زان
ماء الجبین بکنند ... پرهیز را بشکنند بدانکه نوع

دیگر از مالیخولیا هست که آنرا مراقی گویند علامت آن جوع
گرسنگی لین طبع وضیق صدر ونفخ شکم باشد وهرچه
خورند در گلو بند شود واب از دهان رود علاج هر بامداد
گاوزبان خیار چنبر وشکر وسنای مکی نمایند غذا بنو
با ادحاج روغن بنفشه وشیر زنان بر سر طلا نمایند واب
گرم بشکم ودرد معده بریزند وبا دست نرم بمالند ودر
این نوع پنج چینی نهیم که قبل از این مذکور شد نافع باشد
عشق بدانکه هرگاه عشق از حد تجاوز کند موجب امراض
مهلکه باشد وعلامت آن حیرت واه سرد وسکوت وبیخوابی
وزردی چهره ونبض صلب وسریع وکثرت فکر باشد علاج
آن تصید وسفر رفتن است وبه تقبیح معشوق کوشند
وصال واگر ممکن باشد از همه بهتر ولحیانا شراب صندل
وشراب سیب ومفرح بارد میل کنند ودماغ را بروغن
بنفشه بادام تدهین نمایند غذا زیرباج با مرغ نسیان یعنی
فراموشی علامت آن ثقل سر وکدورت حواس وسیلان

علاج

بادرنجبویه رازیانه با گلقند میل کنند بعد از نضج مسهل طبیعت بمعجون

عشق

علاج

نسیان

ج

آب از چشم ودماغ باشد علاج اصل السوس گاوزبان
بادرنجبویه با گل انگبین هر بامداد میل کنند وبعد از نضج ایارج
فیقرا با شیره رازیانه حب ساخته هر شب تا یکهفته فروبرند
غذا کبک ودراج وتخم خردل با ماء العسل بجوشانند ومکرر
غرغره کنند وروغن خیری وقسط بر سر طلا نمایند وآب
سرد وجماع کثیر اجتناب کنند وصدای رقیقه استماع
نمایند مانند کرنای وطبل عظیم نافع است فالج وآن
سستی شق بدن باشد وچشم ودهان کج شود واز حرکت
دست وپا عاجز باشند وگاهی زبان نیز گرفته شود وقاروره
سفید ونبض بطی باشد ودر این مرض تا چهار روز
بمعالجه مشغول نشوند وبعد از چهار روز هر بامداد
گل انگبین با شیره رازیانه وانیسون وتخم کرفس بنوشند
وهر شب محل خواب مفرح حار میل نمایند غذا کبوتر بچه
با هیل وزیره کرمانی وزعفران وقرنفل ودارچینی میل کنند
وماء العسل بعوض آب بنوشند ومعجون الطیب مردها

علاج

فالج

نکیارند وجوز الطیب وجندبیدستر وعود قماری وعود
الصلیب با گلاب سایید بر پشت بدن طلا نمایند و عاقر قرحا
مویزج و سالیوس و وج ترکی و زنجبیل و بیخ کبر و تخم خردل
بجوشانند و با آب دهن مکرر بشویند و از دود چراغ و آفتاب
محترز باشند و بعد از نضج تنقیه باین نسخه حب کنند تربد خراشیده
بروغن بادام چرب کرده انیسون صبر سقوطری ماهی زهره مقل
بزیدان فاریقون نمک هندی شحم الحنظل کوفته و بیخته با شیره
رازیانه حب ساخته دو مثقال فرو برند و اگر احتیاج افتد بعد از
یکروز دو روز باز همین حب را بدهند و همچنین اگر احتیاج
باشد باز اعادت کنند و بعد از تنقیه کامل هر بامداد دو مثقال
جوارش جالینوس میل نمایند و بعد از آن تا چهل روز هر روز
معجون بلادر میل کنند غذا بدستور سابق و چون آثار بهتر
ظاهر شود روغن قسط و روغن سداب گرم کرده طلا کنند و
در همه مدت از لبنیات و حموضات و اطعمهٔ بارده و از جماع اجتناب
نمایند و هرگاه بعد از این تدبیرات بقیه ماند بیخ چینی بدستور

سابق

سابق میل کنند و صندل سیاه بر چشم مفلوج در همه مدت بندد
لقوه و آن سستی نیمهٔ صورت باشد و چشم و دهان کج شود
و آن دو قسم بود قسمی از رطوبت و غلبهٔ بلغم باشد علامت آن
کدورت حواس و بطلان ذایقه باشد و چون آب بخورند از دهان
بریزند و پلکهای چشم بهم نیاید و در این قسم تا چهارده
روز معالجه نکنند بعد از آن معالجهٔ او بدستور فالج است
و گوشت شتر بچه و گوشت اسب در غذا کردن عظیم نافع بود
و جند و مرزنجوش و سعتر بجوشانند سر به بخار آن بگیرند و غرغره
با پوست بیخ کبر و ماء العسل کنند و مصطکی مکرر بخایند قسم
دیگر از یبوست بود و علامت آن کشیده شدن جلد پیشانی
و خشکی دهان و بهم نیامدن پلکهای چشم سالم باشد و علاج آن
همچون علاج تشنج یابس است که عنقریب خواهد آمد انشاء الله
رعشه علامت آن لرزش اعضاست از سر و دست پا و این هرگاه
از پیری بود معالجه نشاید و الا معالجهٔ او بدستور فالج است
مواد الی آخره و هرگاه شب می رعشه آید در تب فواکه میل کنند

و در روغن گل سرخ طلا کنند و هرگاه از اشامیدن اب سرد باشد
شراب بنفشه میل نمایند و روغن بنفشه بادام طلا کنند غذا
بنوماش با اسفناج با مغز بادام **اختلاج** جستن اندام باشد از
چشم و ابروی و لب و روی و سایر اعضا تا چهل روز تریاق
اربعه خورند اگر بقیه بماند بمسهلاتی که در باب فالج ذکر شد
اسهال طبیعت کنند غذا بدستور فالج و روغن ناردین طلا
کنند **خدر** تیره شدن اعضا و بخواب رفتن باشد معالجه
این نیز مثل فالج است و هرگاه از یبوست باشد جلد ان عضو کشیده
شود و خشن گردد و علاج ان همچون علاج تشنج یابس است
تشنج کشیده شدن عضو باشد و در اصطلاح عوام چنگ
شدن باشد و این دو قسم است یکی از رطوبت بود و علامت
غلبه بلغم در و باشد و این دفعة اید و علاج این نیز مثل
فالج باشد **دیگر** انست که از یبوست حادث شود و این
بتدریج اید و عضو باریک و لاغر گردد **علاج** هر بامداد شربت
بنفشه یا شراب انار و شیرین با عرق شاهتره بنوشند و نبات سفید

با اب کدو نیز نافع است غذا نیز غالبا مرغ و ماهی بی نمک
خورند و شیر میش نیز نافع است و شراب انگور کهنه و صاف
هر روز بمقدار شصت درم میل کنند و برگ کدو و برگ
کاهو بنفشه نیلوفر و پوست خشخاش گل خطمی سلق
جوشانیده و عضو را بان بگذارند و بیه مرغ و بیه بط
و مغز قلم گاو و روغن سوسن روغن یاسمن را نیز با هم طلا
نمایند **کزاز و تمدد** بدانکه تشنج هرگاه در چنبر کردن حادث
شود او را کزاز نامند و هرگاه بر عصب عارض شود بنهجی که
از پیش و پس سخت بگیرد که مریض از حرکت آن عضو عاجز
آید آنرا تمدد گویند و علاج این هر دو همچون تشنج بود **شرا**
علامت آن حمرت انتفاخ سر و روی و پیشانی و تب و عطش
و یبوست دهان باشد علاج بیخ کاسنی شاهتره بجوشانند
و شیره تخم خیار و تخم کاسنی با ترنجبین و لعاب بزرقطونا
اضافه نموده هر بامداد بنوشند روز اول رگ قیفال بکشایند
و اگر احتیاج افتد روز دوم اعادت کنند و حجامت میان

دو شانه و پس گردن و رگ پیشانی نیز نافع است غذا کشک
آب و بعد از آن اسهال طبیعت باین مطبوخ کنند پنج کاسنی
شاهتره بجوشانند مغز فلوس تمرهندی پوست هلیله زرد
وکابلی اضافه کرده بنوشند و اگر احتیاج افتد دو روز یا سه
روز اعادت کنند و گل ارمنی و شاف مامیثا و کافور با آب
گشنیز تازه بسایند و طلا نمایند و هرگاه بعد از این بقیه
بماند هندوانه پوست پنج کاسنی تازه نشسته را در عرق
شاهتره بخیسانند و بامداد صاف نموده سکنجبین قندی
اضافه کرده بنوشند یا سه روز یا پنج یا هفت و یا نه
و یا یازده و یا پانزده و یا بیست یک روز بحسب ضعف
و قوت ماده غذا گوشت بره یا بزغاله و یا خروس و یا ماهی
تازه کم نمک و از لبنیات و حلویات احتراز کنند و بعد
از اتمام بتدریج پرهیز را بشکنند **زکام و نزله** بدانکه
چون فضولات سرد دماغ بمنخرین بریزد او را زکام گویند
و چون بسینه بریزد نزله گویند اما زکام هرگاه از حرارت

بود علامتش سوزش چشم و دماغ و سرخی چشم باشد علاج هر بامداد
شراب بنفشه با لعاب بزرقطونا تا سه روز میل نمایند و بعد
از سه روز رگ قیفال بگشایند غذا بنوماش با اسفناج و کدو
میل کنند و بعد از نضج تلیین طبیعت نمایند باین مطبوخ کنند
بنفشه عناب اصل السوس عنب الثعلب سپستان نیلوفر خبازی
ترنجبین و بعد از آن استحمام مناسب است و روغن بنفشه
بدماغ بکشند و اگر سیلان رطوبت قطع نشود سبوس و گشنیز
تبخیر نمایند **و هرگاه** ماده بارد باشد علامتش کثرت سیلان
رطوبت و ثقل وجود التذاذ از گرما باشد علاج رازیانه بادرنجبویه
گاوزبان بجوشانند نبات سفید اضافه کرده بنوشند زیرباج
با ماج و بعد از نضج بنفشه نیلوفر بادرنجبویه بزر سیاوشان
اصل السوس سنای مکی مغز فلوس شکر سرخ بدستور ترتیب
داده میل کنند و اگر احتیاج افتد روز دیگر اعادت کنند
بیخ مهک گاوزبان شبت بابونه اکلیل الملک مرزنجوش بجوشانند
و سر به بخار آن بگیرند و هرگاه سیلان رطوبت قطع نشود کندر

سنده روس کاغذ بتخیر نمایند و بر پشت نخوابند که ناگاه بر سینه
بریزد اما نزله بدانکه فضولات دماغ هرگاه بحلق و سینه بریزد
و او را نزله گویند علامت آن خارش حلق و سینه باشد
علاج هر بامداد شراب بنفشه با لعاب بهدانه و بزر قطونا
بنوشند و روغن کدو بر سینه بمالند غذا بنوماش با کدو
و مغز بادام و اسفناج و از اشیاء مالحه و آب سرد اجتناب
نمایند تخم بجای نبات سفید روغن بادام با شیره سبوس
گندم هر روز نزد عصر بنوشند اگر با تب لرز سرفه باشد در امراض
سینه نظر کنند در آنجا بتفصیل مسطور است باب دویم
در امراض چشم از انجمله ضعف بصر است و اگر از حرارت
و غلبه خون باشد علامت او وجع و خارش و حمرت عین
باشد علاج هر بامداد شراب بنفشه با لعاب بزر قطونا
میل کنند و روز اول رگ قیفال بگشایند و روز سیوم اگر احتیاج
افتد بر میان شانها حجامت کنند غذا بنوماش و اسفناج
و مغز بادام و بعد از نضج تلیین طبیعت کنند بقرص بنفشه

وسکنجبین

و سکنجبین قندی و شیره خیار کاسنی و لعاب بزر قطونا
و اگر احتیاج افتد یکروز نیاد و روز دیگر اعادت و بعد
از تنقیه هر صبح و شام توتیای مغسول بر چشم بکشند و هرگاه
از غلبه برودت و رطوبت باشد علامت آن سیلان دمعه
و عدم وجع و حمرت علاج هر بامداد پنج مثقال رازیانه بجوشانند
با نبات سفید میل کنند غذا نخود آب و بعد از نضج ایارج
فیقرا با شیره رازیانه حب ساخته عمل خواب فرو برند
تا یک هفته و احیانا بماء العسل غرغره کنند و شیاف باسلیقون
بر چشم کنند رمد و اگر از حرارت و غلبه خون باشد
علامت آن وجع و خارش و ضربان شقیقها و ثقل اجفان
و سیلان دمعه باشد علاج هر بامداد بیخ کاسنی و شاهتره بجوشانند
بجوشانند تخم خیار کاسنی در دو شیره گرفته ترنجبین و لعاب
بزر قطونا اضافه نموده میل فرمایند روز اول رگ قیفال
کشایند روز سیم حجامت شانه یا رگ ساقین کشایند
و او رگ دنباله چشم است از طرف بینی غذا بنوماش و بعد

از نضج تنقیه باین مطبوخ کنند بنج کاسنی شاهتره خیارچنبر تمر
هندی پوست هلیله زرد و کابلی و سفیدی بیضه با شیر دختران
بر چشم بچکانند و شیاف ابیض نیز با شیر دختران مفید است
شاف مامیثا کافور صندل با اب عنب الثعلب و لعاب بزر قطونا
و گلاب بسایند و باطراف چشم طلا کنند و هرگاه بعد از این
تدبیرها بقیة عارض چند با مداد اب بنج کاسنی تازه نشسته نیمچی
چند نوبت سمت ذکر یافت با سکنجبین قندی میل کنند
و از جماع حمام اجتناب نمایند و هرگاه رمد از غلبه برودت
و رطوبت باشد علامت ان کثرت سیلان دمعه و انتفاخ
و ثقل و چسبیدن اجفان و قلت وجع و عدم حمرت باشد
علاج تنقیه بحب بنفشه کنند و بعد از ان با ایارج فیقرا
بنجی که مذکور شد غذا زیرباج میل کنند و شیره رازیانه
بچشم بچکانند طرفه وان نقطه ایست سرخ که در طبقه
ملتحمه حادث شود علاج شراب عناب هر با مداد با لعاب
بزر قطونا میل کنند رگ قیفال و حجامت میانه شانه نافع

بود و بعد از نضج تنقیه بمطبوخ فواکه کنند و قطره از خون کبوتر
یا بط و گل ارمنی با شیر دختران بسایند بر چشم چکانند و در ابتدا
شاف مامیثا فوفل گل ارمنی تاب بسایند و باطراف چشم بمالند
و در انتها بنج مثقال اکلیل الملک زعفران دم الاخوین با روغن
گل سرخ در زرده تخم مرغ سرشته باطراف چشم بمالند ظفره
و ان ناخنه باشد و ابتدا از گوشه چشم ظاهر شود بتدریج
تا بسیاهی چشم برسد علاج اولا باید رگ قیفال کشایند و بعد
از رگ تنقیه بحب ایارج کنند و از غذاهای غلیظه اجتناب
نمایند و شیاف قیروطی روشنایی در چشم کشند سبل
و ان پرده باشد که در چشم پیدا اید و بتدریج زاید گردد
و در چشم خارش و سیلان دمعه و ظاهر شدن رگها و ضعف
بینایی باشد و شمع و روشنایی ناخوش دارد و علاج هر با مداد
بنفشه نیلوفر عناب جوشانیده ترنجبین نبات سفید صاف
نموده بنوشند غذا بنوعاش رگ ماق و رگ جبهه عظیم نافع
باشد و بعد از نضج تنقیه باین مطبوخ کنند پوست هلیله زرد

ظفره

وسیاه و پوست هلیله کابلی و تخم بلغز اشیله بروغن بادام چرب
کرده بنفشه سنای مکی مغز فلوس ترنجبین سقمونیا و بعد از تنقیه
شیاف احمر حاد یا شیاف دینار چون بچشم کشند و اگر مفید
نه افتد بمقراض قطع کنند جرب عین وان خشونت بود که در باطن
پلک حادث شود علاج رگ قیفال کشایند و تنقیه بمطبوخ
هلیله نمایند و بعد از تنقیه شیاف احمر یا شیاف ابیض کشند
دمع عین علاج ان رگ قیفال و یا حجامت میان شانه نهند و
هر بامداد شیر تخم خیار و کاسنی با شراب بنفشه بنوشند
و بعد از نضج تنقیه با ایارج فیقرا کنند چنانکه ذکر شد و شادنج
مغسول و شنج محروق سحق بلیغ کرده بچشم کشند نزول آب
بدانکه پیش از نزول آب علامت ان تخیل چیزهای سیاه است
مانند پشه و تار مو و چون آب کند و مانع ابصار گردد و هنوز
نزول نکرده چون علامت مذکوره حادث شود باید که مشغول
بمعالجه شود علاج هر بامداد گلقند با آب بیخ محلب و رازیانه
و بادرنجبویه بنوشند و بعد از نضج تنقیه بحب ایارج کنند غذا

زیرباج

زیرباج و از بقولات و جماع و غیر آن که اجتناب کنند و در ابتدا شیاف اخضر
بچشم کشند و چون آب محکم شود چنانکه دوا تاثیر نکند بجز قدح علاج
نباشد وان بیرون کردن آب فاسد باشد از چشم بآلات مخصوص
که ان میل باشد یا مثل ان جهر آنست که بروز نه بیند علاج ان
غذاهای غلیظ رطب ناسته مانند هریسه و رطب و پاچه روغنی
و امثال آنها و برود جوهری بچشم کشند عشا وان شب کوری
باشد علاج ان هر بامداد گلقند با شیره رازیانه بنوشند و بعد
از ان تنقیه بحب ایارج کنند و غذا زیرباج با کبک دارچینی
و عطسه آوردن بسعوط کندش و فلفل عظیم نافع است و مرارهٔ
کلنک و مراره شبوط و مشک و زعفران مجموع سحق بلیغ نموده
با شیره رازیانه شیاف ساخته خشک نمایند و با آب
سائیده بچشم کشند بیاض علاج ان تنقیه بحب بنفشه
یا با ایارج فیقرا کنند و نبات و کف دریا و بوره ارمنی بازبد
سائیده بچشم کشند و هر گاه بعد از بیرون آمدن از حمام زبان
بران بمالند نافع باشد سلاق علامت ان غلظت اجفان است

علاج آن تنقیه باشد هرگاه علامت حرارت در و باشد بمطبوخ فواکه
تنقیه کنند والا بحب ایارج و یا بایارج فیقرا وعدس با گلاب بجوشانند
وضماد کنند وسفیدی بیضه با روغن گل سرخ بچشم چکانند و هرگاه
مزمن گردد فصد قیفال و حجامت میان شانه نافع بود و مس سوخته
و زعفران و زاج سفید و فلفل سایید با شراب سرشته در چشم
کشند **شرناق** و او شحمی بود که در پلک اعلا بهم رسد او را باید که
شق کنند و بیرون آرند بعد از آن نمک زیره بکوبند و بجای آن
بپاشند و خرقه در سرکه تر کرده بالای پلک بربندند **برده**
و آن رطوبتی بود که در باطن پلکها ببندد مثال حجر علاج آن
صمغ البطم از دو وقت مساوی و با سرکه بسرشند و طلا نمایند
اگر زایل نشود شق کنند و بیرون آورند **شعر منقلب** باز گونه
شدن مژه باشد بباطن چشم علاج آن تنقیه بحب ایارج کنند
و آن موی را بکنند و خون ضفدع و شیر انجیر بجای آن بمالند
و یا بعد از کندن موی سوزنی در آتش سرخ کرده و موضع موی را
بدان داغ کنند و بعد از آن شاف بچشم کشند **انتشار مژه** و آن

ریختن

ریختن مژه باشد و اجفان سرخ و صلب گردد علاج تنقیه بحب
ایارج کنند و روغن بنفشه بر سر طلا کنند غذا بنوماشربا اسفاناج
و هرگاه بعد از حیات مژه بریزد جوز ادهن طلا کرده بچشم کشند
قمل اشفار و آن جانوری بود شبیه شپش که در مژها و گوشهای
چشم حادث شود علاج تنقیه بحب ایارج کنند و اجفان را با نمک
آب بشویند و روغن مغز زرد آلوی تلخ طلا نمایند و از بسیار
چیز خوردن احتراز نمایند با معده خالی بحمام رفتن نافع بود
خیالات و آن تخیل اشکال باشد مانند پشه و صوف و دود
اشکال ملونه بالوان مختلفه و آن از شدت حس بصر باشد
که غبار هوا و بخار غذا را احساس کند علاج آن غذاهای غلیظ
باشد مانند هریسه و باچه و امثال آنها و هرگاه از غلبه سودا
باشد که در شرایین متمکن شده باشد علامتش آنست که
از دود اسطوانه تخیل کنند و یا همچون عمودی بینند علاج آن
بحب ایارج کنند و بعد از تنقیه چند روز اطریفل کشنیزی
میل کنند **حول** و آن کژ شدن چشم باشد از جای خویش

وان اگر خلقی باشد علاج ندارد و اگر عارضی باشد وان از تشنج
پردهای دماغ باشد و اگر تشنج یابس باشد هر بامداد شراب
بنفشه با لعاب بزرقطونا بنوشند غذا شوربا با اسفناج
و بادام و روغن کدو و بنفشه مکرر بسر طلا کنند و برگ کدو
بنفشه و بید و پوست خشخاش سفید بجوشانند و آب
ان بر سر بریزند و اگر تشنج رطب باشد تنقیه با ایارج فیقرا
و لوغاذیا کنند و روغن شبت و روغن نرجس بسر طلا
کنند و اگر چشم اطفال کج شود تعلیم نمایند که نظر بر خلاف
کنند و یا پرده بچشم او ببندند که در برابر موضع اصلی مردمک
در ان پرده سقبه باشد که در حالت نگاه از ان سقبه چشم
بتدریج بجای اصلی باز آید **باب سیم** در امراض گوش
از انجمله وجع اذن است وان درد گوش باشد اگر از غلبه
حرارت باشد علامتان عطش و تلخی دهان و سرخی روی
و تب نیز گاهی باشد علاج هر بامداد شراب بنفشه با شیره
تخم خرفه و لعاب بزرقطونا بنوشند غذا شورباش رک

قیفال

قیفال و حجامت میان شانه مفید باشد بعد از نضج تنقیه بمطبوخ
هلیله کنند روغن گل سرخ و شیر زنان در گوش چکانند و صندل
با گلاب و گشنیز و آب بید بسایند و باطراف گوش طلا کنند
و اگر وجع بغایت باشد افیون در روغن گل بگدازند و بچکانند
و اگر درد گوش از غلبه برودت باشد علامتان قلت وجع و عدم
علامات حرارت باشد هر بامداد گلقند با شیره رازیانه میل کنند
و بعد از نضج تنقیه بحب بنفشه کنند و جند بید ستر با آب
ترب سیاه بسایند و روغن بادام تلخ اضافه کرده بجوشانند
و بگوش چکانند و هرگاه از ورم شوهات باشد که در گوش
حادث شود علامت ان ثقل سر و تب و سیلان فضولات
باشد از گوش علاج شراب بنفشه با لعاب بزرقطونا هر بامداد
بنوشند بعد از نضج تنقیه بمطبوخ هلیله کنند غذا کشک
آب شفا ابیض با شیر دختران بسایند و بچکانند و از شنک
و هوا و از صداهای عظیم مانند کوس و کرنای احتراز کنند
و چون ورم منفجر شود اتر روت بکوبند و با عسل بسرشند

وفتیلۀ از کتان بدو آلوده نموده بکوش کذارند و اکر کرم در کوش پیدا
شود درمنه را بکوبند با آب ورق شفتالو بچکانند و بعد از
آن فتیله از پشم در کوش میکردانند و اکر در بینی نیز بکردانند
تا عطسه آید کرم بیرون افتد و هرگاه درد کوش از ریح معده
باشد علامتش آن درد سر و کوش و غثیان و سیلان آب از دهان
باشد علاج تنقیه مقیات مذکوره در باب صداع بدهند
و بعد از تنقیه بمطبوخ هلیله کنند غذا اسفیدباج با مرغ و روغن
قسط و سوسن کرم کرده در کوش چکانند و اکر از ریح دماغ بود
علامتش آواز کوش باشد مانند آواز زنبور و صدای طشت
علاج تنقیه بحب ایارج فیقرا کنند و بیخ اسف ورق غار اکلیل
الملک و مرزنجوش بجوشانند و سر به بخار آن فرو دارند
و هرگاه باد یا آب سرد بکوش رسد از آن نیز درد کوش حادث
شود روغن بابونه در کوش چکانند و سر را بلباس پشمین
بپوشند و بابونه و شلغم و خردل بجوشانند و سر به بخار آن
بکیرند صمم کری هرگاه از پیری و مولودی باشد علاج نپذیرد

نیست

نیست و هرگاه از غلبه صفرا باشد هر بامداد ترنجبین با آب عناب بنوشند
و بعد از نضج تنقیه بمطبوخ فواکه کنند غذا اشتر و سقمونیا با روغن
گل سرخ در کوش چکانند و هرگاه از افراط بلغم باشد علامت آن ثقل
سر و کثرت خواب باشد علاج گل انگبین با آب انیسون و بیخ کمات
بنوشند و بعد از نضج حب ایارج خورند غذا نخوداب و روغن
بادام تلخ روغن سداب در کوش چکانند و اکر از یبوست مزاج دماغ
باشد علامتش باریک شدن روی و انف و بغور افتادن
چشمها باشد علاج آن ترتیب باشد بشراب بنفشه و شیرۀ
خیار و کدو و بنوماش با کدو خورند و روغن بنفشه بکوش
چکانند و اکر از اجتماع اوساخ باشد او را بالت مخصوصه پاک
کنند و بعد از آن شیر زنان چکانند دوی و طنین و آواز کردن
کوش است مانند آواز زنبور یا طشت این دو علت هرگاه از ریح
باشد علامتش آنست که گاهی ساکن و گاهی طغیان کند علاج
هر بامداد گلقند با آب رازیانه و انیسون و بیخ مهک بنوشند
غذا زیرباج با دارچینی و زیره و روغن سوسن و روغن قسط بچکانند

وجند بآب ترب سیاه نیز نافع است واکلیل الملک با ورق غار
ومرزنجوش وورق ترب بجوشانند وگوش به بخار آن بگیرند و
هرگاه از امتلای دماغ باشد علامتش ثقل گوش ودوام طنین
باشد علاج تنقیه دماغ بحب ایارج کنند ونطول مذکور را بکار
دارند وهرگاه از یبوست وخلو بدن باشد علامتش آن است که
در هنگام گرسنگی افراط کند علاج غذاهای مرطب خورند وبحمام
مکرر روند وسر را بروغن بنفشه وشیر زنان چرب کنند واگر
از نقاهت باشد تقویت بشراب حماض وشربت سیب کنند
قروح اذن قروحی که در گوش حادث شود شیاف مامیثا با سرکه
انگبین بسایند در ابتدا بچکانند واگر مزمن شود قطرات بچکانند
دخول هوام وآب هرگاه هوام بسوراخ گوش رود آب برگ شفتالو
با صبر بگوش چکانند آب درمنه وقنبیل نیز نافع است و
هرگاه بیرون نشود بالة المخصوصه بیرون کنند واگر آب
بگوش رود پنبه بسر چوب سست بپیچند وبروغن چرب کنند
وآن سرچوب را در گوش کرده مکرر بگوش بزنند تا بدر پیچد

بیرون

قروح اذن

دخول هوام وآب

بیرون شود واگر آب گرم بگوش رود سرکه با روغن گل گرم کرده
بچکانند انفجار دم گوش هرگاه در ایام بحران باشد تا ضعف عارض
نشود قطع نکنند واگر بغیر بحران باشد کافور وعصاره ویا سرکه
بجوشانند وبچکانند ویا آب انار ترش بجوشانند وشیره کندنا
با اقاقیا نیز نافع است حكة الاذن خارش گوش را روغن گل
سخ با آب افسنتین چکانند ویا افسنتین با سرکه بجوشانند
وبچکانند باب چهارم در امراض انف انجمله خشم است وآن
بطلان یا نقصان قوه شامه است علاج هر بامداد گلقند با آب
نیمگرم وانیسون میل کنند وبعد ان تنقیه بحب ایارج فیقرا
کنند غذا زیرباج وبعد از تنقیه بوییدن کندش ومشک
وشونیز عطسه آرند واگر از آنها بینی خارش کند بروغن
بنفشه به بینی چکانند دهن انف هرگاه عفونت در بینی
حادث شود علاج آن تنقیه بطبیخ فواکه کنند وبول اشتر به بینی
بکشند وصبر وقرنفل وسنبل وسعد کوفته وبآب مورد سرشته
وفتیله با ماء الورد نموده به بینی نهند قروح انف قروح در بینی

انفجار دم گوش

حكة الاذن

باب چهارم

دهن انف

قروح انف

هرگاه تر باشد نخستین رگ قیفال زنند و بعد از ان تنقیه
بطبخ فواکه کنند و مرهم اسفیداج بینا لای ان گذارند و اگر
خشک بود شراب بنفشه هر بامداد میل کنند و روغن بنفشه
و موم سفید و مغز ساق گاو با لعاب به دانه سرشته و فتیله
با او الوده نموده به بینی نهند **و اگر قرحه** مزمن شود با مرهم کابشی بند
و خربق ابیض با فلفل بکوبند در بینی دمند **بواسیر انف** گوشت
زیادتی که در شقبه بینی بروید و منفذ را تنگ کند علاج
ان برگ قیفال و حجامت میانه شانه و طبیخ فواکه کنند مرهم
زنجار بر او نهند و اگر زایل نشود قطع کنند **جفاف انف**
یبوست که در بینی حادث شود روغن بنفشه و کدو در بینی
چکانند و از اطعمه شیرین اجتناب کنند **رعاف** هرگاه در ایام
بحران خون از بینی روان شود تا ضعف عارض نشود قطع
نکنند و اگر در غیر بحران باشد هرگاه از حدت خون بود
علامت ان سوزش بینی بود و اندک اندک اید علاج شراب
بنفشه با لعاب بزرقطونا بنوشند و گل ارمنی و گچ با سرکه سرشته

به پیشانی

به پیشانی طلا کنند و پوست بیضه و جبند صدف و شاخ گاو کوهی و کهربا
و کاغذ کبود بکوبند و در بینی دمند و اب سرکین خر به بینی کشند
عظیم نافع است **و هرگاه** از افراط و غلبه باشد علامتش ان است
که خون غلیظ باشد و سیلان کند علاج رگ قیفال و حجامت میان
شانه کنند و ابریشم خام و ماضوی کبود و پرده عنکبوت با اب سرشته
فتیله با او الوده نموده در بینی نهند و گلنار و ورق رز و گل
ارمنی و عدس و پوست خشخاش و صندل و گل سرخ و زاج سوخته
بکوبند و سرکه بسرشند و بر پیشانی طلا بمالند و اگر بدین قطع
نشود خصیتین بر رشته محکم به بندند و یا در دهان اب سرد نهند
باب پنجم در امراض دهان از انجمله قلاع است و ان ثبوراتی بود
که در دهان حادث شود و منتشر گردد و اخر الامر متعفن شود و
هرگاه غلبه مزمن گردد گوشت دهان و صورت بریزد و اگر هرگاه از
خون باشد علامتش حرقت ثبورات و گرمی دهان و عطش بود علاج
هر بامداد ترنجبین با اب انار بنوشند و رگ قیفال و رگ جهار
رگ گشایند و بعد از نضج تنقیه به طبیخ فواکه کنند و با سرکه

وگلاب دهان بشویند و عدس گل سرخ و گلنار و فوفل و سماق
و طباشیر بکوبند و بپاشند و یا پوست بیخ زرشک بجوشانند و با آب
آن مضمضه کنند و استخوان مرده آدمی بکوبند و بپاشند و بعد
از تنقیه آب بیخ کاسنی تازه با سکنجبین ساده چند روز اگر میل کنند
پس نافع باشد و از گوشت و شیرینی اجتناب کنند و هرگاه از غلبه
بلغم باشد علامت آن سفیدی زبان و دود دهان و عدم عطش باشد
علاج گلقند با شیره رازیانه و انیسون هر بامداد میل کنند و بعد از نضج
تنقیه بحب ایارج یا بحب صبر کنند غذا زیرباج و عاقرقرحا و تخم ترب
و [illegible] بجوشانند و مکرر مضمضه و غرغره کنند و هرگاه از غلبه سودا
باشد علامت آن یبوست و سیاهی زبان است علاج تنقیه بمطبوخ
افتیمون کنند و روغن بنفشه و پیه بط و مغز ساق گاو بر دهان
و زبان طلا کنند و هرگاه بثورات متعفن شود ابهل [illegible] جوز سرو بجوشانند
و مضمضه کنند گل سرخ سماق گلنار زاج زرد و سفید شب بکوبند
و بپاشند **بخر** یعنی گندیدن دهان هرگاه از حرارت معده باشد
علامتش آن است که چون معده خالی بود یا چیزی بارد خورند علاج

آنست هر بامداد تمر هندی یا آب انار میخوش و یا ترنجبین یا آب هندوانه
میل کنند غذا آش غوره تناول نمایند گلنار عود اذخر سعد هیل صندل
سفید و آملک پوست ترنج نبات مجموع بکوبند و با گلاب حب ساخته مکرر
در دهان بگیرند و اگر بلغم در معده متعفن شود از آن نیز بخر حادث شود
علامتش بطئی دهان و سیلان ریق باشد علاج مقیا[illegible] که در باب صداع
ذکر رفت در هر هفته دو نوبت بدهند و بعد از آن گلقند با شیره رازیانه
میل کنند و اگر تنقیه احتیاج افتد بمطبوخ تربد دهند و احیانا اطریفل
کبیر میل نمایند و مصطکی و هیل و قرنفل مکرر بخایند و هرگاه بخر از
لحم لثه باشد هر بامداد نبات با آب عناب و تمر هندی میل نمایند و رگ
قیفال یا رگ چهار رگ کشایند و بعد از نضج تنقیه بقرص بنفشه
کنند و [illegible] گلنار و عوده با سرکه بجوشانند و مضمضه کنند و قرنفل
و [illegible] و آملک و مشک و کافور و عود و گل سرخ و صندل و فوفل
بکوبند و بر بیخ دندانها بپاشند و از گوشت و شیرینی اجتناب کنند
هرگاه بخر از کله حادث شود علاجش همچون علاج قلاع است چنانکه
ذکر شد **سیلان** لعاب فم اگر از حرارت و رطوبت باشد در هنگام

کهسنکی افراط کند علاجش شراب سیب و شراب سفرجل کنند و ورق
سیب و ورق به بجوشانند و مضمضه کنند و اگر علامات غلبهٔ خون
باشد رگ قیفال کشایند و هرکاه از رطوبت و برودت باشد علامات
بلغم در او باشد نخستین مقیات دهند بعد از ان قی کلقند خورند و احیانا
جوارش مصطکی میل نمایند و از ثمار رطبه مانند هندوانه و کیلاس
و از بقولات اجتناب کنند و اگر در خواب اب از دهان رود بکرم
اعتدالات کند علاج ان در امراض معا کفته شد ان شاء الله تعالی

باب ششم در امراض لسان و شفه و لثه از انجمله ورم لسان است
و او هرکاه از حرارت و غلبه خون باشد علامتش حمرت و حرقت
و وجع زبان است علاج هر ابتدا دسکنجبین باشیره خرفه و لعاب
بزر قطونا میل کنند نخستین رگ قیفال کشایند و اگر احتیاج افتد
عرق زیر زبان نیز نافع است و بعد از نضج تنقیه بنقوع فواکه
یا بطبیخ ان کنند و مضمضه باب توت سیاه و اب سماق کنند غذا
اسفید باجات و اگر احتیاج افتد بعد از تنقیه چند روز اب
بنج کاسنی تازه با سکنجبین ساده میل کنند و هرکاه از برودت و غلبه

بلغم

بلغم باشد علامتش سفیدی و قلت عطش بود علاج کلقند
با شیره رازیانه و انیسون میل کنند و اب بنج و تخم شبت و برنگ
با ماء العسل مضمضه کنند غذا زیرباج **ثقل و استرخاء لسان**
سنکینی و سستی زبان در تکلم هرکاه از حرارت باشد رگ قیفال
زنند و تنقیه بمطبوخ فواکه کنند و فقاح اذخر باب غوره مضمضه
کنند و اگر فالجی باشد تنقیه با یارج لوغاذیا کنند و حب ایارج
نیز نافع است و دج ترکی با سرکه عنصلی بجوشانند مضمضه کنند
و اگر اطفال سخن دیر کویند نمک با عسل مکرر بر زبان ایشان
بمالند **بطلان ذوق** اگر قوت ذایقه باطل شود چنانکه تمیز از شیء یعنی
مشخص نکنند علاج تنقیه با یارج فیقرا کنند و عاقرقرحا و
مویزج و تخم خردل با سرکه بجوشانند و مضمضه کنند **جفاف
لسان** یبوست زبان اگر از حرارت باشد مضمضه باب عنب
الثعلب و اب هندبا کنند و لعاب بزر قطونا بر زبان بمالند
و اگر از بخارات باشد علامتش ان است که سنک و زبان خشک
شود و کاهی از زبان بوسته افتد علاج رگ قیفال زنند و مطبوخ

هلیله کنند و کلنار و صندل با سرکه بجوشانند و مضمضه کنند

لسان شقوق

شقوق لسان هرگاه از یبوست زبان بترکد کثیرا با لعاب به دانه و
بزر قطونا بر زبان بمالند واحیانا هریسه خوردن نافع است ورم

ورم شفه

شفه هرگاه لب ورم کند شراب بنفشه با لعاب بزر قطونا بنوشند
رگ قیفال یا چهار رگ کشایند و تنقیه بمطبوخ فواکه یا هلیله
کنند و کلنار و عنب الثعلب و فوفل و جوز سرو و ورق گل
بکوبند با سرکه و گلاب و بسرشند و طلا نمایند قروح و بثور شفه

قروح بثور شفه

قروح و بثور بعد از رگ قیفال کشایند و تنقیه بمطبوخ فواکه
نمایند و مازو و مرداسنگ با موم و روغن طلا کنند و مرهم
سفیداج نیز نافع است بواسیر شفه آن است که لب ستبر شود

بواسیر شفه

و در میان آن شقی ظاهر شود و گاه بود که بر آن بثره همچون
توت پیدا شود علاجش فصد و تنقیه بمطبوخ افتیمون
کنند و اکلیل الملک و بابونه و عنب الثعلب و مرزنجوش
و گل خطمی بجوشانند و ضماد کنند و اگر زیادتی او بسیار [illegible]
او را بنشتر کشایند تا خون فاسد برود پس نمک بمالند و بعد

از آن

انشقاق شفه

از آن و صندل و عدس و دم الاخوین و باقلا و عنب الثعلب بجوشانند و به بندند
انشقاق شفه لب ترکیده را لعاب به دانه و بزر قطونا و کتیرا بمالند
و شاخ گاو و کوهی سوخته با پیه بط و روغن بنفشه بر لب نهند

ورم لثه

ورم لثه ورم بیخ دندان هرگاه از حرارت بود علامتش وجع و حمرت
لثه و عطش باشد علاجش هر بامداد شراب بنفشه با لعاب بزر
قطونا میل کنند و رگ قیفال یا چهار رگ کشایند غذا ماش و
بعد از آن تنقیه بمطبوخ فواکه کنند و مزمزه با آب سماق و سرکه
و گلاب کنند و طباشیر و کلنار و جوز سرو و عاقرقرحا و گل سرخ و فوفل و
پوست انار درشت بکوبند و بپاشند و اگر احتیاج افتد چند روز
آب بیخ کاسنی تازه با سکنجبین میل کنند و از گوشت و شیرینی اجتناب

قروح لثه

کنند قروح لثه علاجش همچون علاج قلاع است و اگر قروح متعفن
شود فرفیون بنهند چون گوشت فاسد زایل شود جای او را با انگشت سرکه
بمالند و سماق و کلنار و مازو با سرکه بجوشانند مضمضه کنند و اگر

سیلان دم لثه

ناسور گردد بجز داغ کردن علاجی ندارد سیلان دم لثه اگر از
لثه خون مدام آید نمک و تخم گل بکوبند و بپاشند و قشب سوخته با سرکه

لحم لثه

بسرشتند بر او نهند **لحم لثه** اگر گوشت لثه فاسد شود و بریزد با سرکه

وگلاب و آب کشنیز و آب سماق مکرر مضمضه کنند و طباشیر و خرفه و بیخ

و فوفل بکوبند و بپاشند و کرسنه و فودنج و نه و مورد و بیخ عاقرقرحا و کف دریا و هم

الاخوین بکوبند و با سرکه عنصلی بسرشتند و بر لثه نهند **باب هفتم**

باب هفتم

در امراض اسنان از آنجمله وجع اسنان است بدانکه درد دندان هرگاه از غلبه

خون باشد علامتش شدت وجع و انتفاع از مبردات باشد علاج شراب

عناب با لعاب بزرقطونا بنوشند و رگ قیفال یا رگ چهار رگ کشایند

و تنقیه بمطبوخ هلیله کنند غذا بنو ماش با آب تمر و کافور و سرکه و گلاب

با هم مضمضه کنند و اگر از برودت و غلبه بلغم باشد علامتش از قلت

وجع و انتفاع از مسخنات باشد علاج هر بامداد گلقند با شیره رازیانه

میل کنند و تنقیه بحب ایارج کنند غذا نیمرو با دارچینی و عاقرقرحا

و بیخ کبر و زرنباد یا بسر بجوشانند و مضمضه کنند اگر این دواها سودمند

نیفتد بالت مخصوصه قلع کنند و اگر خواهند بی الت قلع شود

زنجبیل با دوسرکه بپرورانند و بر دندان نهند و اگر وجع دندان

از بخار معده باشد علامتش آن است که بعد از اکل زیاده شود علاج

نخیس

نخیس از مقیات دهند و بعد از اطریفل با جوارش عود میل کنند

و از افراط اکل و اکل شب اجتناب کنند و اگر در بیخ دندانها کرم حادث شود

از آن درد دندان آید تخم ترب و تخم لفاح و پیه بز در آتش کنند

و دهان به بخار آن بگیرند که کرمها میریزد بعون الله تعالی **سقوط**

سقوط و تحرک اسنان

و تحرک اسنان افتادن و حرکت کردن دندانها از غلبه رطوبت

باشد که فانیذ فوفل صندل سعد سماق شب داملج طباشیر

دانه مورد کلنار و جفت گل سرخ و هلیله زرد بکوبند مکرر بپاشند

و با عسل و گلاب و سرکه هر صبح دهان را بشویند **اکله و تعفن اسنان**

اکله و تعفن اسنان

پوسیدن و ریزیدن دندانها هرگاه بسبب رطوبت ردیه

باشد که در او متعفن شده باشد تنقیه بحب ایارج کنند و

و شب با سرکه مضمضه کنند و مشک مصطکی بکوبند و بر دندان

نهند و اگر از زوال رطوبت دندان و استیلاء یبوست

باشد غذاهای رطب میل کنند و سفیده تخم و روغن بنفشه

ولعاب بزرقطونا و شیرخر با هم بدندان نهند **لون اسنان**

لون اسنان

هرگاه رنگ دندانها سیاه و یا سبز گردد تنقیه بحب ایارج کنند

وبا اب یخ کبر مضمضه نمایند و پوست تخم نعام و شاخ گاو کوهی
بیخ نی بسوزانند یا کف دریا و سنباده بکوبند و بر دندان بمالند
خفر اسنان اگر جسم اخضر شبیه بسفال در اسنان بدید اید
علاج ان ابتدا بحفریات کنند و بعد از ان تنقیه بطبیخ فوا کنند صدف
کف دریا فلت بکوبند و بدندان بمالند و مسواک کردن نیز نافع است
حکه اسنان خارش دندان را با سرکه و گلاب و سکنجبین عنصلی مضمضه
کنند و هر بامداد سکنجبین ساده با اب هندبا نه یا شیره خرفه میل
کنند غذا شوربا ماش یا بزغاله صریر اسنان اگر در خواب دندان بهم
بسایند علاج ان هر بامداد گلقند با شیره بادیان میل کنند
و بعد از ان تنقیه بحب ایارج کنند و بروغن زنبق کردن را هر شب
تدهین نمایند و هر گاه انکرم معا باشد علاج ان گفته خواهد
شد سیلان اب از دندان اگر اب از بیخ دندانها دایم رود
هر روز گلقند با بادیان میل کنند و بعد از ان تنقیه بحب صبر
کنند و عنصل بریان کرده بدندان بمالند و اگر از حرارت باشد علاج
ان حرارت گفته بود کافور و صندل بپیه مرغ با روغن گل بر لثه و دندان

علاج

باب هشتم در امراض حلق از انجمله خناق است و او مرکب
از غلبه صفرا و دم باشد علامتش حمرت روی و تشنگی و
صعوبت لسان و درد گلو و ورم و لون تیره و ورم جانبین حلق
از خارج باشد علاج سکنجبین ساده با لعاب بهدانه و شیره تخم
کاسنی و اب ... بیخ کاسنی و عنب الثعلب سه روز بنوشند
بعد از اول رگ قیفال و روز دوم حجامت میان شانه کنند و
اگر احتیاج افتد رگ زیر زبان بگشایند و غرغره با رب توت
و اب عدس و عنب الثعلب کنند غذا اب جو و گل ارمنی و نشاسته
با سرکه بر حلق طلا نمایند و خون سنگ پشت بر حلق چکانند
بغایت نافع است بعد از نضج تنقیه باین مطبوخ کنند بیخ کاسنی
عنب الثعلب مغز فلوس تمر هندی پوست هلیله زرد چند مثقال با
سکنجبین ساده با اب بیخ کاسنی تازه نشسته میل کنند و چون تب
بالکلیه زایل شود لحوم خفیفه تناول کنند و به تدریج پرهیز را
بشکنند و اگر با حمای مطبقه یا محرقه مشترک باشد علاج ان
بالاشتراک کنند چنانکه در حمیات گفته خواهد شد انشاالله

واگر خناق از غلبه بلغم باشد علامت آن انتفاخ روی و قلت تب و
وجع باشد علاج آن رازیانه و بیخ کرفس و کاسنی را بجوشانند
با نبات سفید میل کنند بعد از نضج تنقیه بحقنه های حاره کنند
غذا زیرباج و عسل با آب کامه غرغره کنند و اگر از غلبه سودا باشد
علامت آن صلابت ورم و تیرگی لون باشد علاج بیخ کرفس
و کاسنی را با انکور بجوشانند با نبات سفید میل کنند حجامت ساق
و رگ باسلیق کشایند غذا زیرباج و نبات و مرداسنگ و تخم
انجیر با گلاب غرغره کنند و با شوربا با آب برگ بید و گل خطمی و بنفشه
بغایت نافع است و هرگاه خناق بلغمی و سوداوی با جامع اشقه و ربع
لازمه مشترک باشد علاج آن بالاشتراک کنند چنانچه در جامع
خواهد آمد ان شاء الله تعالی ذبحه علامت آن ورم جانبین حلق ذبحه
باشد مانع بلع و آواز نکرده و بیرون آمدن گوشت تا گوش ظاهر شود
علاج همان نضج و مسهلی که در خناق و ... مذکور رفت بکنند
و از هر دو جانب رگ قیفال و حجامت میان شانه ها و ساقین
نیز نافع است و غرغره با مغز فلوس و آب عدس و عنب الثعلب
کنند

کنند و چون آثار انتهای ظاهر شود غرغره با مرزنجوش و شبت کنند و باقی
ثبور حلق علاج او همچو علاج خناق است بثور حلق بثوری است که در حلق از
غلبه خون و صفرا حادث شود هر بامداد شراب عناب با لعاب به دانه
و بنکو میل کنند و رگ قیفال و رگ زیر زبان کشایند و اگر احتیاج
افتد تنقیه بطبیخ فواکه کنند غذا کشک آب با روغن بادام و بعد
از آن اگر بقیه ماند چند بامداد آب پوست بیخ کاسنی تازه نشسته
سقوط لهاة کنند بنوعی که چند نوبت گفته شد و از گوشت و شیرینی اجتناب
کنند سقوط لهاة افتادن ملازه هرگاه از اخلاط حاره باشد علامت
آن عطش و حرقت ملازه است علاج آن رگ قیفال و حجامت میان
شانه و تنقیه بطبیخ فواکه باشد و غرغره با سرکه و گلاب و آب انار
و رب توت کنند و اگر از اخلاط بارده باشد علامت آن سیلان آب
دهان و سستی زبان باشد و عدم وجع باشد علاج تنقیه بمطبوخ
بحة الصوت تربد و یا بحب ایارج کنند و غرغره با آب کامه و عاقرقرحا کنند بحة
الصوت گرفتگی صدا هرگاه از غلبه خون باشد هر بامداد اصل السوس
عناب عنب الثعلب بجوشانند یا شیره خیارین و لعاب بهدانه میل

کنند ورگ قیفال کشایند ورگ زیر زبان نیز نافع است غذا جوآب با حلیم
میل کنند واگر فضلات دماغ باشد که به شش میریزد علاج هر بامداد
شراب بنفشه با آب عناب وبیخ کاهو وکاوزبان ولعاب بنکو بنوشند
وشکر با آب لیمو ترکنند غذا کنند وهرگاه از رطوبت باشد که بر حنجره
میریزد علامت ثقل حنجره وعدم خشونت باشد علاج گلقند با شیره
رازیانه میل کنند وغرغره با تخم شبت وبا ماء العسل کنند واگر از ملاقات
هوای سرد باشد هر بامداد گلقند با آب بیخ کاهو وپر سیاوشان
وکاوزبان میل کنند واز آب سرد اجتناب نمایند که اگر از یبوست قصبه
ریه باشد علامتش وجع صدر وخشونت ریه وصفای بول وصغر
نبض باشد علاج هر بامداد شراب بنفشه با لعاب به دانه وبنکو میل
کنند وسینه را بروغن بنفشه تدهین فرمایند غذا شوربا ماش شیرگاو
وشیره گندم مناسب است وهرگاه از صوت عظیم صدا گرفته
شود رگ قیفال کشایند ونبات با آب بنفشه وخبازی وسپستان
میل کنند غذا نشاسته با باقله ولعاب خطمی با روغن بادام بر سینه
طلایه کنند وهرگاه کسی اشیا تند بسیار خورد مانند فلفل و

امثال

وامثال آن از آن نیز صدا گرفته شود علاج ترنجبین با شیره خرفه
وربا باشد با انار شیرین میل کنند غذا شوربا ماش با اسفناج وتاجه
بزغاله نیز مناسب است وهرگاه کسی را عرق تا رهوا زند وصدا
گرفته شود شراب بنفشه با لعاب بنکو میل کنند شوربا ماش با بادام
غذا سازند واستحمام نیز نافع است نفث دم واما اگر از دماغ
بحنک فرود آید علامتش حمرت روی وثقل سر باشد علاج
حجامت میان شانه ورگ قیفال کشایند وگلنار وتخم گل قرمز
انار دوغ لسان الحمل بجوشانند وغرغره وهرگاه نفث دم از
ملازه وحنک باشد بهمین غرغره اکتفا کنند وآنچه که از نای وشش
آید سبب آن ضربه یا صیحه یا سرفه باشد علاج قرص کهربا نشاسته
با لعاب بنکو هر بامداد میل کنند وغرغره بدواهای مذکور
نافع است غذا اسفیدباج وآنچه که با سرفه آید یقین که از ریه
باشد علامتش آن است که خون خالص آید سینه گرم باشد
وعلامات سل در او نباشد علاج تا سه روز هر بامداد بیخ
انجبار پوست خشخاش بجوشانند گل ارمنی تخم الاخوین کهربا

نفث دم

شمعی با لعاب بنکو اضافه کرده بنوشند روغن او لان جانب راست

رگ باسلیق کشایند و اگر احتیاج افتد رگ صافن سیم انچه عادت کنند

ورگ باسلیق نیز نافع است غذا اسفید باج و از شیرینی وگوشت

اجتناب کنند و کسانی که بخون تنقیه کنند علاج ان در امراض معده

گفته خواهد شد انشاء الله **نشوب شوک وعلق عظام** تنقیه ... بشوک وعلق عظام

در حلق واگر خار یا استخوان در گلو بخلد و انرا بخیرهٔ رقیق

اید علاجش انست که اگر او را توان دید با کلبتین بکشند و

الا ریسمان دوتاب فرو برند سر ریسمان در دست گرفته

بکشند و یا لقمه بر ریسمان بندند فرو برده پس کشند وقی

کردن نیز نافع است اگر علق در گلو چسبید خردل با سیر و سرکه

غرغره کنند و شونیز با خردل بکوبند و بحلق دمند و اگر نه افتد

بحمام گرم رفته چندان مکث کنند که عطش غالب شود پس

قطعهٔ یخ در دهان بگیرند چنانکه ابش بحلق نرود که بدین

حیله البته بیرون افتد و هرگاه بعد از دفع او خون از گلو رود

سماق گلنار قشر انار بجوشانند و مضمضه کنند وغر ن

سیاوشان

باب نهم در امراض صدر

سیاوشان بکوبند و بحلق او بدمند **باب نهم در امراض صدر**

والات نفس از انجمله سعال است و او هرگاه از حرارت قصبهٔ ریه

باشد علامتش حرارت وجه و سهولت نبض و عدم تفث باشد علاج

هر بامداد شراب بنفشه با شیرهٔ کدو و خیارین و لعاب بهدانه بنکو و

میل کنند و رگ باسلیق از همین کشایند و بنفشه با روغن کدو بر سینه

ضماد کنند و اگر از برودت مزاج ریه باشد علامتش انست که در

سرما اشتداد کند و از حمام ساکن شود علاج پر سیاوشان بیخ مهلت اذخر

زوفا بجوشانند و با نبات سفید میل کنند غذا زیرباج و روغن

سوسن بر سینه طلا نمایند و اگر از رطوبت باشد که در ریه جمع

شود علامتش کثرت تفث و خرخر سینه باشد اصل السوس مویز

کاو زبان انجیر بجوشانند با ترنجبین میل کنند و بعد از نضج تلین

باین مطبوخ کنند سپستان بیخ مهلت تخم خیارین و هندبا بنفشه نیلوفر

سنا مکی عناب انجیر پر سیاوشان مغز فلوس ترنجبین غذا زیرباج

واگر از یبوست مزاج ریه باشد علامتش سهولت و صلابت نبض و

اشتداد سرفه در وقت عطش باشد علاج هر بامداد ترنجبین با خیارین

کدو و لعاب بنکو و بهدانه میل کنند غذا پاچه بزغاله و بنوماش
با مغز بادام و هرگاه دود و گرد بریه داخل شود و خشونت پیدا کند و سرفه
شود شراب بنفشه با آب گرم و لعاب بنکو میل کنند غذا بنوماش
با اسفناج و سرفه که بعد از زکام عارض شود علاج آن بیخ مهک زوفا
بر سیاوشان بنفشه عناب با نبات مدام میل کنند غذا اسفیدباجات
ربو علامات آن ضیق نفس خصوصاً هنگام مشی و حرکت و سعال و تفث
رطوبت و خراخر سینه باشد و گاهی وجع صدر و میان شانه و
کتفین نیز باشد و چون مزمن شود تهیج در اجفان بدید آید و این
عسر البرء باشد علاج سکنجبین عنصلی با شیره خیار خربزه هندوانه
و لعاب بنکو و بهدانه و عرق عنب الثعلب تا سه روز میل کنند روز
اول از بهین قیفال رگ نسیم از یسار اسیلم کشایند و اگر احتیاج
عرق کاسنی و عرق زیربان و حجامت صدر نیز نافع است غذا زیرباج
بالحم و دجاج و بنفشه و خطمی و کشنیز با آب گرم و روغن کدو
بر سینه ضماد کنند و بعد از نضج تنقیه با این مطبوخ کنند بنفشه
نیلوفر عنب الثعلب خبازی عناب سپستان زوفا پرسیاوشان

اصل السوس

اصل السوس تخم خطمی اپیسا فراسیون انجیر مویز منقا کاوزبان مغز خیار
چنبر ترنجبین سه روز بدین نهج تنقیه و بعد از سه روز دیگر این
دواها را میل کنند اصل السوس زوفا بجوشانند صمغ عربی نشاسته
کتیرا بادام بادام با قلب مقشر شیره کرده ترنجبین اضافه نموده مرتبه دیگر بجوشانند
و میل فرمایند غذا بدستور سابق و بعد از این هفت روز دیگر دواهای
کشیشان مسهل ذکر رفت بهمان دستور میل کنند غذا بدستور سابق و هرگاه
با تدابیر مذکوره قلع ماده بالکلیه نشود شیر الاغ خورند و دستورش
دستور العمل شیر الاغ چنین است دستور العمل شیر الاغ که روز اول طرف صبح یک مثقال
نبات کوفته به پانزده مثقال شیر الاغ تازه دوشیده داخل نموده
بنوشند روز دوم دو مثقال نبات با بیست پنج مثقال شیر روز
سیم سه مثقال نبات با سی و پنج مثقال شیر و روز چهارم
چهار مثقال نبات با چهل پنج مثقال شیر بعده دیگر زیاد نکنند
تا مدت پانزده روز یا پانزده یا بیست یک یا سی یک یا چهل
پنج روز بحسب قلت و کثرت ماده و صمغ عربی و نشاسته و رب
السوس و افیون خالص اجزا مساوی کوفته و بیخته با لعاب

بهدانه سرشته وبمقدار نخودی حب ها ساخته در این ایام هر شب
محل خواب پنج عدد فرو برده ولعاب بهدانه ازسر آن میل کنند غذا
آش وطعام با آب نخود ومرغ وخروس دهم ونزدی تخم نیم برشته
وقلیه از لحوم مذکوره با چلاو نرم میل کنند وافشره نبات
با عرق عنب الثعلب مناسب باشد ودر این ایام از حموضات
وبقولات ولبنیات وحلویات واز آب سرد نیز اجتناب نمایند
واب رودخانه بجوشانند وبعرق عنب الثعلب ممزوج نموده بعوض
اب میل کنند وانجیر خیسیده ومغز خیار وکاهو توانند میل
نمود ودر این ایام استحمام بغایت نافع است اما در حین دخول
وخروج خویشتن را از هوا محافظت نمایند وچون سه روز
از اتمام تب بگذرد بتدریج پرهیز را بشکنند وگاهی باشد که
بسبب ضعف جگر این مرض سوء القنیه نیز عارض شود علا
متش تهبج اجفان ودست وپای وانتفاخ شکم باشد ودر این وقت
شیر الاغ مناسب نباشد مگر شیر شتر باید خورد ودستور
خوردن آن همچنان شیر الاغ است الا آنکه مغز تخم بجای مثقال

وششم وهفتم وهشتم هر روزه مثقالی اضافه کنند تا به هشتاد
پنج مثقال برسد ونبات همه روز قرار چهار مثقال است وهر روز
یک فنجان از بول شتر بشیرش داخل کنند ورازیانه وانیسون
وتخم کرفس بکوبند وبول شتر مخلوط کنند وشیر شتر را نیز
از زیاده روغن تا چهل پنج روز بخورند غذا آب بستو عنب
الثعلب با آب بجوشانند وبر اجفان وصورت طلا کنند وبعض
با گلاب بسایند به پشت پا ها ش که بمالند وخاکستر بز با آب
تخم خام بر شکم طلا نمایند وهرگاه منجر باستسقا شود معالجه
آن بتفصیل گفته خواهد شد انشاء الله تعالی سبب ربو
هرگاه بخارات قلب باشد علامت آن ضعف قلب وعلامت سودا
باشد هر بامداد شراب گاوزبان با شراب انار شیرین وعرق
شاهتره میل کنند وبدن را باسلیق کشایند وهرگاه از یبوست
مزاج ریه باشد علامت رقت صوت وعطش وعدم تفث باشد
علاج شراب بنفشه با شراب نیلوفر با لعاب بنکو هر بامداد میل کنند
غذا کشک آب با خرس وگدو واسفناج سل واز قرحه بود که

سل

در ریه حادث شود و آن تب دایمی و سعال و نفث ریم باشد و ورم
برود لاغر شوند و جنبیدن سخت باشد و گاهی نفث ذنین مدة نیز باشد
و این مرض بعد از نزله و ذات الریه و ذات الجنب و ربو یا بعد از
سعال مزمن حادث شود بباید دانست که هرگاه در این مرض رنگ
روی تیره شود و موی اعضا بریزد و شکم خوشیدن و بادناک گردد
و چشمها بغور افتد و جلد پیشانی کشیده شود و سوء القنیه و
اسهال ذوبانی حادث و عفونت نفث شدید گردد و علاج پذیر
نباشد و هرگاه ابتدا که هنوز علامت مذکوره حادث نشده باشد
بمعالجه مشغول باشند علاج هر ابتدا قرص سرطان که بهای شمع
کل ارمنی طباشیر سفید با لعاب بهدانه و بنکو و شیره تخم خربزه
و عرق عنب الثعلب میل کنند غذا اش خرچنگ و قلیه بزغاله با کدو
و اسفناج و پاچه بزغاله نیز میتوانند میل کرد و هرگاه مزاج قوی
باشد دل اسلیم و حجامت صد و تنقیه بمطبوخی که در باب ربو
ذکر رفت مناسب باشد و غرض از مطبوخیست که ایرسا و فراسیون
در اجزای وی داخل است و بعد از آن شیر الاغ همچنانکه در ربو ذکر شد

بغایت

بغایت نافع است و شیر زنان نیز بدستور و شیر الاغ مفید
باشد و اگر تهبیج در اطراف بدید آید شیر شتر بدستور مذکور
بدهند والا لیلکه در باب ربو ذکر رفت بدستور معهود
طلا نمایند و آب روده خانه جوشیده با عرق عنب الثعلب
بعوض آب میل کنند و هرگاه مخصوص سینه را پی نیم شکم پاره کرده
بر سینه بندند بغایت نافع است و در ایامی که شیر الاغ
و شیر شتر میل کنند هر روز وقت عصر از این لعوق یک
مثقال قرص سرطان و لعاب بهدانه میل کنند صفت لعوق
مغز تخم خیارین و کدو و خربزه و صمغ عربی نشاسته کتیرا مویز
مغز بادام باقله مقشر بهدانه در یک من آب بجوشانند تا به نیم
من بیاید با نیم من قند بقوام آرند و حمام معتدل الهوی نیز
نافع است و در این مرض هرگاه مخلطی که از نفث بیاید در آتش
اندازند تعفن بخار او شدید باشد یا آنکه در آب اندازند
به ته نشینند علامت ردیه است و هرگاه مجروح ضعیف و
لاغر علامات مذکوره در تزاید باشد فصد و مسهل را

صفت لعوق

موقوف اکتفا بشیر الاغ وشیر زنان نمایند واگر منجر باستسقا
شود رجوع به باب استسقا کنند واگر منجر باسهال شود شیرهای
منکوره را موقوف داشته رجوع به باب اسهال کنند و الثانی فی
هو الله **ذات الریه** آن ورم حار باشد که در ریه حادث شود علامت
آن وجع صدر وحرارت وجه وعینین وخشکی زبان ومتغیر العطش
وعظم نبض وحمرت قاروره وتب مطبقه وهذیان وضیق نفس و
سعال ونفث دم نیز گاهی باشد **ذات الصدر** آنکه حجابی که قاسم
صدر راست بدو نیم هرگاه آن حجاب از جانب صدر ورم کند او را
ذات الصدر وبرسام نامند علامات آن شدت وجع سینه باشد
چنانکه به پشت وپهلو نتوانند خفت وسایر علامات آن ذات الصدر
است **ذات العرض** هرگاه حجابی که گفته شد از جانب ظهر ورم کنند
ذات العرض نامند علامت شدت وجع میان شانها بود چنانکه
اصلا به پشت نتوانند خفت وسایر علامات آن همچنان ذات
الریه وذات الصدر بود **ذات الجنب** وآن ورمی بود در غشای
اضلاع ویا در حجابی که حاضر است میان قلب ومعده حادث شود

علامت

ذات الریه
ذات الصدر
ذات العرض
ذات الجنب

علامات آن وجع ناخس باشد در پهلو وجع ناخس آن باشد که
گویا عضو را سوراخ کند وبا آن تب مطبقه وضیق نفس و سرفه
وعطش وکرب واضطراب وحمرت قاروره باشد ونفث دم
نیز گاهی بود نبض سریع ومنشاری باشد وجانب چپ را
باعتبار مجاورت قلب خطر بیشتر باشد **شوصه** وآن ورم
حجاب وعضلات اضلاع خلفت واعراض وعلامات این از ذات الجنب
اشد باشد چنانکه خفتن بهیچ وضع ممکن نشود وچون این امراض
در علامات معالجه بهم قریبند لهذا کیفیت مداوا عا ... بسبیل
اشتراک یاد کرده میشود وفی الجمله علامات این امراض هرگاه از
غلبهٔ خون بود تب وحمرت بول ونفث دردی وعظم وتواتر
نبض وعطش واضطراب باشد وهرگاه ماده صفرا باشد علامت
آن شدت تب وسرعت تواتر نبض وصفرت نفث ودردی وقاروره
وشدت عطش وهذیان باشد علاج هرد ... منع اصل السوس
عناب عنب الثعلب بجوشانند وشیره خیارین کوچک باتخم خیار
ولعاب بهدانه ... قطونا ... دو ... بنوشند

شوصه

اگر دموی باشد بعد از قلت آن جانب موافق وجع رگ باسلیق زنند
دو سه روز آن جانب مخالف اعاده کنند و بعضی فصد دو سه روز را قیفال کنند
و اگر صفراوی باشد نخست آن جانب مخالف پس از آن موافق فصد
کنند و بعد تسکین تنقیه باین مسهل کنند بنفشه نیلوفر عنب
الثعلب خیارشنبر عناب سپستان اصل السوس تخم خطمی مغز خیار
چنبر ترنجبین و اگر احتیاج افتد یکروز یا دو روز معاودت کنند
بحسب ضعف و قوت مزاج غذا در این ایام کشک آب با کدو و اسفنا
ج ماش و شیره تخم خشخاش و ضمادی از بنفشه و گل خطمی و کتیرا
و حلبه و بزرالکتان و جو و اکلیل الملک و خبازی و بابونه و بنفشه
ترتیب با آب گرم و روغن کنجد ترتیب داده بکار برند و از آب
سرد اجتناب نمایند و اگر وجع بغایت باشد حجامت از بالای
وجع کما هو است از پهلو و صدر و میان شانها عظیم نافع بود
مخروس با شکم پاره کرده چنانکه در سل مذکور شد بموضع
موجعه ببندند و اگر بعد از این تدابیر تب و عطش و حرارت
و کرب و هذیان و اضطراب باقی باشد بیخ جک بوکوکان

بجوشانند

بجوشانند شیره خیارین و کشنیز ترنجبین لعاب بهدانه
اضافه نموده در ایام بحران طرف صبح میل کنند و شبانگاه
کرم خرالطین سه دم بریده در عرق بید شیره کشند لعاب
بهدانه و نیلوفر اضافه نموده میل کنند و با شوربا با آب بنفشه
و گل خطمی و برگ بید کنند و اگر غیر بحران باشد کافور
جوانه با شیره خیارین کدو و بهدانه و نیلوفر صبح شام بنوشند
غذا بدستور سابق و گاهی باشد که در این ایام یرقان اصفر
حادث شود در این حالت شیره تخم خربزه به دواها یا بحران
و غیرها اضافه کنند و نیز سدها کشایند و دواهای بحران
غیر بحرانی بدستور سابق اعاده کنند تا تب بالکلیه زایل شود
و بعد از آن تقویت با شراب بنفشه و شیره خیارین و عرق بید مشک
نمایند غذا آش مقلیه خروس بچه و بعد از چند روز طعام
کم روغن با خروس و بعد از چند روز دیگر نان با شربت فواکه
میل کنند پس بحمام روند و بتدریج پرهیز را بشکنند و باید
دانست که در این امراض هرگاه سن و مزاج مقتضی نباشد

ادویه اعم از مسهل و غیر آن تخفیف بد فصد و حجامت تاملی
میکرده باشند و هرگاه این امراض از غلبه بلغم باشد علامتش وقلت
عطش و غلظ و بیاض قاروره و بطی نبض و بیاض ثفل باشد
و این شاذ واقع شود و هرگاه از غلبه سودا باشد علامتش
خشکی و سواد لسان و اضطراب و بیخوابی و هذیان باشد علاج
در منضج اصل السوس عنب الثعلب سپستان بجوشانند با ترنجبین
و نبات میل کنند و دل با سلیق کشایند و بعد از نضج کامل تنقیه
باین مطبوخ کنند بنفشه نیلوفر خیار آنبر اصل السوس بیخ کاسنی
سنا مویز انجیر مغز فلوس ترنجبین غذا زیرباج با ماء الشعیر
و بعد از تنقیه شراب کافور بار و تخم شاماسفرم با عرق گل
بنوشند و چون آثار صحت ظاهر شود بتدریج پرهیز را بشکنند
باب دهم در امراض قلب و از آن جمله سوء المزاج قلب است
و هرگاه از حرارت باشد علامتش حمرت بول و سرعت نبض
و غم و غضب و عطش باشد و چون بر سینه دست نهند احساس
حرارت کنند علاج شراب صندل با عرق بید و گلاب بنوشند

وتنبر

و شراب نیلوفر و شراب لیمو نیز نافع است غذا آش خروس با آب لیمو
و زرشک و اسفناج و صندلین با گلاب بسایند و کتانی در آن
تر کرده بر سینه نهند و احیانا مفرح بارد خورند و اگر احتیاج
افتد دل با سلیق کشایند و هرگاه سوء المزاج بارد باشد علامت
آن بطی نبض و بیاض قاروره و فزع و کثرت خواب و ضعف قوت
باشد علاج گلقند با شربت کاوزبان میل کنند غذا زیرباج با کبک
و مرغ و بعد از آن تنقیه بحب افتیمون کنند و بعد از تنقیه تقویت
بدوا المسک و اشربه مقویه کنند و اگر سوء المزاج یابس باشد علامت
آن نحافت و هزال بدن و تواتر نبض است هر بامداد شراب کاوزبان
با عرق بید مشک میل کنند و تقویت بجوارش لؤلؤی و شیری و عودی و
کنند و استعمال و تدهین بروغن بنفشه و امثال آن نافع است
و اگر رطب باشد علامتش بیاض قاروره و بطء نبض و سقوط
اشتها و سرعت انفعال باشد علاج گلقند هر بامداد میل کنند
غذا زیرباج با کبک و تیهو و زعفران و اگر در مجموع سوء المزاجات
مذکوره علامت امتلا و غلبه اخلاط باشد تنقیه بحب ایارج

وحب افتیمون وریاضت معتدله نیز مفید است **خفقان** وآن
حرکت اختلاجی باشد دفع موذی از عارض قلب شود وعلامت
آن تپش دل وضیق نفس باشد واو هرگاه از غلبه خون باشد
نخستین رگ باسلیق ویا سافین گشایند هر بامداد شراب لیمو
ویا شربت حماض با پیاله گلاب میل کنند غذا آش بغالد و مرغ
وآب لیمو واگر از غلبه صفرا باشد هر بامداد از اشربه مذکوره
با گلاب ومحل عصره مفرح بارد میل کنند وصندلین وگل ارمنی
وکافور وشافعا میثا واقاقیا با آب کشنیز وگلاب به سینه
ونیز بپستان چپ طلا بر کنند وسیب وریحان احیانا میل کنند
وهرگاه از غلبه سودا باشد علامتش خوابهای بدی وفکر وحشت
افکار باطل باشد علاج تنقیه بمطبوخ افتیمون ویا حبان کنند
وبعد از تنقیه تقویت بشراب گاوزبان ومفرحات کنند واگر
خفقان از کثرت ریاضت صوم واسهال وقی ونزف دم
باشد علاج آن کنند نیز وفکر وحریه وعصیده
وامثال آنها واگر اخلاط وترجه در معده جمع شود خفقان

واگر خفقان

حادث گردد علاج آن بقی کنند وبعد از قی جوارش عود
میل کنند واگر صفرا بمعده بریزد از این نیز خفقان حادث
شود علاج هر بامداد دبیخ کاسنی وبیخ مهلک بجوشانند
ونبات سفید میل کنند وبعد از نضج تنقیه بمطبوخ
فواکه کنند واگر از سودا باشد که در معده جمع باشد
نخستین مقیات دهند وبعد از قی نبات با آب بالنگو
وگاوزبان بنوشند وبعد از نضج تنقیه بمطبوخ افتیمون
غشی علامتش ضعف نبض وتنفس وبرودت اطراف
وصفرت لون وتعطل حواس باشند واین از شدت ضعف
قلب واجتماع روح در دل باشد علاج در هنگام غشی گلاب
با آب سرد بروی بپاشند وعنبر غالیه ببویانند واطراف
سخت بمالند وبعد از اقامت مفرح وشراب صندل میل کنند
واگر غشی از نوع وسموم یا وجاع شدید باشد علاج
در محلش گفته شود **ضعف قلب** وآن چنان که گویا دل از هم افتد
واز عقب او غشی خفیفه آید وبا آن سیلان آب دهان باشد

غشی

ضعف قلب

علاج بمطبوخ افتیمون و حبهاء کنند و بعد از تنقیه تقویت بمفرحات
کنند **ورم ثدی** ورم پستان از بسته شدن شیر بود و حادث شود — ورم ثدی
علامتش سختی و درد و صلابت و ورم باشد با قلت و بعد سوزش بیست
خشخاش اکلیل الملک خبازی عنب الثعلب تخم شبت ادویه
گل خطمی با سرکه و سفیدی بیضه ضماد کنند و اگر بعد از آن وجع ساکن
نشود این ادویه ضماد کنند مانند مرزنجوش و خطمی و حنا و غیره و بابونه
دفع نبخ و اگر وجع شدید شود نضجات مانند ابرسا و برزک
و مرو و مرداسنگ و انجیر ضماد کنند و بعد از نضج منفجر سازند
قلت لبن کمی شیر هر گاه از قلت اکل باشد هریسه و باچه و عصیده — قلت لبن
میل کنند و مغز بادام و قند و فستق و گردکان و چلغوزه و نارجیل
حبة الخضرا و ادنخود برابر بکوبند با سه چندان قند مرو و بج ساخته
مرد و نقرس میل کنند و اگر از فساد شیر باشد و اگر ما
از غلبه صفرا باشد علامتش آنست که بشیر گرم و دنه و قرنق
باشد علاج تنقیه بمطبوخ فواکه کنند و اگر از بلغم باشد شیر
سفید و ترش و مایل برد علاج آن تنقیه بحب غاریقون کنند

کثرت لبن — واگر از سودا باشد شیر غلیظ و تیره بود و در این قسم تنقیه بمطبوخ
افتیمون کنند **کثرت لبن** بسیاری شیر از لاله و مرداسنگ
زیره با سرکه و گلاب طلا نمایند و در ادویه در طمث سعی کنند
باب یازدهم در امراض معده از انجمله سوء المزاج معده است — باب یازدهم در امراض معده
و او یا ساذج باشد یا مادی اما ساذج اگر حار باشد علامت
قلت اشتها و امتلاء دخانی و عطش و خشکی دهان باشد و میل
به ترشی کنند علاج هر بامداد شراب لیمو و ریواس و سکنجبین
ساده با گلاب میل کنند و ببا و دوغ نیز نافع است غذا زرشک
و غوره و تمر و اگر سوء المزاج بارد باشد علامتش لینت و انتفاخ
شکم و ضعف هضم باشد و غذا دیر گوارد دیر هضم شود علاج گلقند و جوارش
عود و جوارش کمونی و زنجبیل پرورده میل کنند غذا نیم برشت
دارچینی و فلفل و مرغ و اگر سوء المزاج رطب باشد علامت
سیلان آب دهان و غثیان و نفرت از دسومات چرب
باشد و از اثمار بارده متنفر شوند علاج گلقند با انیسون
هر بامداد میل کنند و جوارش مصطکی نیز نافع است و اگر در طبخ

لینت بدید باید معجون خبث الحدید میل کنند غذا زیرباج با فلفل و هیل
واگر سوء المزاج یابس باشد علامتش نحافت و هزال بدن و عطش
و پوست زبان علاج شراب بنفشه هر بامداد با شیر خرفه
میل کنند و نبات با آب کدو نیز نافع است غذا بنوها شوربا بنقاله
کدو و اما سوء المزاج حار و آن هنگام آن غلبه صفرا باشد علامت
آن عطش و صفرت زبان باشد علاج نخستین مقیات دهند مانند
تخم ترب و شبت و اصل السوس و کنکر زد و بعد از تنقیه بطبیخ
فواکه کنند و بعد از چند بامداد مزیج خورند واگر غلبه بلغم
باشد علامتش لین نبض و بیاضی قاروره و غثیان و سیلان
آب دهان و انتفاخ شکم و قلت اشتها باشد نخستین مقیات
و بعد از آن گلقند خورند و بعد از نضج ایارج لوغا زیاده دهند
دهند و بعد از تنقیه چند بامداد جوارش لوی میل کنند و
روغن زنبق بمعده طلا کنند واگر از سودا باشد علامت آن
کثرت نفخ و اشتها و ضعف هضم و قوت ترش و سواد بول و بطی نبض
و بزرگ شدن طحال باشد علاج مقیات دهند بعد از آن

سوء المزاج حار

اطریفل میل کنند و بعد از آن تنقیه بمطبوخ افتیمون کنند
وجع معده و آن هنگام از سوء المزاج بود علاجش گفته شد و هرگاه
از تخم معده باشد علاجش گفته شود واگر از ریاح باشد
علامت قراقر و جشا و قی بود علاج گلقند و گل انگبین با عرق
بادیانه میل کنند جوارش کمون نیز نافع است و مصطکی
بخایند واگر از طعام ردی باشد قی کنند و بعد از قی جوارش
عود تناول کنند واگر از ضعف معده باشد علامتش آن است
که وجع بعد از اکل زاید شود علاج بمقویات معده کنند مانند
شراب نعناع و سیب و انار ورم معده اگر از حار باشد علامت
آن حرقت و وجع معده و قی و عطش و تپ و ظهور ورم باشد علاج
شراب بنفشه با آب کاسنی و رگ باسلیق کشایند غذا جو آب
و بعد از آن تنقیه باین مطبوخ کنند عنب الثعلب بنفشه
تخم کاسنی مغز فلوس و در ابتدا ناف ماميثا صندل با آب تاج
ترک بمعده بمالند و بعد از چند روز تحلیه بزرگ گل خطمی بابونه
سنبل ارمنی تخم کل سرخ با آب سرشته ضماد کنند واگر بعد

وجع معده

ورم معده

از آن تب و وجع استفراغ کنند علامت جمع شدن مادّه است
تخم خطمی بزرک و مرهای سنک با شیر برنج بامداد بنوشند و چون
منفجر شود و ریم خون باقی دفع شود نشاسته با روغن بادام
میل کنند و بعد انقطاع دم و ریم قرص کهربا با اب کلنار میل
کنند **واکر مادّه بلغمی باشد** علامتان تهیج سر و روی و تفجیج معده و بیاض
لسان و قلّت عطش و نخاوت ریم باشد علاج هر بامداد
ماء الاصول با اب رازیانه میل کنند و تریاق اربعه نیز نافع
است غذا نیرباج با دارچینی و خنک دانه و دجاج و روغن زیت
مخروع طلا کنند **واکر سوداوی باشد** ریم صلب بود با فکاک
بالطف بپیچند و نفس تنکی کنند علاج کل انکبین با شیرهٔ رازیانه میل
کنند غذا خنک دانه با نیرباج و بابونج و مصطکی و سعد و اذخر
و سنبل و برنک و حلبه با موم سفید با روغن بابونج سرشته
ضماد کنند و بعد از ان بایارج لوغاذیا کنند **شهوت کلبی**
و ان چنان باشد که انا کل بسیار خورند و او هرکاه از خلط سودا
بود که برفم معده ریزد علامتان هذا مترشش و قلت عطش حرقت

واکر مادّه بلغمی

واکر سوداوی

شهوت کلبی

فم معده باشد علاج تنقیه بمطبوخ افتیمون کنند و به جرب عادت
نمایند واکر سوء المزاج بارد بود که فم معده از ان منکشف شود
علامتان سیلان اب دهان و تفجیج لین شکم بود علاج هر بامداد
کلقند با رازیانه میل کنند غذا نیرباج با فلفل و بعد از ان تنقیه
بحب ایارج کنند و بعد از تنقیه چند بامداد می احمر کهنه تناول
کنند واکر از افراط حرکت و بیداری و غم و کرما خلوی در بدن
حادث شود این علت بدید اید علاج بباچه و هریسه و قلیه
کنکنند و تدهین بدن بروغن بنفشه کنند واکر از نحیات
بود علاج ان کفته شود **جوع بقری** و این جوع مجموع اعضا بود
باسیری معده از نخافت بدن و وجع دایمی معده و ضعف
قوت و غش نیز کاهی باشد و چون دست بفم معده نهند احساس
برودت کنند علاج هر بامداد کلقند با شیرهٔ رازیانه میل کنند
و بعد از ان چند روز می احمر کهنه بنوشند غذا نیرباج با
تیهو و دراج و سکرامات و نخام و سعد با اب سرشته بر
معده طلا نمایند واکر با ضعف معده حرارت در بدن باشد

جوع بقر

از ان نیز این علت بدید اید علامتش ان بیوست طبع وعطش
وغثی در هنکام جوع باشد علاج هر بامداد شراب زرشک
باسکنجبین ساده میل کنند غذا تمر ولیمو وغوره وچون
خواهش شود چیز خورند که تا خیر نیکو نباشد **عطش کاذب**
تشنکی بافراط هرکاه از حرارت قلب وریه ومعده باشد علامت
از حرقت صدر ولهیب وعطش بافراط بود علاج هر بامداد
شراب لیمو وریباس وسکنجبین ساده یا عرق کاسنی ویا با
خرفه میل کنند غذا تمر وزرشک باین غاله وصندل کلاب عرق
بید بر سینه ومعده طلا کنند وهنکام عطش اب سرد بخورند
واکر بسبب اخلاط شوری که در معده جمع شده باشد عطش
کاذب بدید اید علامتش ان است که عطش از اب خوردن
زایل نشود وچون لحظه صبر کنند واب نخورند زایل کردد
علاج نخستین مقیات دهند بعد از ان قرانیسون رومی کل
سرخ قند برابر کوفته وبیخته هر روز دو مثقال کف کنند
غذا نیر باج با زرشک **قراقر ونفخ معده** علاج ان هر بامداد

کلقند

کلقند با دارزیانه میل کنند وغلت وجوارش کمون کرده بر شکم
ضماد نمایند واکر در طبع لینت باشد حب الرشاد زیره که
در سرکه خیسیده باشد علاج تنقیه معده کنند با قند یا عود
هر روز دو مثقال کف کنند **جشا وتثاؤب وعطش اروغ**
ودهن دره ازین هر سه هرکاه بافراط باشد علاج تنقیه
معده کنند وبعد از تنقیه تقویت بجوارش عود ومصطکی
وانوشدارو کنند **سوء الهضم وضعف هضم تخمه** سوء هضم
ان باشد که کاهی غثیان کنند وحرقت معده وترش بر ارغ جشا
باشد وضعف هضم ان باشد چون لحمه از اکل بکذرد دیر بوی
طعام از اروغ اید **تخمه** ان است که معده اصلا تصرف
در غذا نکند علاج این هر سه تنقیه بقی کنند وبعد از تنقیه
تقویت معده بجوارشها ست ومعاجین چنانکه کذشت
وروغن مصطکی بمعده طلا کنند واکر متمادی شود
بیخ چینی عظیم نافع بود وکیفیت خوردن در باب صداع
بتفصیل کفته شد **حیزه** علامتش انست که دنفتاق

واسهال نکاهی معده را نیز رجعی باشد علاج اولا دو سه
قطعه یخ صاف فرو برند بعد از ان تخم ریحان بو داده نبات
با پیاله گلاب بجوشانند و میل کنند و از نوره اصلا چیزی
نخورند و اگر طبیعت بسته نشود رب سیب و رب
به و یا شربت نعناع با لعاب اثیر بو داده میل کنند و یا دوغ گاو
با من داغ کنند و یا برف و یخ سرد کنند و میل نمایند و چهار
اشتها صادق شود اش سماغ داغ کرده با مرغ مناسب باشد
گل ارمنی و صندل با اب مورد بر روی معده طلا کنند
فی دفع قوع وغثیان این هنگامی که از غلبه صفرا باشد
علامتش عطش و تلخی دهان و خشکی زبان والتهاب بود
علاج نخستین مقیات دهند مانند اصل السوس تخم ترب
و تخم شبت و نمک هندی و کنکر زد و سکنجبین عسلی و بعد
از ان شراب غوره یا ریواس میل کنند و صندل با اب سیب بر
معده طلا نمایند و اگر از غلبه سودا و بلغم باشد علامت
ان ترش و قلت عطش و قراقر معده بود اولا قی کنند بعد

انق

انق پوست پسته و نعناع خشک و اصل و قشر عود قماری بجوشانند
و شربت به لیمو اضافه نموده قطره قطره میل کنند و جوارش عود
و گل قند نیز نافع و اگر تمادی شود یخ چینی مناسب باشد قی
دم خون قی کردن هنگام از انقطاع و انفجار رگست علامتش انست
که خون صاف و رقیق اید علاج صمغ عربی با رتیلا بکوبند و بشته
کنند و بکوبند گل ارمنی و کهربا و قرص طباشیر مجموع با شیره خرفه
بو داده هر بامداد میل کنند و رگ باسلیق گشایند و اقاقیا و
صندل و مسک و املج با گلاب و اب مورد بر روی معده
طلا نمایند غذا اش سماق و اگر ضربه بسینه واقع شود و قی
حادث گردد اقاقیا گل ارمنی و صبر مغاث ماش با اب مورد
بر روی معده طلا کنند و قرص کهربا با شیره خرفه تف داده
میل کنند و هنگامی که با قدم سرفه باشد صمغ عربی نشاسته گل
ارمنی طباشیر بکوبند و با اب لسان الحمل و قرص کهربا هر بامداد
میل کنند و اگر احتیاج افتد رگ اسلیم گشایند و از حمام
احتراز کنند و اگر در معده قروح اشود باشد از این نیز حادث

علامتان وجع میان شانه و دیم با قایند علاج ان قرص طباشیر و قرص
کهربا و یا قرص کلنار و کتیرا و نشاسته و اب لسان الحمل هر بامداد میل
کنند غذا باچه و زرده تخم نیم پخته و اگر قی دم از عضو دیگر
باشد که بمعده رسد مانند دماغ و سپرز و جگر علامتش آفت
ان عضو است و علاجش علاج همان عضو چنانچه در جای دیگر
خود مذکور است اگر خون در معده به بندد علامت غشی ناخوش
بود و عرق سرد اید علاج فودنج تخم شبت بجوشانند و نمک
هندی اضافه کرده بنوشند تا قی کنند یا سرکین خرگوش با
عسل با اب گرم بنوشند و قی کنند **فواق** و ان هرگاه بسبب فواق
اخلاط بود که در معده جمع شده باشد علامتان قی
و حرقت معده است علاج نخستین مقیات دهند و بعد
از ان نبات با لعاب به دانه و روغن بنفشه و عرق گل میل
کنند و اگر احتیاج افتد تنقیه بحبوب مسهل کنند مانند
حب ایارج و امثال ان **و اگر از ریاح بود** علامتان عدم و اگر از ریاح بود
حرقت معده و قی باشد هر بامداد گلقند با شیره انیسون

و فواق
میل کنند و مصطکی بخایند و عطسه کردن نیز نافع است و
اگر از بسیار خوردن باشد قی کنند و بعد از قی جوارشن
عود تناول کنند و **فواق** که بعد از اسهال یا از یبس و
مفرط حادث شود کمتر علاج پذیر باشد چنانکه گفته اند
هذا الفواق ما لدهر الفراق علاج شراب بنفشه با لعاب بخکو
و بعد از ان گرم کرده بنوشند غذا جو اب و کدو و روغن
کدو و بنفشه بستان افروز و گل خطمی کتیرا با لعاب بزرقطونا
سرشته بمعده و حلقوم طلا کنند **و اگر فواق** از ورم جگر
باشد علاج او عنقریب گفته شود **نقصان و بطلان**
اشتها اگر از سوء المزاج معده بود علاج ان گفته شود و اگر
از اخلاط بود که در معده متعفن شده باشد و یا از اخلاط
تلخ و شور که در معده جمع امده باشد علامتان تعفن و شوری
دهان و حرقت معده و تشنگی باشد علاج مقیات دهند
و بعد از قی تقویت معده با سکنجبین سفرجلی و شراب لیمو کنند
لزج باشد که در معده جمع شده باشد علامتان قلت عطش

و اگر فواق
نقصان و بطلان
و اگر از اخلاط

میل به اشیاء حریفه باشد علاج آن مقیات دهند و بعد از ق
گلقند با انیسون و یا جوارش عود میل کنند واگر از سوء هضم بود — واگر از سوء هضم
که بعد تنقیه و تلیین کنند علامت سوء هضم باشد و جوع ضعیف
و یا قوی بغیر خود نداشتها بدید آید علاج آن هر بامداد سکنجبین
بزوری میل کنند غذا کباب که در سرکه پرورده باشند و نیمرو با
با مرغ واگر بطلان حس فم معده باشد علامتش آن است که چون چیزی — واگر بطلان
تند و ترش بخورند اصلا احساس نکنند علاج هر بامداد شربت
بادرنجبویه با آب اصل السوس میل کنند و بعد از نضج تلیین
بحب صبر کنند و بعد از تنقیه تقویت معده بجوارش عود و مصطکی — در امراض باب چهاردهم
کنند **باب چهاردهم در امراض** از جمله سوء المزاج کبد است و او
هرگاه حار باشد علامتش آن است که چون دست بر پهلوی راست
نهند احساس حرارت کنند و با آن تشنگی و تلخی دهان و یبوست
طبع و سرعت نبض و حمرت قاروره باشد علاج هر بامداد
ترنجبین با آب قند هندی و شیره تخم کاسنی میل کنند و رگ باسلیق
از یمین کشایند و اگر احتیاج شد تلیین طبیعت فواکه کنند و صندلین

با آب کاسنی بر روی جگر طلا کنند واگر سوء المزاج بارد باشد
علامتش آن بطء نبض و بیاض لسان و قاروره و تهبج اجفان و قلت
عطش و لینت طبع باشد هر بامداد گلقند با شیره رازیانه
میل کنند غذا نیمرو با مرغ و سنبل و اسارون بجوشانند بر جگر
ضماد کنند واگر رطب باشد علامتش کثرت نوم و سیلان آب دهان — واگر رطب باشد
و تهبج اجفان و سوء هضم باشد علاجش همچون سوء المزاج بارد است — واگر
واگر سوء المزاج یابس باشد علامتش نحافت بدن و یبس طبع و
صلابت نبض و بیاض قاروره باشد علاج هر بامداد شراب نیلوفر
با شیره خرفه میل کنند غذا اش برغال و روغن بنفشه و روغن
کدو و صوص با آب خرفه و کاسنی بجوشانند و بر جگر طلا کنند — واگر
واگر در این سوء المزاجهای مذکوره در طبع لینت مفرط باشد
هر بامداد صمغ عربی بو داده گشنیز تخم ریحان بو داده قرص
طباشیر قابض در بند با عرق بادرشک میل کنند غذا اش با
با برنج بو داده و کشنیز و تره واگر بدین تدابیر قطع نشود
بعد با اسهال رجوع کنند ضعف کبد و سبب آن سده جگر باشد — ضعف کبد

اگر سنگ در مجرای جگر باشد علامتش آن است که بول اندک
آید و رقیق باشد و اگر در تقعر باشد بول آن رقیق بود و دیگر
دو نوع مخافت بدن و فساد لون و سقوط اشتها و اسهال
غسالی باشد و ضلع اخیر و اضلاع یمین درد کند علاج نوع اول
هر بامداد قرص زرشک با سکنجبین بزوری میل کنند غذا زیرباج
و نوع ثانی را هر بامداد نبات سفید با آب بیخ مهک و رازیانه
میل کنند و بعد از تلیین به معجون خیارچنبر و آب رازیانه
کنند شبت و سنبل و اسارون با آب سداب بر جگر طلا
کنند اورام کبد و اورام که از غلبه خون باشد علامت آن
تب و عطش و ضیق نفس و سرفه و فواق و ظهور ورم
و حرقت و ثقل در دان باشد و گاهی بول نیز محتبس گردد
علاج هر بامداد ترنجبین با آب بید بادتریاک و بیخ کاسنی
میل کنند غذا کشکاب و بعد از آن فصد از یمین رگ باسلیق
کشایند و اگر احتیاج افتد بعد دیگر از یسار اعاده کنند
نضج تلیین بطبیخ فواکه کنند و بعد از تنقیه حرارت باشد

اورام کبد

هر بامداد

هر بامداد قرص کافور با شیره خیارزه و هندوانه میل کنند و بنفشه
و صندلین و ورد با تریاک و گل سرخ و کاکنج و طحلب با گلاب
و آب بستان افروز ضماد کنند و اگر از غلبه صفرا باشد علامت
آن شدت تب و تشنگی و قی صفراوی و سرعت نبض و تاید
بول و علاج آن همچون علاج دموی باشد و علامات بلغم
سپیدی بول و قلت تب و عطش باشد هر بامداد نبات با آب
رازیانه و بیخ مهک بنوشند و بعد از نضج تلیین بمعجون
خیارچنبر با آب عنب الثعلب و رازیانه کنند غذا نخود آب
با بادام و علامات سوداوی خشکی زبان و عطش و صلابت
جگر باشد هر بامداد نبات سفید با آب رازیانه و تخم کرفس
و کاسنی بنوشند و بعد از آن تنقیه بمطبوخ افتیمون کنند
و بعد از تنقیه چند بامداد قرص زرشک با سکنجبین بزوری
میل کنند غذا زیرباج و اگر ورم جگر از ضربه و سقطه باشد
تخم مومیای بیوند باد زهر بنفشه طلا کنند کتیرا
کبد و این بعد از ورم پدید آید علامت آن از

و اگر

و اگر ورم جگر

اشد باشد چنانچه به پشت اصلا نتوانند خفت علاج چند
روز منضجات ضماد کنند مانند اکلیل الملک و بنفشه و
خطمی و انجیر و مرو ارشک و موم سفید و امثال آن و چون
منضج شود علامت انفجار آنست که چرک با بول آن دفع شود
و قشعریره باشد و وجع ساکن گردد و بعد از انفجار هر گاه
تب و حرارت نباشد هر بامداد نبات با آب رازیانه و
میل کنند و الا شراب خشخاش با شیره خیارین و خربزه
میل کنند **نفخ کبد** علامت آن وجع ممتد باشد در موضع کبد
بی آن تب و ثقل کبد نباشد علاج هر بامداد سکنجبین
بزوری با عرق رازیانه میل کنند و ضمادات مسخنه مانند
تخم کرفس و رازیانه و سداب و مرزنجوش و فرنجمشک
و فودنج و امثال آنها **سده کبد** و او هرگاه در محدب جگر
باشد علامت آن ثقل جگر بود و بول رقیق و کم باشد علاج هر بامداد
سکنجبین بزوری با عرق عنب الثعلب میل کنند و ماء الاصول
نیز نافع است و اگر با آن عطش و حرارت باشد هر بامداد

نفخ کبد

سده کبد

سکنجبین

سکنجبین شکری با قرص زرشک با شیره خرفه میل کنند غذا
نیرباج با زرشک و اگر مقعر کبد باشد علامت آنست که بول از رطب
باشد علاج پوست بیخ کاسنی تازه نشسته را شبانگاه در عرق
عنب الثعلب بخیسانند و بامداد صاف کرده سکنجبین بزوری
اضافه کرده میل کنند غذا بدستور سابق **سوء القنیه** علامت
آن تهیج اجفان و سفیدی لون و بدن باشد علاج آن تقویت
جگر باشد چنانکه در سوء المزاج کبد گفته شد و عنب الثعلب
با گلاب بهم سائیده بر سر و صورت طلا کنند غذا نیرباج با زیره
و دارچینی و مرغ و در این باب البته اهمال نکنند که باستسقا
انجامد **استسقا** و آن سه نوع بود لحمی و زقی و طبلی اما لحمی و آن
از ضعف کبد و برودت مزاج آن حادث شود از کثرت سطحیت و از
سیلان دم بواسیر و از ضعف طحال و معده و از آب خوردن بعد
از ریاضت و یا بعد از حمام و یا در فرش خواب حادث گردد علامت
آن سفیدی لون چنانکه بزردی مایل باشد و انتفاخ تمامی بدن
چنانکه هرگاه انگشت بر آن نهند بغور افتد و زمانی چنان قایم

سوء القنیه

استسقا

بماند و بول سفید و رقیق باشد علاج آن بادیانه و عنب الثعلب بجوشانند
معجون خیار چنبر ده درم حل کرده یکدو نیم کنند غذا زیرباج
با مرغ و خروس و زیره و بعد از آن هر بامداد سکنجبین بزوری
و قرص لک با شیره دانه بادیانه و انیسون و تخم کرفس تا هفت روز میل
کنند و اگر با آن حرارت باشد سکنجبین بزوری با قرص زرشک
با شیره خیار و خربزه و هندوانه و عرق عنب الثعلب میل کنند
و اگر در طبیعت یبوست باشد بعوض قرص لک و زرشک قرص
ریوند کنند و چون هفت روز تمام شود همان سکنجبین و قرص را
با فنجان بول بن با آب عنب الثعلب تا هفت روز دیگر بنوشند
و بعد از هفت روز دیگر همان سکنجبین و قرص را با فنجان
آب توت سیاه با آب عنب الثعلب میل کنند و اگر در این مدت
یبوست یکدو احتیاج افتد با آن تلیین طبع معجون فلوس کنند
چنانکه گذشت و غذا آش نخود آب با زیره و مرغ و خروس
و اگر در این ایام در طبع لینت حادث شود دوای صبح ل
بدستور بدهند و هنگام عصر صمغ عربی طباشیر بو داده

کوفته

کوفته با زرشک بو داده و قرص طباشیر قابض با عرق بارتنگ میل کنند
و اگر مفید نیفتد و با اسهال انجامد رجوع به باب اسهال کنند
و در این مرض خربزه و کرمک عظیم نفع دارد بشرطی که در طبیعت
لینت نباشد و عنب الثعلب با گلاب جوشانیده بر سر و صورت
طلایه کنند و ریوند با گلاب بر پاها طلا نمایند و اگر کف دست
با آب نخود بر قدمای اندام مالند و ناخنهای دست و پا را از بیخ
بگیرند و صبر سقوطری با آب سائیده بر جای آن طلا نمایند
و پشت با آفتاب نشستن و پا برهنه بر فرشهای که از تابش آفتاب
گرم شده گردیدن و بدن را با آب شور شستن عظیم نافع بود
و آب رودخانه بجوشانند و بعرق عنب الثعلب ممزوج نموده
بعوض آب میل نمایند و هرگاه این مرض از ضعف و برودت معده
باشد نخستین مقیات دهند بعد از آن گلقند آفتابی با دانیانه
میل کنند و بعد از این تلیین بحب استمخیقون کنند غذا زیرباج
با مرغ و غیره و اگر زقی علامت آن است که شکم همچون خیکی پر از آب
باشد و چون دست بر او زنند آواز آب شنوند و سایر اعضا لاغر

نیز ورم باشد علاج هر بامداد کلقند با اب رازیانه و تخم کاسنی
و بیخ او میل کنند و اگر با ان حرارت و عطش باشد سکنجبین بزوری
با اب بیخ کاسنی تا نه نشسته که شب در عرق عنب الثعلب خیسانیده
باشند هر بامداد میل کنند غذا نیم باج با مرغ و خروس دهند
و اگر احتیاج افتد تلیین بمطبوخ هلیله کنند و بوره ارمنی و قردمانا و پودینه
و تخم کلم و مویز بیخ سوسن ازرق بجوشانند بر سکبینج کاو با اب رازیانه
سرشته بر شکم و سایر اعضا طلا کنند و بر پشت پای چند
جا تیغ کشیده پوست دنبه بران به بندند **اما طبلی** و علامت
ان انتفاخ شکم باشد مانند طبل و چون دست بران زنند
مانند طبل اواز کند و سایر اعضا را نیز ورم باشد علاج هر بامداد
کلقند با اب بیخ بادیان و انیسون و تخم کاسنی و بیخ او میل کنند
غذا زیرباج با فلفل و زیره و روغن شبت و سداب کرم کرده
بر شکم طلا کنند و اگر احتیاج افتد تلیین بمعجون خیار چنبر
و اب رازیانه کنند و زراوند طویل و اسارون و انیسون
و تخم کرفس رازیانه سنبل و جعده و زیره هر یک در چندان

اما طبلی

سفوف

سفوف سوده ازین پنج مثقال الکف کنند و چون مرض سخت شود تنقیح
ساکن کرده تخم شبت کوفته با بابونه و مغز تخم اکلیل الملک سی زنجبیل بتن
با اب سداب بر شکم طلا نمایند **بدانکه** نوعی از طبلی هست که
از جنینی مینامند و بعد از انتفاخ شکم بیشتر باشد شبیه بشکم
آبستنان علاج هر بامداد نبات سفید با اب رازیانه و تخم
کشوث و عنب الثعلب میل کنند و بعد از نضج تلیین باین مطبوخ
کنند عنب الثعلب سنای مکی تخم کاسنی مغز فلوس ترنجبین شکر
سرخ وهکذا شکم را بخرقه درشت بمالند بدانکه در این چهار
نوع استسقا که مذکور شد هرگاه تب و تشنگی و حرارت با فراط
باشد باشیاء حاره اصلا معالجه نکنند بلکه به همین دواها اکتفا
کنند عنب الثعلب تخم کاسنی و بیخ او بجوشانند و هر بامداد میل
کنند غذا شوربا ماش با مغز بادام و اگر بتلیین احتیاج افتد مطبوخی
که در جنینی قید شد مناسب باشد و هرگاه در این سه
نوع اخیر که طبلی و زقی و جنینی است در طبیعت لینتی حادث
که دبقا بضاق که در لحمی ذکر رفت حبس طبیعت کنند و اگر

بدانکه

یرقان اصفر

منجر باسهال شود رجوع به باب اسهال کنند یرقان اصفر
زردی چشمها و جلد هرگاه به بحران اید علاج ان در تب
محرقه گفته شود و اگر از سوء المزاج حاره و یا از ورم حار بود
که در جگر حادث شود و همچنین اگر از سوء المزاج کرم مراره بود
علامت ان همه شدت عطش و تیرگی و صفرت لون و صفرت
قاروره مایل بسواد و صفرت کفات و یبوست طبیعت و سرعت
نبض و حرارت باشد و لیکن از ان مراره دفعتا حادث
گردد و اگر یرقان از حرارت تمامی بدن باشد علامت ان
خارش بدن و خشکی و صفرت براز بود با علامات علاج
مجموع اقسام مذکوره بریک و تیره باشد چنانکه هر بامداد
بیخ کاسنی عنب الثعلب تخم کشوث بجوشانند و تخم خیار و
خربزه و صندل دانه و کاسنی در شیره کرده ترنجبین بالغا
بنکو اضافه نموده تا سه روز بنوشند دو ناول از یمین
اسلیم و در سیم اندیسا رباسلیق و یا انکه باز اسلیم کشایند
غذا اش تمر و بعد از نضج شقیه باین نقیع فواکه کنند الوی

سیاه

الوی مشمش انجیر مویز منقی عناب سبستان بیخ کاسنی عنب الثعلب
تخم کشوث تمر هندی سنا مجموع شبانگاه خیسانیده و بامداد
صاف نموده شیرخشت ترنجبین پوست هلیله زرد کابلی اضافه
کرده تا سه روز بدین دستور میل نمایند غذا بدستور سابق
و بعد از شقیه چند بامداد سکنجبین ضدی با اب بیخ کاسنی
تازه نشسته میل نمایند چنانکه هرگاه حرارت بقایت باشد
تا باترده روز یا بیست یک روز خوردند و جلاو با قلیه تمر
و زرشک میتوانند میل کرد و یرقانی که بعد از قولنج ایلاوس
بمعالجه قولنج مشغول شوند چنانکه گفته خواهد شد و بعد
از ان معالجه یرقان بدستور سابق کنند من اوله الی
اخره و هرگاه یرقان از شربت زهر و یا از نوع حیوان زهردار
باشد علاج ان هر بامداد قرص کافور با اب هندوانه و لعاب
بنکو و با انار دین میل کنند غذا کشک اب با روغن بادام
و کافور و صندل با اب کشنیز بر روی جگر طلا کنند و اگر
سده در میان مراره و کبد حادث گردد و از این نیز یرقان

بدید اید علامتش ان است که بول غلیظ بود و رنگ سفید که بود و باان
عطش و حرارت باشد علاج نخستین تنقیه بمطبوخ فواکه کنند
ویا نقوع ان کنند و بعد از تنقیه چند بامداد سکنجبین بزوری
با اب بیخ کاسنی تازه نشسته میل کنند باب سیزدهم در امراض طحال
از جمله سوء المزاج طحال است و ان اگر حار باشد علامت ان
التهاب و عطش و تیرگی لون و اختلاف نبض و حمرت قاروره
و سوزش طحال باشد علاج هر بامداد قرص زرشک و ترنجبین
با اب تمهیل کنند و از دست چپ با اسیلم کشایند و بعد
از ان تلین بطبیخ هلیله کنند و بعد از تنقیه سکنجبین
افتیمون با ماء الجبن بدهند چنانچه در باب مالیخولیا
ذکر رفت غذا اش تمر و قلیه او تخم سپندان و تخم ترب و شیخ
باسکه بجوشانند و نمدی در ان تر کرده بر طحال نهند واگر
سوء المزاج بارد بود علامتش عدم علامات حرارت باشد
و لون سفید بود هر بامداد کلقند با شیر دادیانه میل
کنند غذا زیرباج و بعد از ان تنقیه بمطبوخ عاریقون کنند

طحال
در امراض
باب سیزدهم

واکر

و بیخ کبر و سداب و اشنه با سرکه بجوشانند و بر طحال ضماد کنند
اگر سوء المزاج یابس باشد علامتش نحافت و کمودت بدن
و صلابت طحال بود علاج هر بامداد نبات با اب بنفشه و روباه
تربک و تخم بیخ انگشت میل کنند غذا اش با کدو و با بادام و ماش
واگر رطب باشد علامتش قلت عطش و سستی بدن و بیاض
لسان و سیلان اب دهان باشد علاج سکنجبین بزوری با اب
رازیانه و بیخ کبر و اصل السوس هر بامداد میل کنند غذا زیرباج و بعد
از ان تنقیه بحب القیصری کنند ورم طحال و ان هرگاه از بحران تب بود
علامتش تب و سعت نبض و عطش و غلظت و سواد قاروره
و صفرت زبان و وجع طحال باشد علاج بیخ کاسنی و حب القلب
تخم کشوث بیخ کبر بجوشانند تخم خیارین و خرنوب و صندل و اندکی
در اد نیم کوفته ترنجبین لعاب بنگو اضافه نموده میل کنند
اسیلم یا باسلیق کشایند غذا اش زیرباج و بعد از ان تنقیه بنقوع
فواکه کنند که در باب یرقان ذکر رفت و صندلین و شیاف
مامیثا با اب کشنیز بر طحال طلا کنند واگر بعد از نفخه

واکر

طحال
ورام

حرارتی باشد چند بامداد سکنجبین ساده با آب بیخ کاسنی تازه
میل کنند و اگر از برودت بود علامت آن قلت عطش و بطوء
نبض و لینت طبع و حجم طحال باشد علاج هر بامداد نبات سفید
با آب رازیانه و عنب الثعلب میل کنند غذا زیرباج بعد از آن
تنقیه بمطبوخ افتیمون و غاریقون بکنند و بعد از تنقیه چند
بامداد سکنجبین بزوری یا قرص کبر میل [کنند] و اگر در سوء المزاج
بارد صلابت طحال بغایت بود و از موضع خویش بر آمده باشد
و ضیق نفس و سواد لون و فساد هضم یا در اثر غلبه سودا بود
در این حالت رگ اسیلم کشایند و یا رگ باسلیق بغایت نافع است
و کل غافث و تخم خردل و صبر و بیخ کبر با سرکه بر طحال ضماد کنند
و اگر ورم منفجر شود بقی یا بیرون دفع شود در این حال شیر
شتر نافع است چنانچه هر بامداد سه مثقال نبات با پنجاه مثقال
شیر گرم میل کنند و از لبنیات و بقولات اجتناب کنند
نفخ طحال علامت آن خروج طحال بود و چون دست بر آن نهند
از زیر دست بلغزد علاج هر بامداد سکنجبین بزوری با آب

بیخ کبر و تخم کشوث و رازیانه و تخم خیارین و خربزه میل کنند غذا
زیرباج یا سداب با سرکه و روغن زیت بجوشانند و بروی کرباس
کرده تا زانو اندازند ضماد کنند سده طحال علامت آن ثقل طحال بود
با وجع خفیفه علاج هر بامداد قرص کبر با شیره رازیانه و انیسون
و آب عنب الثعلب میل کنند و سکنجبین بزوری با شیره رازیانه
نیز نافع است غذا زیرباج یرقان اسود سیاه شدن لون بدن
بسبب سده باشد که در میان سپرز و معده و یا در سپرز و جگر
حادث شود و یا از بطوء نبض و نحافت بدن و قلت اشتها
و ثقل سپرز باشد و این شدید آید علاج هر بامداد گلقند با آب
بیخ مهک و بیخ کاسنی و تخم او بنوشند و از دست چپ رگ
اسیلم کشایند و بعد از نضج تنقیه با این مطبوخ کنند بیخ کاسنی
سنای مکی بجوشانند و معجون نجاح با شکر سرخ اضافه نموده
میل کنند غذا زیرباج و اگر یرقان از ضعف قوه جاذبه یا ماسکه
طحال باشد علامت کدورت چشم و سقوط اشتها و سواد
براز باشد علاج هر بامداد سکنجبین بزوری با آب انیسون

وگل سرخ میل کنند افسنتین ومقل وفوفل وگل سرخ ومصطکی
باهم ممزوج نموده بر سپرز ضماد کنند **باب چهاردهم در امراض امعا** باب چهاردهم در امراض امعا
ان جمله قولنج است وان وجع شکم بود با یبس طبیعت وسبب قولنج
هرگاه بلغم غلیظ لزج باشد که با خلط امعا ممزوج شده باشد علامت
ان قی وسقوط اشتها وسبقت تخمه وشدت وجع شکم باشد علاج
اولا جوارش سفرجلی مسهل دهند ودر میان اب گرم نشینند و
وروغن شبت وبابونه گرم کرده بر شکم طلا کنند وشیاف خیار
چنبر بر دارند اگر طبیعت مدد کرد فبها والا این حقنه بکار
دارند شبت سنا مکی حنظل سداب سلق اکلیل الملک سپستان
انجیر بجوشانند روغن کنجد اب کامه شکر سرخ بوره ارمنی
اضافه نموده تنقیه نمایند وچون طبیعت مدد کرد ووجع ساکن
شد کلمند با شیره رازیانه وانیسون وتخم کرفس میل کنند
غذا مزور ماش با نخود واگر با ان حرارت باشد ویا یرقان بدید
اید بدستوری که در باب یرقان اشاره رفت فصد وتبرید
وغیرهما معالجه کنند **واگر قولنج** بسبب ریحی باشد که در امعا واگر قولنج

محتبس

محتبس شده باشد علامت ان انتقال وجع وقراقر ونفخ باشد
واگر معالجه بدستور ماقبل کنند وروغن سداب بر شکم طلا باید نمایند
واگر قولنج بسبب ورم امعا باشد علامت ان تب وعطش
ووجع ضربانی وقی صفراوی ووجع شدید نایدکرد علاج
ترنجبین با اب روباه تربک وتخم کاسنی میل کنند وازمین رگ
باسلیق کشایند غذا مزور ماش با بادام وبعد از نضج تنقیه باین
مطبوخ کنند عنب الثعلب تخم خطمی برگ سیاوشان سنای مکی
عناب سپستان مغز فلوس ترنجبین واگر بعد از ان حرارت
واگر باشد هر بامداد شیرخشت با شیره سه تخم میل کنند **واگر**
قولنج بسبب حرارتی بود که در روده حادث کرده علامت ان
التهاب وشدت عطش باشد علاج ترنجبین با اب بنفشه
وعنب الثعلب میل کنند وبعد از ان حقنه که در بلغمی ذکر رفت
بکار دارند وروغن بنفشه بر شکم طلا کنند غذا مزور ماش با
واگر مغز بادام **واگر** قولنج بسبب یبوست ثفل باشد علاج ان
معجون خیار چنبر با اب رازیانه وعنب الثعلب میل نمایند

و روغن شبت بر شکم طلا یه کنند و بعد از ان هر بامداد ترنجبین
با شراب بنفشه میل کنند واگر بسبب دویدن و جستن التوای رود
واقع شود ویا روده بکیس خصیه نزول اورد و در این حالت
ریسمان بر پای مریض بندند و بالا کشند و حرکت دهند تا روده
بموضع خود رود و بعد از ان نبات سفید با اب رازیانه میل
واگر این تدبیر نافع نشد یک درم زیبق ناکشته فرو برند و بر سر
بکرند تا بطریق اسفل مند فع شود غذا زیرباج با روغن شتی
ایلاوس و ان نوعی از قولنج بود هان بسبب اختلاطی بود که امعا
علیا منعکس گردد تا قی کرده باشد که از دهن مستقبع نشود نعوذ
بالله و وجع شکم بسیار باشد و با ان غثی وضعف نبض و اضطراب
بود علاج اولا جوارش سفرجلی مسهل بدهند و شیاف
خیار چنبر استعمال کنند و روغن شبت و بابونه بر شکم
طلا یه کنند و اکلیل الملک و عنب الثعلب و غار و سعتر
و برگ بید انجیر با بابونج خشک شبت و خودنج بجوشانند
و در ان بنشینند و چیزی اصلا نخورند اگر طبیعت مدد

کرد

واگر

واگر

وس ایلاوس

کرد فیها المراد و این حقنه بکار دارند تخم کرفس تخم شبت بابونج
انیسون رازیانه حلبه بجوشانند مقل سکبینج جاوشیر علطعا
بوره ارمنی با شکر سرخ و روغن زیت و اب کامه اضافه کرده
واین شیاف نیز مفید باشد سکبینج تخم حنظل نمک بوره بام شیا
ساخته بکار دارند و شراب احمر عقیق گرم کرده اندک اندک
میل کنند و چون طبیعت مدد کرد و وجع ساکن شد غذا ودعا
بغوی کند در قولنج گفته شد عمل نمایند مقعص واو پیچش شکم
بود و او هرگاه اندیح باشد علامتان قراقر باشد و چون
ریح مند فع شود تخفیف حاصل گردد در علاج کوشند با شیره
با شیره رازیانه و انیسون میل کنند و اگر با ان اسهال باشد
صمغ عربی نشاسته بوداده کوفته چهار تخم بوداده بروغن
بادام چرب نموده با عرق بنفشه بجوشانند و میل کنند غذا
اش با بادام بوداده و روغن گل زنند و نهر کا و بر شکم
طلا یه کنند سبوس و گل سرخ و نمک گرم کرده بر شکم مکی
تکمید نمایند واگر مفید نیفتد رجوع به باب اسهال کنند

مقعص

واگر با مغص یبس طبع باشد تخم کرفس شبت رازیانه سعتر | واگر با مغص
نانخواه بادیان کوفته و بیخته هر روز نیم مثقال میل کنند و
با روغن بر شکم طلا کنند و هرگاه مغص از اخلاط مالحه و یا لزجه | و هرگاه مغص
باشد که در روده جمع آمده باشد علامت آن ثقل و عطش
و عدم اشتها باشد که جمع باشد علاج آن حقنه و مغز فلوس
و روغن بادام و آب عنب الثعلب و ریشه خطمی کنند غذا آب ماج
و بعد از تنقیه جوارش کند و میل کنند سنگ امعا و آوا از مطعوم | سنگ امعا
خام و ردی در روده جمع شود و شکم به پیچد و گاهی باشد
که خون نیز با آن دفع شود و این شبیه به مغص باشد علاج
اولا امتحان کنند چنانچه چهار تخم را برشته کرده با روغن
بادام و عرق بارتنگ بجوشانند و میل کنند اگر چهار تخم در
تقاضای اول و دوم دفع شود علاج عدم سده است و معالجه
معالجه بقوابض کنند چنانکه در باب اسهال گفته شود
واگر چهار تخم بعد از تقاضای چند دفع شود با از سده
دهد علاج آن ریشه خطمی عنب الثعلب خبازی بجوشانند

مغز فلوس

مغز فلوس ترنجبین روغن بادام اضافه نموده میل کنند و اگر
خون نیز با آن دفع شود صمغ عربی کوبیده با تخم ریحان
بجوشیده مذکور را اضافه کنند روغن گل زرد و زهره گاو
گرم کرده بر شکم بمالند غذا آش بادام و اگر بیکروز مسهل
سده دفع شد و زحیر و نشست فبها و الا دو روز یا سه
روز دیگر بدهند و بعد از مسهل هر بامداد سفوف طبی
رب به با شیره خرفه برداده میل کنند غذا آش با آب سماق
داغ کرده و اگر طبیعت بعد از این دواها بسته نگردد رجوع
دیدان | به باب اسهال کنند دیدان کرمهای طویل و عریض که در
روده حادث شود علامت آن درد ناف و پیچ شکم در هنگام
گرسنگی باشد و در خواب دندان بهم سایند و لعاب از دهان
بریزد علاج آن یکروز امساک کنند و وقت عصر پیاله شیر
با برنج بجوشانند و میل کنند و هنگام خواب درمنه قنبیل
برنج کابلی کوفته کف کنند و پیاله شربت دوشاب از سر آن
بنوشند و برگ شفتالوی تلخ کوفته بشکم ببندند و پنبه

در آب ترکرده بخود بردارند و بامداد معجون اسقف میل غذا اسفیدباج
واگر بعد از این بقیه باشد بعد از چند روز بدستور سابق
باز اعاده کنند و اگر در اطفال کرم حادث شود درمنه و
صبر سقوطری با آب برگ شفتالوی تلخ بر شکم طلا کنند
زحیر و آن پیچش بود در امعاء مستقیم که متصل بمقعد است
و با آن تقاضا اندک چیزی دفع شود و خون نیز گاهی آید
و با آن حرقت معده و لذع آن باشد علاج هر بامداد سفوف
طین و گل ارمنی با شیرهٔ خرفه بوداده میل کنند و شیاف
زحیر استعمال نمایند غذا آش با شیرهٔ بادام و کاورس
و خشخاش مجموع بوداده و اگر زحیر از یبوست براز باشد
کلان بود و مشکل بیرون آید علاج مغز فلوس با آب سپستان
و تخم خطمی میل کنند غذا آش بادام و اگر از سرما بود که
بمقعد رسد روغن گل و بابونه گرم کرده بمقعد کشند
و در بالای آجر گرم پخته بنشینند اسهال و آن هرگاه از غلبه
صفرا باشد علامتش تشنگی و التهاب و تلخی دهان و صفرت

بران و سوزش مقعد باشد و در شکم پیچش نباشد علاج
هر بامداد دبه قرص قابض گل ارمنی طباشیر سفید آرد
کتیرا مجموع با عرق بادرنگ میل کنند غذا آش با آب حب الرمان
و صندل و دامک و زیره و اقاقیا و گل ارمنی با آب برگ
مورد سرشته بر روی معده طلا کنند و آب داغ کرده
میل نمایند و اگر طبیعت بسته نشود سفوف حب الرمان
علاج دب دیواس صمغ طباشیر بوداده گل ارمنی دم الاخوین قرص
قابض بنفشه بزرقطونا بوداده مجموع با شیرهٔ خرفه بوداده
میل نمایند غذا چلاو با زردی تخم مرغ نیم برشته و کشنیز
بوداده کوفته بر سر تخم بپاشند و اگر از غلبه بلغم باشد
علامت آن قراقر و ثقل و سفیدی براز بود علاج هر بامداد
صمغ عربی بوداده کوفته تخم ریحان بوداده سفوف طین
دبه با عرق بادرنگ میل کنند غذا آش با برگ کشنیز
تازه و اگر مفید نباشد هر بامداد سفوف مقلیاثا با دب
به و یا سفوف لغباد با آب برگ بنفشه تازه میل کنند

و یا حب الرمان و با آب خالص بجوشانند و صاف کنند مرتبه
دیکر با آب خالص بجوشانند و میل کنند و اکر از نفلیه سوداوی باشد
علامتش خشکی دهان و کثرت تشنها و سواد بول و قراقر
و حرقت و لذع معده بود علاج اولا با مغز فلوس و ترنجبین
و روغن بادام و آب ریشه خطمی و عنب الثعلب حقنه کنند
و بعد از تنقیه هر بامداد صمغ عربی نشاسته بوداده کوفته بارتنگ
و تخم ریحان بوداده دانه به با عرق بن دشته میل کنند غذا آش با
زرشک داغ کرده اما اسهال دموی و او هرکاه از انفتاح رک
باشد علامت آن خروج دم با بلغم و کف بود و نشان بواسیر داد
نباشد هرکاه علامات افراطیه بود و مزاج و قوت مقتضی باشد
رک باسلیق کشایند و هر بامداد صمغ عربی بوداده کوفته تخم
ریحان نیکو با بارتنگ بوداده روغن کل سرخ قرص کهربا با سفوف
نشاسته مجموع با شیره خرفه بوداده میل کنند غذا آش با شیر
بادام و جاورس بوداده و اکر اینها مفید نیفتد هر بامداد
کل ارمنی دم الاخوین کهربا و شمعی قرص قابض صمغ عربی طباشیر

بوداده کوفته رب ریباس اوریکا راد و بلوط سفوف حب
الرمان مجموع با شیره خرفه بوداده میل کنند غذا برنج سوده با
واکر اسهال بسبب سحج باشد که در روده حادث شود
سحج آن است که از اخلاط حریفه حدت امعا خراشیده کردد
و از اسهال وافر نیز سحج حادث شود اعم از اسهال صفراوی
و بلغمی و سوداوی و دموی فی الجمله اسهال سحجی است
علامت عطش و وجع امعاء و پیچش شکم و خروج دم با ثفل
علاج هر بامداد بیخ انجبار پوست خشخاش تخم مورد بجی
و صاف کنند و خرفه بوداده درا و شیره کرفته و اسبرزه
و بارتنگ بوداده بروغن بادام چرب کرده و قرص قابض
و کل ارمنی دم الاخوین و کهربا و سفوف طین مجموع
اضافه کرده میل نمایند تا سه روز غذا کاورس و شعیر
بوداده شیره کشند برنج بوداده با برک کشنیز تازه اضافه
کرده پیه ولک بز بند ستانی بسته در آن آش انداخته
پیه را مکرر بیفشرند تا آش پخته شود بعد پیه را برآرند

از آن آش میل کنند واگر این دواها مفید نیفتد هر بامداد
صمغ عربی طباشیر کتیرا نشاسته مجموع بو داده کوفته بیخته
و جوز قطونا بو داده به روغن بادام چرب کرده ارد کنار
ارد بلوط ارد سنجد گل ارمنی دم الاخوین کهربا با سفوف
انجبار مجموع با آب برگ مورد شسته تازه بنوشند غذا بدستور
سابق و سبوس گل سرخ جاورس گرم کرده بر شکم تکمید نمایند
واگر متمادی شود هر بامداد سفوف خرنوب با آب برگ مورد شسته واگر
تازه بنوشند و حب الرشاد با آب خالص دو مرتبه بجوشانند
محل عصر میل کنند و چون طبیعت بسته شود تقویت بشراب
صندل و شراب انار دین و تخم ریحان و عرق بادمشک کنند
غذا طعام کم روغن با مرغ بچه واگر اسهال در روز بحران واگر
واقع شود قطع نکنند مگر بعد افراط رسد و ضعف عارض
شود در این هنگام ملاحظه کنند هر خلطی که غالب بود بعلاج
آن مشغول شوند چنانچه بتفصیل مذکور شد واگر سرما
بکشند و اسهال حادث شود علامت آن وجع کرد و پیچش

خفیفه

خفیفه باشد علاج صمغ عربی نشاسته بو داده کوفته چهار
تخم بر روغن بادام با عرق بادرنگ مجموع بجوشانند و میل کنند و سبوس
گل سرخ و فلفل بکر تکمید نمایند غذا آش با دام برنج و اگر
بعد از آن بقیه بماند تدارک بقرص طباشیر قابض و سفوف
طین و تخم به و سنبل با نشک بو داده و امثال اینها کنند
ذوسنطاریا یا اسهال کبدی و او هر گاه خون محض باشد علامت
انفجار دبیله کبد بود و صدیدی و عسالی یعنی همچو بجر
شسته لحم نیم کامی بود و انقطع دست و پاشیر بود و اسهال
حادث کرده و فی الجمله هر گاه نوعی اول باشد یعنی محض
خون در و پیچش و المی نباشد در این هنگام حبس مطلق
نکنند مگر بعد تا افراط برسد پس هر بامداد قرص کهربا و یا
قرص کافور و گل ارمنی و شراب سیب با شیره خرفه
بو داده و بیخ انجبار با طنا اسهالی که از قطع دست و پا شد
همین دواها مناسب بود غذا آش هریره و یا حب الرمان
اما در صدیدی بر آن با خون مخلوط بود و اندفع

ذوسنطاریا تغلیب خون دلالت کند
و هرگاه شبیه بزردی
باشد ح

قسم ۴

ان راحتی حاصل کرده و هنگام خلو معده اسهال اشتداد کنند

علاج باید که هر بامداد شراب سیب و یا به با عرق با رتنك میل

کنند و شراب صندل نیز نافع است نیز نافع است وحبی کلی نکنند

و در این معالجه سوء المزاج جگر چنانکه بیشتر گذشت عظیم

نافع است و علاج غالی نیز همچو نه در دماست در باب اسهال

معده و هر گاه از تری معده باشد علامت ان سوء هضم

و عدم قی بود و غذا در معده مکث نکند بلکه بعد از لحظه منفع

کرده علاج هر بامداد سفوف مقلیاثا با رب به میل کنند تا

هفت روز یانه روز غذا اش و طعام با ب سماق داغ کرده ویکت

و زیره و دارچینی و هر گاه از رطوبتی بود که در معده جمع اید علامت

ان غثیان و سیلان اب دهان بود علاج نخستین مقیات

دهند و بعد از ان قی جوارش کنند و میل کنند غذا نیز علاج بسبب

قرحه باشد که در معده حادث کرده علامت ان شولاد و هما

و حارت ان بوه و بعد از اکل و جعی در معده پدید اید

خصوص بعد از نحوضات علاج هر بامداد سفوف حب الرمان

قرص قابض

واکر

زلق امعا

باب

قرص قابض با عرق با رتنك میل کنند غذا اش سماق و اگر از

فضولات دماغ بود که بمعده بریزد علامات ان است که اسهال

بعد از خواب اشتداد کنند و علامات نزله هم او باشد

علاج تنقیه دماغ بحب ایارج و امثال ان کنند و دفع نزله

بشراب خشخاش و عناب نمایند و اگر از ضعف کبد بود علامت

ان صفرت رنك و دوی مساض و خفقت بر اذ بود علاج ان

تقویت کبد باشد چنانچه در باب ضعف جگر گفته شد

زلق امعا اسهال بوده هر گاه از رطوبت منزلقه باشد علامت

ان هزال بدن و صفرت لون و خروج رطوبت بود علاج هر بامداد

سفوف سقلیاثا سویق کناد را ملك با اب عود قماری میل

غذا اش سماق و اگر از سحج و قرحه باشد که در امعا حادث

شده باشد علامت ان وجع روده بود با بر از چرک مخلوط

اید علاج هر بامداد صمغ عربی بو داده کوفته تخم ریحان باد رشك

بو داده برغن چرب کرده قرص قابض مجموع با جلاب میل نمایند

غذا اش با دام بو داده با برنج بو داده والشافی هو الله باب

باب نهم در امراض کلیه و مثانه

باب نهم در امراض کلیه و مثانه از انجمله سوء المزاج کلیه است و او
هرگاه حار باشد علامت آن غلبه شهوت باه و سوزش موضع کرده
و سرعت نبض و حمرت قاروره بود علاج هر بامداد ترنجبین قرص
طباشیر نوم باشیره خرفه میل کنند غذا جواب صندل با گلاب
سائیده بر کلیه طلا کنند و اگر بارد بود علامت آن ضعف باه است
با بیاض بول علاج هر بامداد گلقند با شیره دانیانه میل کنند
غذا نخود آب با مرغ و دارچینی و روغن زنبق بکلیه طلا کنند
اورام کلیه و او هرگاه از غلبه صفرا و دم باشد علامت او تب
عطش و صداع سر بیخوابی و وجع کلیه باشد علاج هر بامداد
نبات سفید با آب عناب و عنب الثعلب میل کنند و رگ باسلیق
کشایند غذا کشکاب و صندل و شاف مامیثا و مغاث و آب عنب
الثعلب ضماد کنند و چون موضع کلیه را ثقل باشد و وجع شدید
کرده علامت نضج ورم بود حلبه و خطمی و اکلیل الملک و تخم
شبت و بنفشه و بنوله با آب گرم ضماد کنند و چون تب و وجع
ساکن شود گرد آسیا دقیق کرده و نیل کبوتر بضماد

اضافه

اضافه کنند و چون ورم منفجر شود و چرک با بول بیرون آید
هر بامداد شراب بنفشه با شیره تخم خیار و خربزه هندوانه
میل کنند و اگر از سودا و بلغم باشد علامت آن ثقل کلیه و
قلت طبع و تب و وجع بود علاج هر بامداد نبات با آب
بیخ کرفس و دانیانه میل کنند و بعد از تنقیه نضج تنقیه
بمعجون فلوس و بادنجبویه کنند و بعد از تنقیه مقل را
حل کرده و پیه بط و مغز ساق گاو با وسمه ضماد کنند
وجع کلیه و او هرگاه از سوء المزاج و ورم بود علاجش گفته شد
و اگر از ریح و حصاة بود معالجه او گفته خواهد شد و اگر از
ریح باشد علامت آن سکون وجع باشد در حالت خلو معده علاج
هر بامداد شیره انیسون و زیره و نانخواه میل کنند و روغن قسط
طلا نمایند اورام مثانه و او هرگاه صفرا و دم باشد علامت آن
تب محرقه و عطش و حرقت و وجع مثانه و انتفاخ زهار باشد
و گاهی حبس البول نیز عارض شود علاج هر بامداد شراب بنفشه
با آب بیخ هندبا و شیره سه تخم میل کنند و رگ باسلیق یا صافن

کشایند غذا کشکاب و شیره خشخاش و خبازی و خطمی و بنفشه
و پوست خشخاش بجوشانند و در آب آن نشینند و ثفلش را
ضماد کنند و چون دو سه روز نضج حاصل شود هر بامداد شراب
بنفشه با لعاب بنکو میل کنند و از سودا و بلغم ورم مثانه نادر
افتد و اگر باشد همچو ورم کلیه معالجه کنند وجع مثانه و آن
هرگاه از سوء المزاج حار بود علامت آن عطش و وجع زهار بود
تخم خیار بادرنگ و تخم خرفه میل کنند و روغن بنفشه بر عانه طلا
کنند و با احلیل بچکانند و اگر بارد بود هر بامداد نبات با آب
تخم مهلك و انیسون میل کنند غذا زیرباج و روغن زنبق طلا
کنند و به احلیل بچکانند و اگر از ریح بود علامت آن وجع زهار
بود با عدم ثقل علاج ماء الاصول تا سه روز با روغن بید
انجیر میل کنند و روغن نرجس طلا کنند قروح کلیه و مثانه
علامت آن تعفن بول و خروج دم و صدید باشد با او علاج
قرص کاکنج شراب بنفشه با عرق عنب الثعلب میل کنند غذا بنو
فعبد از تنقیه با این مطبوخ کنند بنفشه و عنب الثعلب و لبلاب

وجع مثانه
و اگر
و اگر
قروح کلیه و مثانه

و تخم خیار

و تخم خیار و مغز فلوس و بعد از تنقیه حب صنوبر تخم خیار تخم
کرفس نشاسته و سنبل بکوبند تا سه روز هر صبح کف کنند و
نشا فابیض با شیره دختران به احلیل بچکانند و از جماع و ماکول
حریف و مالحه احتراز نمایند و اگر متمادی شود عفنه مناسب
باشد و درستی و خوردن عشبه همچنان تخم چینی است نجنا
در صد و کتاب گفته شد لکن عشبه را بیست چهار روز
میخورند جرب کلیه و مثانه علامت آن رسوب نخالی بود در بول و کیفیت
آن در معرفت قاروره گذشت دیگر درد آن عضو و حکه و حرقت
بول باشد علاج اگر جرب در کلیه است دلك با سلیقون صافی
کشایند و شراب بنفشه بنفشه با لعاب بنکو و بهدانه
میل کنند بعد از تنقیه با این مطبوخ کنند تخم کاسنی و عنب
الثعلب حب کاکنج مغز فلوس تخم خیارین دو مغز بادام غذا
شوربای ماش و اگر در مثانه بود با لعاب بهدانه و روغن بادام
و شیر زنان حقنه قرحه مثانه و آن هرگاه از قرحه بود علامتش
گفته شد و اگر از حدت بول بود علامت آن عطش و ثبات

جرب کلیه و مثانه
قرحه مثانه

بول باشد وعلامات حرارت باشد علاج هر بامداد شراب
بنفشه با شیرهٔ سه تخم ولعاب بهدانه میل کنند ویک با سلیق کشایند
وبعد از ان اگر احتیاج افتد چند روز شراب بنفشه یا ابیخ
کاسنی تازه نشسته میل کنند غذا جواب با مغز بادام وشاف
ماميثا با روغن بنفشه وشیر زنان ولعاب خطمی با اکلیل بچکانند
حصاة ورمل اخلاط لزجه که از تاثیر حرارت در کلیه ومثانه منجمد
شود مانند سنگ ریزه وریگ علامتش هرگاه حصاة بود
وجع همان عضو باشد که اعم است از کلیه ومثانه وثقل وتمدد
ان عضو وسفیدی ورقت بول باشد بولا
اشتهاء عظیم بود وعلامت رمل ثقل وتمدد وصفای بول
بود وگاهی رمل با بول بیرون اید ورنگ حصاة ورمل هرگاه
سرخ بود یا از کلیه میرسد اگر سفید وزرد باشد از
مثانه مجملا علاج هر دو نوع هر بامداد بیخ کبر وتخم خیار دیرین
وخربزه وکاسنی انیسون ورازیانه بدستور شیره کشیده
میل کنند وبعد از تنقیه با این مطبوخ کنند بنفشه عناب

سپستان

سپستان به خبازی بیخ کبر خطمی خارخشک مغز فلوس ترنجبین غذا
زیرباج با کبک وروغن شبت بابونه بر ظهار طلا کنند و
روغن ترب به اکلیل بچکانند وکرفس وبرنجاسف وخطمی
وبنفشه وشبت وحنک واکلیل الملک وحلبه وپرسیاوشان
بجوشانند ودر ان بنشینند وریاضت معتدل نیز نافع است
وبعد از مسهل هر روز معجون حجر الیهود تا یک مثقال بدستور
سابق وروغن عقرب بموضع کلیه ومثانه طلا کنند [illegible]
مرغیست بصورت کنجشک خرد ودم را می دارد ودر نشستن
مگر در بیرون میبینند واورا قانیک وابو الفضل نیز میگویند وگوشت
او را ناپخته خام خوردن در این مرض عظیم نافع است واگر
حصاة ورمل بتنقیه الت بیفتد چنانچه باید بیرون نشود
در این حالت باید شکافت وبیرون اورد جمود دم مثانه اگر
خون در مثانه به بندد علامتش غشی وکرب وبرودت اطراف
بود علاج هر بامداد نهار سلیخات با سکنجبین عنصلی میل کنند
وجگر جاد را خشک کرده بکوبند ودو مثقال هر روز کف کنند

وابچوب گز به احلیل چکانند احتباس عسر البول واو هرگاه از
رمل وحصاة بود علاجش گفته شد وهرگاه از اخلاط لزجه باشد
که در مجاری بول جمع شده باشد علامت آن ثقل موضع وخروج
اخلاط خام بود با بول علاج هر بامداد نبات سفید با شیره
انیسون وتخم کاسنی میل کنند غذا زیرباج وروغن بابونه
بر ناهار طلا کنند واگر از غلبه صفرا بود ومجاری بول بر تنگی
علامت آن صفرت بول وحرقت آن بود علاج نبات سفید
بالعاب بنکو وروغن بنفشه میل کنند غذا شوربا ماش یا
اسفناج وروغن بادام وتریاک با آب بسایند وفتیله باد
آلوده نموده بمجرای بول بگذارند واگر مفید نیفتد شپش
بمجرای بول بگذارند ومهره گچ با آب سایند بر ناهار طلا کنند
واگر علامات غلبه حرارت باشد دلک صافی مفید افتد واگر
متمادی شود چند بامداد سکنجبین با آب یخ کاسنی تازه میل
کنند واگر حسر بول از احتقان او بود یعنی باراده خود نگهدارد
علاج آن بشره سه تخم کنند وخربزه شیرین نیز نافع است وا

بکند سلس البول واو خروج بول بود بی اراده علاج
جوارش کندر میل کنند واطریفل کبیر نیز نافع وشهدانه در
داخل کنند واز آب سرد اجتناب نمایند واگر کسی در فراش بول
کند هنگام خروس بسوزانند ودود آن از او بایک مثقال
نبات هر شب کف کنند وهنگام خواب آب نخورند وانقوا
اجتناب کنند دیابیطس آن از دولاب میگویند وعلامت آن
چنان باشد که دایما تشنه باشند وچون آب خورند بعد از
لحظه دفع شود وبول سفید ورقیق بود علاج هر بامداد
... با شیره خرفه میل کنند غذا از دوغ وعدس
وصندل با گلاب بموضع کلیه طلا کنند تقطیر البول واو
هرگاه از اخلاط حریفه بود که با بول مخلوط شود علامت
آن صفرت وحرقت بول بود علاج هر بامداد نبات با شیره
ولعاب بنکو میل کنند غذا کدو با مرغ بچه واگر از ضعف
ماسکه باشد بول لاحقت وضبط نشود هر صباح اطریفل کبیر
میل کنند واحیانا انجیر ومویز خورند بول دم واو هرگاه از

از انفتاح رگ ویا از ضربه وسقطه باشد نخست جراحت رگ کشایند
واگر احتیاج افتد اعاده کنند وهر بامداد بنکو بادشلک
تخم ریحان بوداده بی روغن بادام چرب کرده صمغ عربی بوداده
کوفته گل ارمنی قرص کهربا مجموع با شیره خرفه بوداده میل کنند
غذا سماق بریان شده واز شیرین وترش وسوداوی وحمام
احتراز کنند وهرگاه از اکل دواهای حریفه واز سموم
بول دم حادث شود علاجش همچون ما قبل بود واگر از کلیه
بود که در رگ حادث شود علامت آن تقطیر وتعفن بول
وشدت وجع در هنگام خروج آن بود علاجش همچون قرحه
کلیه است چنانکه گذشت باب شانزدهم در امراض اعضای تناسل از
انجمله اورام انثیین است واو هرگاه از غلبه حرارت بود علامت
آن تب وعطش وصفرت بول وحمرت لون وورم بود علاج
هر بامداد ترنجبین با آب عناب عنب الثعلب وحب کاکنج
وبیخ کاسنی میل کنند رگ باسلیق ویا صافن کشایند واگر
احتیاج افتد اعاده کنند وعدس وباقلا وآرد جو با آب کشنیز

باب شانزدهم در امراض اعضای تناسل

طلا

طلا کنند بیخ کاسنی عنب الثعلب حب کاکنج مغز فلوس تمر هندی
وعدس بی پوست خشخاش اکلیل الملک خبازی عنب الثعلب
تخم شبت آرد جو گل خطمی با سرکه وسفیده تخم مرغ ضماد کنند
واگر بعد از آن بقیه باشد وتب حرارت بالکلیه دفع نشده
باشد سکنجبین ساده با آب بیخ کاسنی تا نه میل کنند واگر
از غلبه بلغم باشد علامتش سستی وسفیدی ورم باشد
علاج گلقند با بادیان میل کنند وتنقیه بمطبوخ تربد کنند
وکندر ومکوه وباقلا با روغن زیت ضماد کنند واگر از
سودا باشد علامتش صلابت وکدورت ورم بود علاج
گلقند با آب بیخ بهلک وبادرنجبویه میل کنند وتنقیه
بمطبوخ افتیمون کنند وبابونه وشبت وابخوره با آب
کلم ضماد کنند عظم وصغر انثیین اگر خصیها از حد بزرگ
شوند نه بواسطه ورم ونفخ چنانکه پستان بزرگ شود
شوکران وبنگ بالبنج گل ارمنی خرد ساییده سرب وخورده سنگ
استره وخورده سنگ آسیا با سرکه وآب کشنیز ضماد کنند

واگر

واگر

عظم وصغر انثیین

واگر

واگر خصیه کوچک شود مکرر بحمام روند واز دهان
حادث طلا بکنند اورام قضیب واو هنگاه حار بود گل سرخ
گلنار عدس پوست انار با روغن گل ضماد کنند واگر احتیاج
افتد رگ صافن یا باسلیق گشایند واسهال ملین نیز مفید
بود واگر ورم بارد بود گل خطمی بابونه مغز استخوان
خرما با روغن بابونه ضماد کنند قروح قضیب واگر حاد بود
بود صبر مرداسنگ گلنار واقلیمیا نقره شادنج و سوخته
توتیا با آب خالص ضماد کنند واگر کهنه باشد پوست جوز
سرو کاغذ هر دو بسوزانند کندر و مر اضافه کرده بکوبند
و بر آن بپاشند واگر قروح متعفن شود وصنا گل گردد
قلقدیون نهند تا گوشت متعفن بر برد بعد از آن مرهم
باسلیقون کله قضیب وانثیین را نفخت با ابکرم بشویند
وبعد از آن سفیدی بیضه با روغن گل طلا بکنند واز
رگ باسلیق وصافن وتنقیه بمطبوخ فواکه نیز نافع
بود سلس مجرای قضیب واو هنگاه از تنوزات بود که در ثقبه

اورام قضیب

قروح قضیب

واگر

سلس مجرای قضیب

آلت حادث شده باشد علامتش حرقت وعسر بول بود علاج
رگ باسلیق وصافن گشایند وهر بامداد نبات با شیر خرفه
میل کنند وشیاف ابیض با روغن گل با جلیل بچکانند وهرگاه
از اخلاط غلیظه بود علامتش خروج اخلاط با بول وعسرش
بود علاج آن مسهلات باشد مانند سکنجبین بزوری وشیره
سه تخم وامثال آنها اعوجاج قضیب کج شدن آلت دایه مرغ بیه
بط کتیرا مغز ساق گاو واقلیج موم سفید روغن بنفشه بالقا
خطمی طلا بکنند واز ریاضت احتراز کنند نقصان باه واو هرگاه
از سستی آلت بود هر بامداد گلقند با دارچینی میل کنند وروغن
قسط با آلت طلا بکنند واز جماعات اجتناب نمایند واگر از قلت
منی بود علامتش نخافت وقلت منی باشد مغز بادام مقشر
وفستق نارجیل شکر نشاسته حلقوم بدستور حلوا
هر بامداد میل کنند واحیانا هریسه میل کنند واگر از ضعف
بدن باشد علامتش سیلان ونخافت بدن باشد علاج
تقویت بشراب گاوزبان وعرق گل ومی احمر کهنه کنند غذا

اعوجاج قضیب

نقصان باه

واگر

واگر

مرغ وکبک وپیاز وکزر دوا زجماع اجتناب کنند وهرگاه از تحلیل
مفرط بود که از کثرت صوم وریاضت حادث شده باشد
هر بامداد تودریه ونبات سفید با گلاب میل کنند غذا
زیرباج با کبک واگر از برودت الات منی علامتان برودت
منی بود ودر حین خروج علاج ان تسخین مرتا وکنند مرتا
فکل انکبین کهنه غذا زیرباج با دارچینی واگر از حرارت الات
منی بود علامتان سهولت انزال باشد هر بامداد شراب
لیمو با شیره خرفه میل کنند غذا غوره وحب الرمان ودوغ
گاو واگر از رطوبات بود که در الات منی حادث شود علامت
ان رقت منی بود گلانکبین با اب تخم کرفس وتخم شلغم میل کنند
غذا زیرباج با اهل وفلفل ومرغ واگر از ضعف قلب باشد علامت
ان لین نبض وضیق نفس بود هر بامداد شراب صندل ودوا
مفرح معتدل با گلاب میل کنند واگر از ضعف معده وضعف
جگر باشد علاجش همچنین است که در باب خود گفته شد واگر
از قلت نفع باشد علامتان کثرت منی وسلامت جمیع اعضا

وقلت

وقلت نفع باشد علاج ان بانکور وانجیر وپیاز وکزر وشلغم کنند
غذا کبک وکبوتر واگر نقصان باه از حرارت مزاج ادمی یا از یبوست
ان بود علامتان نحافت بدن وصفرت لون وقلت منی بود ودیر
بیرون اید علاج ان ترنجبین وشکر با شیر گاو میل کنند غذا
بزغاله واسفناج وکدو واگر سبب ترک جماع بود که مدتی
خودرا ازان باز داشته باشند علاج ان بشیر وشکر وماهی وشکر
وماهی ودردی نیم برشت وجوز وپیاز کنند ودوغن نارذین
بالت طلا کنند سرعت انزال واگر هرگاه از رطوبت وبرودت
بود که قوت ماسکه از ان وضعیف شده باشد علامتان رقت
وکثرت منی بود وبی اراده دفع شود هر بامداد گلقند ویا معجون
عطایی میل کنند که بغایت مجرب است صفتان مصطکی کندر
جفت بلوط شده دانج اجزا مساوی عسل دو برابر بیستون
معجون ساخته دو مثقال صبح ودو مثقال عصر میل کنند غذا
دو وقته کباب کبک ویا مرغ ودوغن زنبق به عانه وانثیین
طلا کنند واگر از حدت منی بود علامت ان لغوظ بود در هنگام

خروج هر بامداد سکنجبین ساده با شیره خرفه میل کنند
و شراب حماض نیز نافع است درد و حرقت و وزی مزی کثرت
خروج منی با احتلام و یا غیر ان و کثرت خروج مذی و ودی
هرگاه از بسیاری بود علامت ان عدم ضعف است هر چند
با فراط دفع شوند علاج نخستین رگ باسلیق کشایند و
هر بامداد شراب غوره میل کنند و روغن بنفشه با اب کشنیز
و اب خرفه بر کمرگاه طلا کنند غذا زرشک و غوره
از ضعف کلیه باشد علامت ان علامات ضعف کلیه است
چنانکه گفته شد علاج هر بامداد گل ارمنی با شراب سفرجل
میل کنند طلا اقاقیا گل ارمنی با گلاب بر کمر و عانه طلا
کنند غذا سماق و غوره افراط شهوت و او هرگاه از امتلا (افراط شهوت)
بدن و کثرت منی باشد رگ باسلیق کشایند و سکنجبین
ساده با شیره خرفه میل کنند و کاهو و خیار خوردن عظیم
نافع است غذا سکباج با عدس و کافور با گلاب بر کلیه طلا
کنند و قطعه سرب بموضع کلیه به بندند و اگر از کثرت (واکر)

نفخ

نفخ باشد علامت ان شدت نعوظ بود تخم سداب و تخم پنج انگشت
انیسون کوفته هر روز دو مثقال کف کنند غذا زیرباج و هرگاه
از سوداء بود که در مجاری منی حادث شده باشد علامت
او ان است که هر چند جماع کنند شهوت زیاده شود هر بامداد
شراب عناب میل کنند و بعد از ان تلیین بطبیخ هلیله کنند غذا
شوربا باشد عذیوط و او چنان باشد که در هنگام انزال بول (عذیوط)
کنند علاج گل ارمنی کنند و صمغ اقاقیا گلنار و تخم مورد و صندل
سفید با اب سیب قرص کرده هر روز یکمثقال با رب به میل
کنند و گل ارمنی و دامک و گلنار و اقاقیا با اب مورد ضماد
ساخته بکار دارند فتق و سبب او انشقاق غشا باشد و (فتق)
از انجا جسمی فرود اید و در عانه محتبس گردد و یا انکه به
کیس انثیین در اید و ان جسم ناف هرگاه امعا بود علامت
او ان است که بتدریج حادث شود و بان قراقر بود و باد
کشتن ان مشکل باشد علاج به پشت خوابند و دست بر او
نهند تا دوده بموضع خود رود و بعد از ان گلنار و مصطکی

سقوطری مانو کرمازج اقاقیا مصطکی حضض مکی ابهل اسارون جمع

آلو جو نسروانی دو تخم جمع باب مورد ضماد کنند وسه روز به

وبعد از آن عصابه محکم همه روزی بسته باشند وهر بامداد جوا

کنند ویا کوتی میل کنند و قلایا با توابل خورند و از الباه

و حموضات و بقولات و از جماع و دویدن و جستن احتراز نمایند

واگر از رطوبات مائی بود که بخصیه ریزد علامتش آن بود که

ثقل و براق بود و املس باشد و این اصلا مراجعت نکند علاج

هرگاه رطوبات بسیار بود بشکافند وبعد از خروج رطوبت

موضع شق را داغ کنند واگر کم باشد هر بامداد کلقند با شیره

دیا جوارش کندر میل کنند و سعد و مازو و پوست انار و

جفت و فلفل و نیوه و سرگین گاو با روغن زیت مکرر ضماد

نمایند و بوره و سرگین کبوتر با موم سفید و روغن زیت

نیز نافع است واگر بسبب ریح باشد علامت آن کثرت قراقر است

وچون دست بروی نهند دفع بانکرد علاج گل انگبین

با شیره رازیانه وانیسون وتخم کرفس بنوشند غذا کباب از نوع

ودارچینی

ودارچینی واحیانا اسیحو بنیسا میل کنند وبیخ اسف ومرزنجوش و

وفودنج وبیخ وتخم سداب باهم ضماد کنند ودر روغن زنبق وقسط ضماد

واگر بسبب مواد غلیظ باشد که بر کیس انثیین بریزد علاج او

همچو اورام صلب است که گفته خواهد شد ان شاء الله تعالی

باب هفدهم در امراض رحم انا بجمله اورام رحم است و او هرگاه از

حبس طمث و نفاس ویا از کثرت جماع وعسر ولادت ویا از آنکه

ضربه باشد علامتش آن حما و وجع در رحم وسرعت وتواتر نبض

وتلخی دهان و عطش و هذیان وسواد لسان وعسر بول و حبس

طبیعت باشد علاج شیره خیارین و خربزه ولعاب بهدانه و ترنجبین

با آب بیخ کاسنی وعنب الثعلب بنوشند و دلک با سلیق از هر

دو جانب کنند غذا بنوماش با شیره خشخاش واگر احتیاج

افتد شیر خشت وترنجبین وعناب وعنب الثعلب امثال اینها تلین

کنند و ارد جو باقلا وعدس وخطمی وبنفشه وکافور با آب

گشنیز بناف و عانه طلی کنند وبعد از سه روز یا پنج روز با

لعاب بهدانه و بهدانه و با روغن بنفشه و آب خرفه در رحم حقنه کنند

وبابونج وخطمی واکلیل الملک بجوشانند ودر آبان نشینند واگر
حرارت قوی باشد بقرص کافور ولعاب بنکو وامثال آن اطفا نمایند
واگر بدین تدابیر ماده بتحلیل برود بتدریج پرهیز بشکنند
وتقویت بشراب بنفشه وعناب نمایند واگر وجع وتب وعلامات
مذکوره بتدریج زاید گردد علامت جمع شدن ماده باشد در این
حالت منضجات ضماد کنند تا منفجر گردد مانند اکلیل الملک و
ایرسا وبزرک وخطمی وموم وامثال آنها وچون منفجر گردد
دمل بلعاب بزرک وعسل حقنه کنند وهر بامداد نبات با شیر
سه تخم میل کنند غذا اسفیدباجات واگر ورم از غلبه سودا بود
علامت آن صلابت عانه باشد وتب وعطش وحرارت چندان نباشد
علاج هر بامداد گلقند با ابرنج بهلک وگاوزبان وبالنگو بنوشند
وبعد از نضج تنقیه بمطبوخ افتیمون بکنند وپیه بط وپیه بز ومغز
ساق گاو بادهن یاسمین بعانه طلا بکنند سرطان رحم علامت آن
وجع ضربان وسیلان رطوبات عفنه باشد واین اکثر بعد از ورم
حادث شود علاج بابونه حلبه تمام برنج سلق بجوشانند ودر آب

ان

ان بنشینند وتلیین باین مطبوخ کنند بنفشه نیلوفر عناب سپستان
تخم خطمی گل سرخ سنای مکی تمر هندی فلوس واگر منقرح گردد رحم بشیاف
ابیض وافیون وشیر زنان حقنه کنند قروح رحم علامت آن
وجع وتب وتشنگی وخروج دم باشد از رحم علاج هر بامداد شراب
بنفشه بالعاب بنکو میل کنند وانچه جانب راست باسلیق بگشایند
وشب یمانی پوست انار وگل سرخ باب مورد سرشته بردارند
ولیکن آنچه از رحم متفرق شود اگر سیاه رنگ وبدبو باشد رحم را
باب گرسنه وعدس وحلبه وماء العسل حقنه کنند واگر سفید
وبی نتن باشد مرهم باسلیقون در روغن بنفشه حل کرده حقنه نمایند
واگر شبیه بشسته گوشت باشد جفت وگلنار وتخم مورد برنج وعدس
پوست انار باروغن گل حقنه نمایند وهر بامداد شراب سیب
باگلاب میل کنند غذا حب الرمان واگر وجع زاید ورم بغایت باشد
افیون وزعفران باشیر دختران ساییده در رحم چکانند ه
بواسیر رحم واز غلبه خلط سودا باشد ورطوبت همچون دردی
دم از رحم بیاید علاج اقلیمیا نقره مرداسنگ موم سفید با

بنمک مرهم ساخته بکار دارند و اگر مفید نیفتد از روی غذا
قطع کنند شقاق رحم علامتش آن است که بهنگام جماع حشفه — شقاق رحم
ملوث کند علاج آن شراب بنفشه مرهم مداوم میل کنند غذا آب ماش
و پیه بطو پیه مرغ مغز ساق گاو و موم نفت یا روغن بنفشه
ساخته بکار دارند حکه رحم و آن چنان باشد که زن از صحبت — حکه رحم
سیر نگردد علاج مرهم مداوم تمر هندی با آب آلو میل کنند و تنقیه
بطبیخ هلیله نمایند غذا غوره و دوغ گاو نفخ رحم و آن — نفخ رحم
از سوء المزاج بارد بود علامت آنکه در عانه و صلابت او و وجع
باشد علاج مرهم مداوم دکلیقند با آب انیسون میل کنند و جوارش
کمونی نافع است و نانخواه زیره و بوره با شیره بنیعاده طلا کنند
و تطلیل با آب اکلیل الملک و مرزنجوش و برنجاسف و سداب
عظیم نافع بود احتباس طمث بسته شدن حیض و او هرگاه از قلت — احتباس طمث
دم باشد علامت آن نحافت بدن و صفرت لون و تقدم ریاضت
باشد علاج تقویت بمفرحات و مربات و هریسه و امثال آن
کنند و اگر از غلظ باشد که باعث ضیق مجاری شده باشد هم

سکنجبین ساده میل کنند و از مره و جانب دلک صاف کشایند
غذا سکباج و مقل و جاو شیر و شوربا و تبخیر نمایند و در این قسم
ریاضت نافع بود و هرگاه از غلظ دم و اخلاط غلیظه باشد
علامت آن غلظ قاروره و ثقل نوم و بطوء نبض باشد علاج شرب
بنفشه با شیره خیارین خربزه هندوانه و کاسنی و لعاب بهدانه
با آب بیخ کاسنی و عنب الثعلب و حب کاکنج تا سه روز بنوشند
و از مره و جانب دلک صاف بغیا کشایند غذا آش و بعد
تنقیه باین مطبوخ تلیین کنند بادیان تخم کرفس بیخ کرفس
تخم کاسنی و بیخ کاسنی عنب الثعلب تخم کشوث خارخسک سعد
فودنج مشک طرا شیع دونا سر سیاوشان بوک سداب
کاکنج تخم خیار و خربزه و هندوانه تخمها را نیم کوفته مجموع جوشانند
و صاف نموده مغز فلوس ترنجبین روغن بادام اضافه کرده بنوشند
تا سه روز نخنا بدستور سابق و بعد از تنقیه سه روز
دیگر ایل یا عسل جوشانیده میل کنند و یا قرص مر با شیره تخم
خربزه و عنب الثعلب بنوشند و مکی و فودنج و مویز منقا

بانضمام گاوشیاف ساخته در ایام وصل بکار دارند و سم اسب
تبخیر نمایند و دهن مکوه نیز نافع است و فقلاح اذخر و سنبل
و قاقلی و قسط با سرکه بناف و عانه طلا کنند کثرت طمث و آن
هرگاه از غلبه دم باشد علامت آن امتلاء عروق باشد علاج
حبس کلی نشاید کرد مگر ضعف عارض شود و چون خواهند که
حبس کنند هر بامداد قرص کهربا گل ارمنی دم الاخوین و صمغ
با دوغ بو داده با شیر خرفه بو داده میل کنند دلک ساقین و یا
باسلیق گشایند و حجامت زیر پستان نیز نافع است غذا اش
و کنمانج و مخود سیاوشان و مازو و اقاقیا و کاغذ سوخته
با آب مورد سرشته با صوفه فرجه نمایند و اگر از رقت
و حدت دم باشد علامت آن صفرت لون و عطش بود علاج
این بدستور ما قبل بود از انفتاح و هرگاه و انشقاق رگی
باشد علامت آن سیلان دم یا اندک وجع بود علاج هر بامداد
گل ارمنی قرص کهربا با آب برگ انجبار و پوست خشخاش میل
کنند غذا سکباج و مازو و استخوان خرما و قرطاس و الک و

و شادنج

و شادنج و شاخ گاو کوهی و پوست بیضه مجموع سوخته گل ارمنی
اقاقیا دم الاخوین کهربا با دواهای مذکور کوفته با آب ورق
مورد و یا با آب ورق لسان الحمل ممزوج نموده بر خود بنشینند
بدارند و هر بامداد پنج مثقال برنج بریان کرده کوفته کف
پیاله آب سیب شیرین از سر آن بنوشند کثرت سبب پیوست بود
که قوت ماسکه آن ضعیف شده باشد علامت آن قلت
عطش و بیاض لون و تهبج اجفان بود علاج هر بامداد نبات
با آب بالنگو و بیخ مهک میل کنند و تلیین بحب ایارج تمام
غذا زیرباج با مرغ و اگر از غلبه سودا بود که فوهات عروق
بسبب آن گشاده گردد علامت آن غلظ سواد دم و عطش
لسان و نحافت بدن بود علاج هر بامداد شراب گاوزبان با آب
بالنک میل کنند و تنقیه بمطبوخ افتیمون کنند غذا زیرباج
و حالیات مذکوره را در این دو قسم اخیر استعمال کردن
بغایت نافع است سیلان طمث و آن گاهی از ضعف قوت
غاذیه رحم حادث گردد علامت آن ضعف بدن و صفرت لون

وسیلان رطوبت به نوبه باشد علاج مرد ونشراب سیب
یا صندل با اب ورد میل کنند غذا مرغ مشوی واکر از اجتماع
فضولات باشد نخستین تفحص کنند که کدام خلط غالب است
چنانچه اکر لون مستفرغ مایل سرخی بود علامت غلبه دم باشد
وحو کهربا با اب جفت بلوط بنوشند ورگ صافن کشایند واکر
احتیاج افتد اعادت کنند غذا سکباج واکر از غلبه صفرا بود لون زرد
بود کرایه بعد تنقیه بخبیس با اب انار میل کنند و تنقیه بمطبوخ
فواکه نمایند غذا سکباج و حالیا نیکه در افراط طمث ذکر رفت
در این دو قسم مفید باشد واکر از غلبه سودا بود علامت ان
سواد رطوبت هر بامداد نبات سفید با اب بالنکو و زبان
میل کنند و تنقیه بمطبوخ افتیمون نمایند و پوست انار رومی
وقشور کندر با اب مورد بجوشانند و طلا کنند عقر و عسر حمل
زمانی که ابستن نشوند اکر بسبب سوء المزاج حار بود که عارض
رحم کرده که نطفه را بسوزاند علامت ان صفرت لون و سواد و غلظ
دم طمث بود علاج هر بامداد سکنجبین قندی با شیره خرفه میل

کنند

کنند غذا زیرباج و بیه مرغ و بیه بط و بیه مرغابی و صمغ البطم
بدستور رحم فرزجه نمایند واکر از رطوبت رحم بود و در اکثر
اوقات علاج کلقند با شیره رازیانه و انیسون هر روز میل
کنند و در هفته دو نوبت قی کرده و تنقیه بایارج مطبوخ تربد
مفید بود و سعد و کندر بجوشانند رحم را حقنه کنند و ساذج
و زعفران و میعه یابسه با روغن ناردین فرزجه نموده بعد ان
ساعتی مباشرت نمایند و بول فیل خورده چند روز متوالی
عظیم نافع است واکر از یبوست بود که عارض جمیع بدن شود علامت
ان هزال بدن و خشکی فرج باشد هر بامداد شراب بنفشه با عرق
شاهتره و لعاب بهکو میل کنند غذا ماهی تازه و استحمام و تدهین
بروغن بنفشه بغایت نافع است واکر از انکماش فوهات
عروق رحم باشد که بسبب سردی عارض شده باشد و مانع وصول
منی و باعث انجماد او شود علاج هر بامداد کلقند با شیره نانخواه
میل کنند و بعد از نضج تنقیه بحب صبر و تربد کنند غذا زیرباج
با هیل و مرغ و بعد از تنقیه هر بامداد تریاق فاروق میل نمایند

دجند با روغن نبق بعانه طلا نمایند واین فرزجه بکار دارند
که بسیار مجرب است پیه مایه خرگوش ومشک وعود وسماق
کوفته با عسل سرشته با صوف سفته سه شب متوالی فرزجه
وبعد از ان ساعتی مباشرت کنند لکن بعد از طهر باید دانست منی
که مستعد نطفه باشد علامت آن بیاض ولزوجت وبراقی وی
بود بوی ان مانند یاسمین بود ومگس ها بروی نشینند وهرگاه
خواهند که امتحان کنند زن ابستن است یا نه یکدانه سیر را
از پوست باز کرده شب بر خویشتن بدارند وبامداد هرگاه بوی
سیر از دهان وی بیاید حامله نخواهد بود والا بتحقیق حامله
است **کثرت اسقاط جنین** وان هرگاه از عوارض خارجی باشد کثرت اسقاط جنین
مانند ضربه وسقطه از این امور احتراز نمایند وهرگاه از
داخلی بود وان بر چند قسم است از انجمله ریاح غلیظ است که در
رحم حادث شود علامت ان نفخ نفس وعانه وسوء هضم وقراقر
بود علاج هر بامداد گل انگبین وشکر با شیره رازیانه وانیسون
وتخم کرفس میل کنند غذا زیره باج وتدهین قبل بروغن

خیری

وهرگاه خیری وزنبق بغایت سودمند است **وهرگاه** بسبب رطوبت باعث
استرخای رحم شده باشد علامت ان سیلان رطوبت بود از رحم
وبیاض لون وتهبج اجفان علاج هر بامداد سکنجبین بزوری با عرق
رازیانه میل کنند وتنقیه بحب ایارج کنند وقی کردن نیز نافع است
واگر غذا مزعفر با دارچینی وبروغن زنبق وغالیه رحم را حقنه کنند
وگاه بسبب لاغری بود علاج از اغذیه مسمنه بود مانند هریسه
وعصیده وباچه وشکر واستحمام وتدهین بروغن بنفشه نافع
نافع است وگاه بسبب حبس طمث باشد علاج این نوع بعد از اکل
عسر ولادت مدرات بود چنانکه در حبس طمث گفته شد **عسر ولادت** وان هرگاه به
سبب فربهی یا ضیق مسالک یا ضعف قوت دافعه باشد علاج ان
نبات سفید با اب مشک طرامشیع میل کنند وپشت وشکم به
بط ومغز ساق گاو وروغن بنفشه تدهین نمایند وتعطیس
به بوریه وشونیز در هنگام عطسه دهان وبینی را بستن
عظیم نافع است وتبخیر بسم اسب واستر نیز سودمند است
واگر **وگاه** بسبب برودت هوا بود علاج از استحمام ودر اب گرم

است و اگر بسبب حرارت بود هوا اسفند لیس با گلاب و روغن بنفشه
بر پشت و شکم طلا نمایند و آب قشر فلوس خیار چنبر در همه اوقات
خوردن عظیم نافع است و اطبا چنین گفته اند که هر گاه سنگ مقناطیس
بدست چپ بگیرند یا بسته بر ران به بندند بالخاصیة طفل را دفع
کند احتباس مشیمه و جنین اگر مشیمه یا بچه مرده در شکم بماند نبات *احتباس مشیمه و جنین*
سفید با ابهل و ترمس و پر سیاوشان و مشک طرامشیع میل
کنند و عطسه کرده بنحوی که گفته شد مفید است و شیافات
ترمس و ابهل و زهره گاو بکار دارند و مر و قسط و شحم الحنظل با
زهره گاو بناف و عانه طلا کنند و تبخیر به روث کبوتر و پوست
مار نیز نافع است و اگر این دواها نیز نافع نیفتاد با دست بباید
کشید احتباس دم نفاس بسته شدن خون نفاس را هر بامداد نبات *احتباس دم نفاس*
سفید با آب پر سیاوشان و مشک طرامشیع و دارچینی میل کنند
و شیاف کند و حبس طمث مذکور شد بکار دارند اختناق رحم *اختناق رحم*
این علتی بود شبیه به صرع و غشی سببش آن است که چون منی
در اوعیه خود جمع شود و بکیفیت ردیه مستحیل شود و بخار

غلیظ از او متصاعد شود و چون به دل و دماغ رسد موجب صرع
و غشی گردد و این بدو نوبت علامتان صفرت و نبض صغیر و متفاوت
و ضعف و خفقان و اختلاط عقل بود علاج آن در هنگام غشی
بستن ساقهای پای و دلک قدمین و گرفتن منخرین باشد
و صیحه عظیمه در گوش او افکنند و آب سرد بر صورت بپاشند
آکنده بیویانند تا عطسه آید و فرج را با مشک و روغن یاسمین
بیالایند و هر بامداد گلقند با شیره بادیان و با انگبین میل کنند
و بعد از نفخ تلیین بحب ایارج کنند و بعد از تنقیه هر بامداد مثرود
یطوس میل نمایند غذا زیرباج و نخود و شبت و دمنه و بابونه
و بنفشه بجوشانند و در آن نشینند و اگر با این علت حبس
طمث نیز باشد علاج آن مدر طمث حیض بود و در کف صافی حنا
در جای خود گفته شد رجا علتی بود شبیه به حبل و آن از
احتباس طمث حادث شود علامتان سقوط اشتها و تغیر
لون و انتفاخ شکم بود و احساس حرکتی کنند در شکم بسبب انصباب
ماده و فرق میان این مرض و حبل آن است که بیش از وقت حرکت

چنین احساس حرکت کند وانتفاخ وصلابت شکم شبیه عستقیان باشد
وبالان وقراقر وسوء هضم نیز باشد علاج ان هرروز گلقند با شیر بز باید
وانیسون و تخم کرفس و تخم کشوث میل نمایند و ماء الاصول مدت
نمایند غذا زیرباج با توابل و روغن سداب بشکم طلا کنند درد
ادرار حیض نکو شوند باب در امراض مقعد از انجمله بواسیر است
وان سه قسم است ثولولی وانکوری وتوتی واین مجموع یا در خارج
باشند یا داخل واز انها خون روان شود وگاهی نیز باشد که
خون نیاید علاج اولا رگ باسلیق یا صافن کشایند واگر خون
از بواسیر نیاید مفتحات مانند مقل و زهره گاو و روغن
استه شفتالو بر وی طلا کنند واگر در طبیعت یبوستی باشد
حب مقل ملین مدد کنند واگر در طبع لینتی باشد وخون سیلان
کند کهربا بسد تخم کندنا هلیله سیاه گل ارمنی و مقل که در اب
کند تا خیسیده باشد وصدف سوخته مجموع حب کنند هر روز یک مثقال
میل نمایند احیانا اطریفل مقل تناول کنند غذا سماق و کبک و مرغ
واگر وجع بغایت باشد ضماد نمایند گل خطمی اکلیل الملک تخم شبت

بادوغن

با روغن گل و روغن بنفشه مرهم کرده بموضع نهند واگر خواهند
که خشک شود و بریزد خرده کرده جفت بلوط پوست انار کندر جوز
سرو را با انگوری یکشبانه روز بجوشانند پس در هاون بسایند
و بموضع نهند واگر این دواها مفید نیفتد قطع کنند و یا دوای
اکال بنهند مانند خلد قیمون و دیک بردیک و بعد از ان که قطع شد
بیه مرغ بیه بط مغز قلم گاو و کوهان اشتر مقل ازرق در اب
کند تا خیسانیده بهم و بموضع نهند اما مرخ بواسیر علامت ان
هضم و نفخ شکم و حبس طبیعت بود و چون چیزی خورند بعد از
ساعتی وجع و نفخ زیاد شود واگر قی کنند خفتی حاصل شود
واین بعد از بواسیر حادث شود علاج هر بامداد حب مقل
ملین شراب بسفایج با عرق رازیانه و عرق عنب الثعلب میل
کند تا سه روز فصد صافن یکروز در میان بگشایند بعد
از ان تنقیه باین نقوع کنند الوی بخارا الوی سیاه مشمش
انجیر مویز منقی عناب سپستان عنب الثعلب رازیانه
و بسفایج تخم کشوث تر هندی مجموع شب بخیسانند صبح صاف

وشیرخشت و ترنجبین پوست هلیله زرد و کابلی اضافه کرده
میل کنند غذا اش ماش با مرغ و روغن مصطکی بر شکم طلا نمایند
و بعد از آن تا مدت چهل روز از این معجون میل کنند اجزای
سیسالیوس مؤلفه مراین درابدان سودمند ای شهاب بیخ
بواسیر بادها انیسون سیسالیوس آودیه تخم بادیان
نانخواه اضافه کنید ذبوک سداب نعناع بیخ کراویا سعتر
عود بیخ ذکر بیخ قسط ابیح بیان هر اندرانیا نه داو اند از
دکرهشته بسته بیادای عرعر تخم کرفس هر از ملک نیز ذکر انبر
پس اضافه کنید بکوبید بپزند با عسل سه شید دو مثقال با
ان دو سودمند چهل روز وقت سحر کی خورند و احیانا
مربای هلیله میل کنند و گفته اند که هرگاه یک مثقال حلیه دبغ
بکوبند با سه مثقال نبات هر روز سفوف کنند عظیم نافع است
و هرگاه باین دواها بالکلیه قطع نشود در این مقام شبه
مناسب بود و اگر بیست چهار روز میخورند و در سقوط
خوردن مانند بیخ چینی است چنانکه مکرر گفته شده است

هرگاه

مؤلفه

هرگاه یک مثقال عرق کوکرد را بیلهن اب داخل کنند بغایت
نافع است و در این مدت از جمیع لبنیات و حموضات و نفخ
و از اغذیه و فواکه بارده نفاخه اجتناب نمایند سهفاسج
و ان چنان باشد که بواسیر داده دفع شود و ان هرگاه از
قطع بواسیر باشد دوا مفید نیفتد و هرگاه از سستی اعضا
بود که از برودت حادث شده باشد علاج آن هر بامداد
سفید با آب رازیانه میل کنند غذا زیرباج و روغن زنبق
و قسط طلا کنند و تخم ترب برگ ریحان و روغن نطول
و تنطیل نمایند و معالجه فالج نیز نافع است چنانکه قبل
از این گفته شد اورام مقعد هرگاه ورمی در نشیمنگاه بعد
بواسیر حادث گردد علامتش تب و وجع و حرقت موضع
بود هر بامداد نبات سفید با آب عناب و الو میل کنند
صاف کرده بنوشند و اگر احتیاج افتد اعاده کنند و افیون با سفیده
بیضه و روغن سائیده استعمال نمایند و اگر ورم منفجر
شود مرهم داخلیون بکار دارند ناصور مقعد و آن قروح عفنه

هرگاه

اورام مقعد

ناصور مقعد

بود که در داخل شرج حادث شود از آن صدید ترشح کند و اگر آن
قروح غیر نافذ بود با دست بفشارند تا بکلی پاک شود و بعد از آن
کلنار و صبر و شب و انزروت و اثمد و کندر و زنجار و دهن
سیاوشان با روغن بنفشه مرهم کرده استعمال کنند اگر نافذ
بود با آهن قطع کنند پس مرهم داخلیون بکار دارند شقاق مقعد
هر بامداد شراب بنفشه با لعاب بنکو میل کنند و مرهم شاف
استعمال نمایند غذا بنوماش با اسفناج و اگر با او وجع نیز باشد
سفیداب قلعی کافور با سفیده تخم مرغ مرهم کرده استعمال نمایند
و اگر سیلان دم نیز باشد حابسات دم بکار دارند چنانچه
در بواسیر گفته شد خروج مقعد با آب برگ مورد بشویند
و سفیداب قلعی کوفته بپاشند و برگ بادنجان جوشیده بر بالای
آن ببندند و تنطیل با آب جفت بلوط و جوز سرو و مازوی
کبود نیز نافع است و اگر اینها مفید نیفتد بخور با دو سک
مورده تبخیر نمایند و سکر کنند که مجرب است غذا اشوسماق
و از حمام احتراز کنند باب هجدهم درد پشت از جمله حدبه قعس

والتوست

مقعد شقاق

مقعد خروج

باب هجدهم

والتوست اگر یکی از فقرات پشت از موضع طبیعی بیرون آمده
بخارج میل کند آن را حدبه خوانند و اگر بداخل میل کنند تقعس
بیک طرف میل کنند از یمین و یسار التوا گویند و آن بسبب تورم
عضلهای قفا باشد علامت آن تب دایم و شدت وجع و عطش
ثقل پشت و صفرت بول و عظم نبض باشد علاج هر بامداد ترنجبین با
آب عنب الثعلب عناب میل کنند رگ باسلیق کشایند و اگر احتیاج
افتد اعاده کنند غذا کشک آب و بعد از آن تلیین کنند با مطبوخ
بنفشه نیلوفر اصل السوس تخم کاسنی سنا مغز فلوس ترنجبین ترید
سفید و چون وجع ساکن کرده مقل در آب گرم حل کرده بیضه
بیضه مرغ مغز ساق گاو اضافه نموده در پشت بمالند ریاح فرجه
و آن هیچ حدبه نبود لیکن بسبب ریاح غلیظه حادث شود
درد او تب و عطش نباشد و بعد از درد شدید حادث شود
هر بامداد گل انگبین با شیره بادیان و انیسون میل کنند و تنقیه
بمطبوخ سورنجان نمایند غذا زیرباج و بعد از تنقیه هر بامداد
ماء الاصول میل نمایند و تنطیل با آب شبت و بابونه و مرزنجوش

بغایت مفید بود واگر هر یک از حدبه وقعس والتوا به سبب
ضربه وسقطه حادث شود نخستین با دست بموضع اش نقل کنند
پس سلیخه و قسط ومقل و سنبل واکلیل ملک با خل خمیر سرشته ضماد
نمایند **وجع ظهر** وان هر گاه از غلبه بلغم باشد علامت بطوء نبض
وبیاض لون وقاروره باشد واز فواکه وحمام اشتداد یابد واز
ریاضت ساکن شود علاج هر بامداد کل انگبین با شیره انیسون
میل کنند وتنقیه بمطبوخ سورنجان وحب صبر نمایند غذا نخود آب
روغن خیری طلا یکنند واز جماع احتراز نمایند واگر از امتلاء
عروق پشت بود علامت انست حمرت لون وعطش وثقل پشت باشد
هر بامداد نبات با آب عنب الثعلب وعناب میل کنند ورک باسلیق
کشایند واگر احتیاج افتد تنقیه بمطبوخ فواکه کنند غذا نخود ماش
ومدام که باد ده نشینند واگر از تعب وکثرت جماع باشد از
انها احتراز کنند واستحمام وتدهین بروغن بنفشه نیک نافع
است واگر از امراض کلیه باشد علاجش همچون علاج کلیه است
چنانکه گفته شد **باب نوزدهم** در امراض مقعد ومفاصل وعرق

وجع ظهر

باب نوزدهم

النساء

النساء وامثال ان اذا ابحمل **داء الفیل** علامت ان بزرک شدن ساق
وقدم است وهیئت ورنک ان متغیر کردد علاج هر هفته دو نوبت
آب بیخ کهل وتخم ترب وتخم شبت ونمک هندی وسکنجبین عنصلی
وکنکر بندق ورک باسلیق کشایند ودر این ما بین تنقیه بحب
افتیمون وایارج کنند وبعد از تنقیه رک مابض کشایند آن
رکیست در کو زانو وخاکستر کرنب وجو بوده با آب ... طلا یکنند
وعصابه محکم بندند واحیانا اطریفل صغیر میل کنند واز مشی
کثیر واز تحتی با احتراز کنند **دوالی** واین علتیست که رکهای ساق
وقدم فراخ وسطبر وغلیظ در هم پیچیده کردد واین اکثر جماله
عارض کردد هر بامداد نبات سفید با آب بیخ کهل وکاوزبان
میل کنند ورک باسلیق کشایند وبعد از نضج تنقیه بمطبوخ
افتیمون کنند غذا نخود ماش واز اغذیه غلیظه اجتناب کنند
وان رکها را با دست مالند وبرشته محکم بندند وچند
نعل پا را از ریاضت دور دارند **عرق النساء** وان دردی بود که از
جانب وحشی فخذ از حق ورک تا بانکشتان پا عارض شود

داء الفیل

دوالی

عرق النساء

عسر البراء باشد علاج هر بامداد کلقند آفتابی با شیره بادیان و بنفشه
و تخم کرفس میل کنند و قی کردن بمطبوخ بیخ مهلک نیز نافع است و بعد
از نضج شقیه بمطبوخ سورنجان و یا حب اصبو کنند و تخم سپندان
و اکلیل الملک و ورق قاده و مرزنجوش و بابونه کوفته مقل در آب
حل کرده و آن را بدان سرشته طلا کنند و تنطیل با آب بیخ کرفس
و شبت و اکلیل الملک و حاشا و سعتر و قنطوریون نیز نافع است
در این مرض مکرر قی و حقنه و شقیه بمسهل نیز میکرده باشند
و روغن قسط و زیت و خیری گرم کرده طلا نمایند و اگر اینها
مفید نیفتد بیخ چینی خورند و کیفیت خوردن آن در صدر
کتاب در علاج صداع بارد گفته شده است و از لبنیات و حموضات
و بقولات و امثال آنها اجتناب کنند و اگر بطول انجامد بر ساق
پای داغ نهند **اوجاع مفاصل نقرس** وجع مفاصل آن است که یکی از
مفصلهای تمامی از بند پا و زانو و بند دست و مرفق و کتف
و بند انگشتان درد کنند و گاهی باشد که ورم نیز کنند و نقرس
وجعیست که در کعب و انگشتان پای حادث شود مجملا اگر وجع

اوجاع مفاصل نقرس

مفاصل

مفاصل و نقرس از غلیان دم باشد علامتش عطش و حرارت و
و مفاصل و مجلس گرم باشد علاج شراب بنفشه با شیره خرفه و
و کاسنی و لعاب بنکو سه روز میل کنند فصد رگ صافن یک دو
کشایند و اگر احتیاج افتد بعد از چهار دم یا پنجم رگ اکحل کشایند
و اگر یکی از مفاصل درد کند رگ از جانب مخالف زنند و صندل
و پوست خشخاش با سرکه و لعاب بنکو و آب کشنیز طلا کنند و اگر
وجع بغایت بود بیخ لفاح و بیخ اسفند و تریاک و زعفران با شیره تخم
خشخاش سیاه ساییده طلا نمایند غذا شوربا شیره جو و بعد
از نضج شقیه با این مطبوخ کنند بیخ کاسنی عنب الثعلب مغز خیار
چنبر تمر هندی پوست هلیله زرد و کابلی و اگر احتیاج افتد نزدیک
بمفاصل حجامت نیز کنند و این طلا نیز نافع است کافور با روغن
کدو منفعج نموده بمالند و پر نقطونا با سرکه سرشته از بالای
آن ضماد کنند و یا بیخ حلیمو با آب مالص ساییده طلا کنند و
تنطیل با آب بیخ مهلک نیز نافع است و اگر بعد از این تدبیر بقیه
ماند پوست بیخ کاسنی تازه نشسته با شبانگاه در عرق شاهتره

بخیسانند و بامداد صاف کرده شراب بنفشه یا سکنجبین ساده اضافه
نموده سه دو نیا پنج یا هفت یا یازده یا پانزده یا بیست یکروز بحسب
ضعف و قوت ماده غذا اسفید باجات با خروس و امثال آن میل کنند
و بعد از انحطاط وجع این ضماد بکار دارند با قلا عدس پوست خشخاش
اکلیل الملک خبازی سبوس جو بابونه خطمی بنفشه نیلوفر آرد جو برنج
نی صندل سفید با سرکه و سفیده تخم مرغ سرشته استعمال کنند
و اگر ماده صفرا باشد علامتش شدت وجع و عطش و سرعت نبض
صفرت قاروره بود علاج هر بامداد نبات سفید با آب بنفشه و
عناب و پنج کاسنی میل کنند و قی کرده نیز مفید باشد غذا آش تمر
هندی و بعد از نضج تنقیه بطبیخ فواکه کنند و ضمادات بارده مثل آرد
جو و سفیده تخم مرغ و روغن گل و خطمی و عدس و بنفشه و پوست
خشخاش استعمال نمایند و اگر وجع اشتداد نکند بنکو با سرکه
و آب کدو و بستان افروز طلا کنند عرض تا احتیاج عظیم نیفتد
استعمال نکنند و در آن مبالغه نمایند چون وجع ساکن شود
در آن ملس باقی باشد آرد جو باقلا و خطمی و بنفشه و اکلیل الملک

وصندل ضماد نمایند اگر ماده بلغمی بود علامتش بیاض لون و غلظ
و بیاض قاروره و قلت وجع بود و مسخنات تسکین یابد علاج
آن هر بامداد جلاب از دارنیا پنج بیخ بهمن و انیسون و کلنکبین تناول
کنند و غذا نخود آب با شیره حنک دانه و فلفل و زنجبیل و زعفران
خورند و بعد از نضج تام تلیین طبیعت بحب سورنجان یا حب
شیطرج یا بدین حب نمایند و بایکه دار بتر اجبهای قوی ندهند
که ماده رقیق دفع و غلیظ باقی ماند بلکه بتدریج تنقیه کنند و از
فواکه و آب سرد و جماع و امتلاء شب احتراز نمایند و ندا وند
و حب القار و جنسطیانا هر یک ده درهم و اشق و صبر و شحم هر یک
پنج درهم بکوبند و ضماد سازند بیرون هر یک مقل تخم شبت هر یک
پنج درهم و سلیخه و مغاثا و مغز حنظل و اذخر هر یک ده درمی و زنجبیل
و زعفران هر یک سه درهم بروغن سوسن بسرشتند نطول شبت و
بابونه سنبل یا بوشر حاشا سعتر فودنج قیصوم بجوشانند
و در آن نشینند و مثرودیطوس و تریاق کبیر تناول کنند و تنقیه
بروغنهای گرم نمایند و اگر ماده سوداوی باشد علامتش ثقل

وکودت وتقشف جلد وقلت وجع وصلابت وبطوء نبض بود علاج آن
هر روز نیم جلاب از نیم جهل وکاوزبان وبا لنکو وباذرنبویه ونبات تناول
کنند غذا نخود آب با شیره هلیله وانجو کنند وبعد از نضج حب بنفشه و
یا حب شیطرج تنقیه کنند واکر ماده این مرض مرکب باشد علامات
کاذ اشیاء بارده فقط وانجاه فقط متاذی شوند وبعضی علامات
ماده حاره وبعضی علامات بارده باشد وعلاج ان بحسب ماده مرکب باشد
تعقد مفاصل وکاه مفاصل سلب وبسته شود چنانچه حرکت نتوانند کرد
هر روز نیم جلاب از نیم جهل ودانه بادنه وکاوزبان ونبات تناول نمایند غذا
نخود آب وشیره حنک دانند وبعد از نضج مطبوخ حبها وحب های منکوره تنقیه
کنند وموضع را بروغن کنجد یا یاسمین وپیه مرغ وبط ومغز ساق کاو
ولعاب حلبه وبزرک وخطمی مالند یا کنجد با آب مرزنجوش سحق کنند
وطلا سازند یا بزرک حلبه کنجد بکوبند بروغن سوسن یا نفط بسرشند
وضماد سازند وبعضی از ادهان مشات حاره تناول کنند وکویند
اکر در باهی ریا کشتا دوغن ند در روغن زیت بجوشانند وبعد از آن نشینند
مفید باشد واستعمال نطولات وضمادات از شبت ودانه بادنه ... تحلیل

الملک وحاشا وتمام ورق قاوربز بنفسج وشاهترم نافع باشد
واز تناول آب سرد واشیاء بارده اجتناب نمایند از حموضات و
لبنیات وفواکه وانجاع نیز احتراز نمایند باب در حمیات ان انجمله
حمای یوم است وان تبی باشد که اولا کرم کردد پس از قلب وشرایین
باعضا منتشر کردد واین یکروز یا سه روز یا هفت روز باشد
وزیاده بر ان نباشد وسبب ان مکاه از تابش آفتاب علامت تب
والتهاب وعطش باشد هر روز سکنجبین ساده با عرق بید
ویا ترنجبین با آب تمر هندی میل کنند غذا کشک آب وبعد از آن ماهی
سرد نشینند وبعد از ان الرقیب استحمام وتدهین بروغن کدو کنند
واکر از بیداری با فراط باشد علامت صفرت لون وخفقان وصغر
نبض وکسعدت قارورة باشد هر روز شراب بنفشه با عرق بید
میل کنند وروغن بنفشه بر سر اعضا طلا نمایند وریحان ببویند
غذا جواب باکره واکر از غضب وغم مفرط باشد علامات ان حمرت
چشم وغور او وصفرت وجه ورعشه ونابیت قارورة بود علاج
ان با آب لیمو ویا صندل ویا آب غوره میل کنند وبنفشه وریحان

ونفاخه واستعمال
ادع

باب در حمیات

ببویند غذا آش حب الرمان واگر این تب از اکل ادویه حارّه وشراب
صرف حادث شود علامتش حمرت چشم وتندی قاروره وسرعت نبض
باشد علاجش سکنجبین ساده با خرفه میل کنند وتلیین بشقوع فواکه
کنند واگر از تعب باشد علامتش رقّت بول وخشکی جلد وصغر نبض
بود وتطلیب شراب بنفشه ولعاب بنکو کنند استحمام وتدهین نیز
نافع است وتب خفض که بعد از نفث عارض میشود ونیز از جمله حمیات
یوم باشد علاجش تقویت بمفرح یاقوتی وامثال آن کنند وهرگاه
تقلیل طعام ولذت ملاقات کرده وفساد در آب سرد ومغوطه خورده
چاهیدن تب عارض شود علامتش حمرت بول وسرعت نبض وعطش
باشد وهوا اندکی را هوای استحصافیه گویند علاجش ترنجبین با آب
عناب وتخم کاسنی میل کنند غذا جواب واگر احتیاج افتد تلیین بشقوع
فواکه کنند وعرق کرده نیز بغایت سودمند است وهرگاه بعد از تعرق
حارق باشد رگ باسلیق کشایند واگر از حمام گرم باشد واز فرط
مکث در او تب عارض شود سکنجبین با شیره خرفه وآب تمر هندی
میل کنند غذا کشک آب واگر از تخمه باشد علاجش از امتلا گویند

علاجش از قی وتنقیه بشقوع فواکه کنند ودر وقت امساک
بمعالجه نمایند ودرین مقام احتیاط ضرور است که مبادا از تعدی
وجی بهوای فصد نمایند که سبب هلاکت میشود واگر از افراط نوم
علامتش اختلاف امتلا وبطوء نبض بود وقاروره غلیظ باشد
نبات سفید با آب بیخ جهلک وتخم کاسنی میل کنند غذا بنوماش
واستحمام نیز نافع است ذکر از زکام ونزله باشد شراب عناب
یا شراب خشخاش با آب بنفشه میل کنند غذا کشک آب واگر
غلبه خون باشد رگ قیفال کشایند واگر احتیاج افتد تلیین
بشقوع فواکه کنند والشافی هو الله حمی دق بدانکه حمی دق سه مرتبه
باشد زیرا که حرارت غریبه متعلق شود برطوبات که در عروق
صغار است از مرتبه اولی گویند واگر این رطوبات را فانی کند
ومتشبث برطوبات شود که در اعضا بمنزله طلّ مرتبه ثانیه
گویند واین رطوبات را نیز فانی کند ومتعلق برطوبات شود که
اعضا بدان است مرتبه ثالثه باشد واین تب چون از ابتدا
علاجش پذیر نشد علامتش ... صلابت وضعف ودقت

نبض باشد و بعد از اکل نبض قوی گردد و تب همواره دائمی باشد و بعد
از اکل زاید شود و بتدریج ایام لاغر شوند و چون از ابتدا بگذرد
علامت جفاف جلد شکم و جلد گردن و بیحرکت بدن و لاغر شدن گردد
و دهنیت بول و غور چشمان بود و کم شدن دندان و کوچک گردد
و صدا باریک شود و این مجموع علامت مرکبست و این تب اکثر بعد
از حمیات طویل الزمان و از اسهال با فراط علاج آن در ابتدا که
غیر علامت مذکور ظاهر نشده باشد بدین دستور است که هر بامداد
قرص کافور در سکنجبین ساده با شیره خرفه و لعاب بهدانه و عرق شاهتره
میل کنند و نبات با آب هندوانه نیز نافع است و هنگام عصر مفرح
بارد با عرق مذکور میل نمایند غذا جواب با اسفناج و کدو و طعام
با روغن بادام ماهی کوچک و آش خرچنگ میل کنند و کاهو و مغز خیار و
و هلو و انگور و خربزه ابیاری و آلوی بخارا میتوانند میل کرد و همیشه
در مکانهای بارد که شمالی و فرحناک و مشرف باب روان باشد
بنشینند و بنفشه و برگ بید و برگ کدو بر تخت اطراف او بریزند
و کافور و گل سرخ ببویند و مکرر بسینه زارها و امکنه مروحه

و مفرحه

و مفرحه میرفته باشند لیکن خود را از گرمای گرم و از سرمای سرد و از
افراط جوع و عطش و خوف و غضب نگه دارند و بصحبت یاران
خوش مشرب و مغنیان فصیح و ارباب طرب و لهو لعب مشغول شوند
و روغن بنفشه و روغن کدو مکرر در بدن بمالند و حمام معتدل
بغایت نافع و خواب معتدل نیز مفید است و در حمام مدتی آب با
برگ بید و کدو و بنفشه و نیلوفر بشویند و چون چند روزی
باین دستور عمل آید بعد از آن هر روز پنج پوست بیخ کاسنی
تا نه نشسته را در عرق شاهتره و بید شب انگاه بخیسانند و بامداد
صاف نمایند و قرص کافور با سکنجبین بزوری اضافه کرده میل نمایند
هفت روز یا پانزده روز یا بیست یک روز بحسب ضعف
و قوت مرض و شیر زنان و شیر خر تازه دوشیده نیز نافع است
و صندلین و اقاقیا و گل ارمنی و شاف مامیثا و کافور با گلاب
سائیده بر جگر طلا کنند و از اکل مجففات و اشیای حار
و از جماع احتراز نمایند و مرق لحم مسمن نیز نافع است صفت آن
کبوتر و کبک مرغ جوان کنجشک بجمعها ذبح و پاک کنند با سه دل

۲ عدد نه قطعه ۲۰ عدد

وجگر بکوبند وگوشت بچه مرغ را یکسان انداز غلیظ نیم پخت کنند ودر دق
دقق نمایند وبهشتین وسیب شیرین وامرود هر یک از پوست پاک
کرده قطعه قطعه نموده نعناع تازه وبرگ کاسنی با اثمار ولحوم مذکور
درقع طبقه طبقه بچینند چنانکه یکطبقه از فواکه وبقول ودیگر طبقه
از لحوم بعده صندل سفید را با گلاب ساییده بر سران بریزند وبا انبیق
عرق بکشند ودر ظرف شیشه گذاشته در مکان بارد بگذارند وهر روز
بیست درهم میل کنند **هرگاه حمی دقی** از فرط اسهال حادث شود علاج
حبس طبیعت باشد برب وسفوفات واقراص قابضه مانند رب
ریباس ورب به وسفوف حب الرمان وامثال انها واگر از سهر وفرط
بود علاج از استحمام وتدهین باشد وهر بامداد شراب خشخاش
با لعاب بنکو وعرق بید میل کنند **دق شیخوخت** واین یبوستی بود که
غالب بر مزاج شود واکثر پیران را حادث شود ومجلس بدن سرد باشد
وتب وتشنگی والتهاب نباشد واین اگر از تدبیر بسیار حادث شود
علاج هر بامداد شراب گاوزبان یا شراب سیب با آب انار شیرین میل
کنند غذا برنج ... وبره ومرغ وبط وفرنده ... نیم برشته میل کنند
هرگاه حمی دق
دق شیخوخت

نهریه

نهریه وتیر وسکنجبین نافع است واستحمام وتدهین بروغن بنفشه وبادام
واستشمام طیوب مانند لادن وسوسن وامثال انها بغایت سودمند است
اما حمیات عفنیه واول آن است که اول اخلاط گرم گردد پس بقلب ودروح رسد
بعد از ان اعضا گرم شود واین تب که بخلط عارض میشود خالی از دو حال
نیست یا خلط از تأثیر ان متعفن شود یا نه اگر متعفن نشود **سونوخس**
بود واگر متعفن بود واین نیز خالی از دو حال نیست چنانچه خلط یا داخل
عروق است یا خارج مانند کبد وطحال وامثال انها اگر داخل عروق
است انواع حمیات لازمه تولد کند وان چهار است نوع اگر خون
متعفن میشود مطبقه میگویند واگر صفرا محرقه واگر سودا ربع لازمه
واگر بلغم لثقه واگر خارج عروق باشد مثل معده وکبد وطحال ودیگر
وحمیات دایره تولد کند ونوع اگر چون ماده در خارج عروق متعفن
شود بسبب حرارت تب بتحلیل برود وتب زایل گردد تا انگاه که
ماده باز جمع شود وان ماده اگر صفرا بود غب خالص گویند واگر
بلغم بود بلغم نائبه گویند واگر سودا بود ربع وتعفن دم در خارج
عروق در او دام بود وان تب عرضی باشد این حمیات مفرده باشد
عفنیه
لا حمیات
سونوخس

اما حمیات مرکبه ترکیب ان یا از اجناس متباعد بود همچون ترکیب
حمی صفراوی وحمی بلغمی یا ترکیب ان از انواع جنس واحد بود همچون ترکیب
غب لازمه با غب دایره یا ترکیب ان از اصناف نوع واحد بود
همچون دو ربع وغب وبیان هر یک گفته شود انشاء الله تعالی بدانکه
عفونت بسبب غذای ردی الجوهر باشد مثل قدید یا غذای که مستعد
بدی صالح نشود مثل ماست وخیار یا غذای انچه حاصل شود مستعد قبول
عفونت بود مثل فواکه یا عفونت به سبب کثرت ولزوجت خلطها بود
شود حمی مطبقه تبی باشد که از تعفن وتغیر دم در عروق حادث شود
وان سه صنف است اول متزایده یعنی هر چند که باشد زاید شود
بسبب انکه مقدار دم در طوبت او بسیار بود وعفونت زاید از تحلیل باشد
واین صفت بدترین اصناف بود ودوم متناقصه واو آن است
که هر چند که اید نقصان پذیرد به سبب انکه تحلیل از تعفن زاید
بود سیم واقفه واو بیک حال بود نه زاید شود ونه کم بسبب تساوی
متعفن ومتحلل باشد که این تب محرقه وبرسام منتقل شود واگر
در این تب بثورات سیاه وسبز برون ظاهر گردد دلیل بد باشد وعلامات

حمی مطبقه

حمی مطبقه حمرت وحمره عین وانتفاخ عروق وضیق النفس وحرارت
وغلظ قاروره وعظم وسرعت نبض وامتلاء بود وبا این تب تفریق
نباشد واستداد بطریق غب بکند علاج ان در روز اول تا سیم
فصد اکحل یا باسلیق کنند واخراج دم بحسب قوت واحتیاج واگر
چه بدفعات بود وحجامت وتهیف نیز شاید وهر روز جلاب
از عناب ونیلوفر وتخم کاسنی ونبات یا تمر هندی وترنجبین ونبات
تناول کنند غذا کشکاب ومزاب خورند ومیان روز شربت
از عرق بید ونبات وگل وبنفشه تشرب کنند واگر سرفه نباشد شراب
غوره وریباس ولیمو مفید وطبیعت را محتبس کرانند بنقوع
فواکه وترنجبین تلیین کنند وهر روز دهان وزبان تر کنند وکاهو
بشویند ولعاب بنکو وبهدانه در زبان بمالند ودر پنجم یا هشتم
اسهال الطبیعت کنند باین مطبوخ سنای مکی بنفشه نیلوفر تخم
کاسنی ورق گل از هر یک پنج درهم عناب سپستان الوی سیاه
آلو کیل شیرخشت وترنجبین بدهند وجشیاف خیار در دکنند واگر
احتیاج افتد این حقنه استعمال کنند بنفشه هر یک سه درهم

سپستان جهنکوشه کشی و تقی چقندر دسته شکر سرخ و روغن بنفشه
هریک ده درهم آبکامه و اگر بوان تب سرفه باشد جلاب از بنفشه
و نیلوفر و عناب و سپستان و نبات تناول کنند و تلیین بطبیعت
به بنفشه مربی و ترنجبین و خیارچنبر هریک ده مثقال بکنند

سونوخس

سونوخس از کثرت و غلیان خون حادث شود و علامات این همان
علامات بود و لحاظ این دوم اقوی باشد وان مطبقه اضعف و علاج
فصد و تبرید فقط بود اقتصار بزورات بوحامضه و اگر احتیاج
بتلیین باشد نقوع فواکه و ترنجبین حمی محرقه تبی صفراوی بود که

حمی محرقه

ماده ان درون عروق متعفن شده باشد و این تب لازم باشد و [illegible]
عنب نیز اشتداد کند علامت ان تشنگی و اضطراب و بیخوابی
و خشونتی و صفرت زبان و صداع و هذیان و فرو رفتن چشم
و نبض سریع متواتر و قاروره ناری بود علاج [illegible] ان
تخم کاسنی و بنفشه و نیلوفر و آلوی سیاه و ترنجبین و نبات [illegible]
کنند و غذا جو با نیم مشخاش خورند و اگر سرفه نباشد [illegible]
[illegible] سکنجبین شراب حماض و لیمو تناول کنند و اگر سرفه با

شراب بنفشه و خشخاش و تلیین طبیعت بمطبوخ فواکه و نقوع آن کنند
و اگر ان مطبوخ تنقیه باشد شراب ورد مکرر ده درهم با سکنجبین ساده
ده درهم تناول با آب برف و اگر سرفه باشد سنای مکی و بنفشه و تخم
کاسنی نیلوفر و تخم خبازی هریک سه درهم و عناب و سپستان شیرخشت
و ترنجبین هریک پانزده درهم و مشمومات بارده استعمال کنند و
بیخوابی بود وقت خواب شراب خشخاش لعوق کنند و در تبرید و تلیین
کوشند و بعد از تنقیه شیره تخم کدو با شیره تخم کاسنی با سکنجبین
کنند و نقوع تمر هندی و آلو نیز مناسب است و چون تب مفارقت کند
و تبرید بشراب حماض و لیمو و صندل کنند و میوه ها انار و هندوانه و آلو
و نار [illegible] و نارنج [illegible] خورند غب خالص صفراوی بود که ماده ان

غب خالص

در خارج عروق متعفن شده باشد و این تب یک روز در میان آید و نوبت
و نماند و از چهار ساعت تا دوازده ساعت باشد و با این قشعریره
ناقص بود و [illegible] باشد و باشد که مرکب از او
باشد [illegible] علامت ان تشنگی با افراط و غثیان و اضطراب
و قی صفراوی و نبض سریع و قاروره ناری بود علاج ان [illegible]

از تخم کاسنی و بنفشه و نیلوفر و نبات تناول کنند یا ابا نا دیده یا
ترنجبین و نبات و غذا جو با تمر هندی یا آلوچه خورند تلیین طبیعت
کنند با این مطبوخ در هشتم یا دهم سنا مکی و دق گل هر یک پنج
درهم بنفشه نیلوفر تخم کاسنی تخم خطمی خیارزی هر یک سه درهم آلوی
سیاه و کیلی هر یک بیست عدد عناب سپستان ترنجبین و شیر خشت
ده مثقال و این حقنه استعمال کنند سنا مکی و دق گل بنفشه نیلوفر
تخم کاسنی هر یک سه درهم عناب سپستان و اجاص سبوس خطمی جو تخم کدو
لبلاب و چقندر دسته خیار چنبر و شکر سرخ هر یک ده درهم
دوغن بنفشه و شراب دیناری با شراب بنفشه مفید بود و بعد از
اسهال و استفراغ اشربه مبرده مثل آب خیار و کدو و شیره تخم کدو
و تخم کاسنی با شراب خالص و لیمو و صندل و سکنجبین تناول کنند و اگر
طبیعت حبسی باشد نقوع فواکه و ترنجبین با قرص طباشیر و سکنجبین
تناول و تلیین کنند صفت قرص طباشیر ترنجبین دو درهم نیم و کتیرا
کدوی مقشر کتیرا صمغ عربی خشخاش هر یک نیم درهم بکوبند و بلعاب
بنکو ببرشند و قرص سازند دو مثقالی بخورند و بعد از نفاد وقت

تب شراب غوره و لیمو و ریباس و سکنجبین و امثال آن با آب سرد و عرق
گل و بید تناول کنند و مزوره زرشک و انار دانه و تمر هندی
با فروج بخورند **حمی بلغمی ثانیه** و آن را مواظبه نیز میگویند و ماده آن
بلغمی بود که در خارج عروق متعفن شود و این تب هر روز با عرض اللزوم
باشد خصوص که در خریف و شتا حادث شود و اقل زمان او هشت
ساعت بود و اکثر آن هجده ساعت علامتش آن نافذ و شدت سرما
و کثرت براق و غثیان و صفرت با بیاض لون و تهیج روی و چشم باشد
و ذرود کرم نشوند و تشنگی و التهاب نباشد و علاج آن هر روز
از تخم کاسنی و بیخ مهک و رازیانه و گلقند تناول کنند با سکنجبین
و گلقند و غذا جو و نخود با اندکی رازیانه خورند و میان روز
شربتی از نبات و عرق گل و گاوزبان و بالنگو و نیلوفر نیز شاید
و وقت نوبت بطبیخ شبت و ترب و بیخ مهک اندکی با عسل قی
کنند و چون ماده نضج یابد با این مطبوخ تلیین کنند سنا بیخ
مهک بالنگو گاوزبان هر یک چهار درهم رازیانه افسنتین تخم کاسنی
پوست بیخ کبر هر یک سه درهم تربد خراشیده مجوف ده درهم

حمی بلغمی ثانیه

سنبل رومی مویز طایفی سنبل رومی و شکر سرخ ده درهم و اگر

مزاج قوی باشد یک مثقال ایارج فیقرا بر سر آن مطبوخ کنند و بعد

آن روز دیگر یا سه روز تحریک کنند یا باین حب تربد تخم کرفس انیسون

هر یک سه درهم ملح هندی غاریقون بکوبند و باب رازیانه سرشته

و حب ساخته بلع کنند و تقویت بگلقند و رازیانه کنند و اگر محتاج

شود بحجامت و قرص ورد و قرص غافث و امثال آن تلیین کنند

صفت قرص غافث عصاره غافث تخم بین هر یک شش درهم طباشیر

ورق گل سنبل هر یک دو درهم و باب رازیانه قرص سازند یک مثقال

با سکنجبین بزوری تناول کنند و اگر از سده خوف باشد قرص

افسنتین با سکنجبین بزوری تناول کنند سکنجبین بزوری تخم

کاسنی و کشوث و رازیانه هر یک سه درهم و عصاره غافث دو درهم

پوست بیخ کبر و رازیانه و کرفس هر یک پنج درهم مجموع نیم کوفته کنند

و یک شبانروز در دو رطل آب و نیم رطل سرکه بخیسانند تا با

رطلی آید و با رطلی عسل یا با قند بقوام آرند حمی لثه تب بلغمی لازم

چون که ماده آن در عروق متعفن شده باشد علامتش چون علامت

دیوه باشد

حمی لثه

دیوه باشد اما با آن سرما و ناقص نباشد و در شبانروزی

شش ساعت فاتر گردد و باز اشتداد کند و تشنگی باشد و نبض

سریع و غالب و بول غلیظ و کدر علاجش همچو تب بلغمی از تخم کاسنی

و بیخ کاسنی و بیخ بادیان و رازیانه و گلقند تناول کنند و بعد

جو با نخود بپزند و بعد از نضج تمام تلیین با این مطبوخ کنند سنا

مکی کاسنی رازیانه بیخ بادیان ورق گل بنفشه نیلوفر هر یک سه درهم

مویز طایفی اجاص تمر هندی و خیار چنبر هر یک یا تربد ده درهم و بعد

از دو روز بقرص بنفشه یا تربد دو درهم و سقمونیا تحریک کنند یا

معجون خیار چنبر در آب گرم حل کرده بیاشامند و باقی علاج او

همچون نائبه باشد اما قرص غافث در این قسم مفید نیفتد حمی

ربع دایره سودای است که ماده آن در خارج عروق تعفن پذیرد

و این تب روزی آید دو روز نه و نوبت او بیست چهار ساعت

باشد و باشد دو روز آید یک روز نه آن را ربع معکوس گویند و تب

ربع از سودای طبیعی یا اخلاط سوخته حادث شود و این قسم

بعد از حمیات مختلفه و شاید که ربع بعد از ورم طحال حادث

حمی ربع دایره

شود و این بدترین ربعی است علامتها ربع آن است که ابتلا بنافض کند
و کسر اعضا و سر او قوی حجری کم کند گرمای آن بافراط باشد و آن
چه از احتراق حار شود علامتش حمرت و غلظت و بول
و تشنگی و افراط و سواد اللسان و عرق بسیار بود و بعد از حمیات مطبقه
حمیات او دام حادث شود و آنچه از احتراق صفرا بود علامتش
آسیب و اضطراب و تلخی دهن و تشنگی مفرطه و سرعت و تواتر نبض
بود و بعد از حمیات صفراوی حادث شود و آنچه از احتراق بلغم باشد
علامتش لین نبض و غلظ بول بود و درد او در آن کم بود و لهیب
و اضطراب کمتر و بعد از حمیات بلغم حادث شود و آنچه از احتراق
سودای طبیعی بود علامتش سوء خلق و صلابت نبض و کدورت
قاروره بود اما علاج این باشد که اطبا تا چهل روز به معالجه
آن مشغول نمیشوند و غذا زیرباج و ندشك و نخوداب با کباب
و تیهو خورند و از اشربه سکنجبین بزوری و ساوج و گلقند
اکتفا نمایند و از اغذیه غلیظ و مولدات سودا مثل قدید و بادنجان
و ماهی شود و برنج اجتناب کنند و در ابتدا اگر علامات غلبه خون

باشد

باشد فصد اکحل یا باسلیق مفید است و اگر خون غلیظ و سیاه باشد بسیار
بیرون کنند والا زود ببندند و بعد از چهل روز به نضج ماده مشغول
شوند و هر روز جلاب از بیخ مهک و تخم کاسنی و گاو زبان و بالنگو
و رازیانه و گلقند تناول کنند غذا نخود و نیز ماش با شیره مغز
بادام و کدو و بیه خورند و بعد از نضج تمام تلیین طبیعت بدین مطبوخ
نمایند سنا هلیله سیاه بنفشه بالنگو گاوزبان تخم کاسنی رازیانه
کشوث و اسطوخودوس و بسفایج و نیلوفر و بلیله و آمله هر یک سه
درم مویز طایفی و پوست کل هلیله زرد و کابلی و افتیمون هر یک هفت
درم شاهتره دسته و اگر نیابند سه درم تخم آن تربد عناب
سپستان ترنجبین و مغز خیارشنبر هر یک ده درم و بعد از آن
دو سه روز مطبوخ افتیمون یا حب ایارج یا معجون نجاح یا شاهتره
و بالنگو و سنا تناول کنند تا آنکه این ماده بیک مسهل زایل نگردد
اما آنچه از احتراق صفرا بود جلاب از بیخ مهک و گاوزبان و تخم کاسنی
و اجاص و ترنجبین و نبات تناول کنند و بعد از نضج تلیین کنند
بدین مطبوخ سنا بنفشه نیلوفر تخم کاسنی هر یک چهار درم پوست

هلیله زرد مویز طایفی ترنجبین و خیار چنبر هر یک ده درم و یا هفت
درم و بالنکو و گاو زبان هر یک چهار درم بجوشانند و صاف کنند
و معجون نجاح در آن حل کرده بیاشامند یا این حب بلع پوست هلیله
کابلی بسفایج اسطوخودوس افتیمون دودی گل سرخ هر یک درمی
هندی کثیرا هر یک دانگی مصطکی کتیرا با آب حل کرده داروها باقی
بکوبند و بدان بسرشند و حب سازند و علاج آنچه از احتراق بلغم
باشد جلاب انبیخ مهل و دان با تخم کاسنی و گلقند تناول کنند و فتح
تخم آب با هنگام نخورند و تلیین طبیعت بدین مطبوخ کنند سنا
هلیله کابلی و سیاه و افتیمون هر یک هفت درم تربد دو درم
رازیانه تخم کاسنی تخم کشوث افسنتین و اسطوخودوس بسفایج هر یک
سه درم بالنکو گاوزبان هر یک چهار درم مویز طایفی خیار
چنبر شکر سرخ و در تب ربع طریقه آن است که در روز نوبت اسهال
کنند و هیچ نخورند تا چنان سازند که وقت نوبت معده خالی باشد
و اسهال در روز راحت کنند و طبیعت را محتبس نگذارند و اگر
محتبس باشد مثل سنا و شکر سرخ و ترنجبین و اجاص و بنفشه

و مویز

و مویز طایفی تلیین کنند و ماء الجبن با سکنجبین مفید بود و غرغره
با عسل آب و اندکی بسفایج پخته کنند و مرقان تناول کنند و [illegible]
مثرودیطوس [illegible] بخورند و این معجون نافع بود سنبل الطیب
هر یک پنج درم فلفل زنجبیل حلتیث هر یک درمی فاوانیا سلیخه هر یک
چهار درم بکوبند و با عسل بسرشند دو مثقال تناول کنند و
حال طعام کنند و بقرص زرشک و ماء الاصول و سکنجبین بزوری
کرم کنند و بباید دانست که این تب مرضی خطرناک است و اما [illegible]
انجزام و مالیخولیا و برص اسود و جرب و صرع و تشنج و سکته
اما این تب دراز نمیکشد چنانکه گویند دوازده سال نیز میباشد
حمی ربع لازمه تب سوداوی بود که ماده آن در عروق متعفن شده
باشد و باران نافض و قشعریره نباشد و بنوبت ربع اشتداد
کند و در باقی زمان فاتر بود علاج آن همچون علاج ربع دوری
[illegible] باشد و استعمال مسمنات [illegible] و [illegible] کردن
کردن و اعتدال لازمه باشد حمی خمس و سدس و سبع اما تب خمس آن
که یک روز آید و سه روز نشود [illegible] آن است که یک روز [illegible]

روز وسبع از است که یک روز اید بیخ چنانند واین تبها از مواد غلیظ
متولد شود و شبیه بربع باشد وعلاجش تلطیف اخلاط و اسهال
سودا بود چنانچه در ربع گفته شد و در روز نوبت تخم شبت
وتب هر یک سه درهم و کنکر زد و بول بیخ تر بجوشانند و
نمک وعسل ده درهم حل کرده در آن بیاشامند وبباه تی علاج کنند
دباقی علاج از همچو تب ربع حمی انفیالوس تبی باشد که در آن احساس
برودتی عظیم کند ودر باطن یا سر گرم

حمی انفیالوس

صفت

حب ملین بارد از برای تب محرقه وتب مطبقه وتب دیق اجزای

از مغز تخم خیار ومغز تخم هندوانه ومغز تخم کدو واو تخم خرفه گل بنفشه
تخم کاسنی عنب الثعلب خبازی تخم خطمی کتیرا از هر یک یک مثقال کافور
چهار دانگ مقشر نیم کوفته و بیخته لعاب بزرقطونا سرشته حب سازند
بقدر نخود از سه دانه تا پانزده دانه میتوان خورد و بیخ کاسنی عنب الثعلب
از هر ده مثقال و عناب بنفشه جوشانیده تخم خیار و تخم کاهو و تخم
خرفه کوبیده در او شیره گرفته ترنجبین اضافه کرده شربت لعاب
اسبغول قرص طباشیر کوفته داخل نموده طرف صبح بنوشند اگر قبض
سر داشته باشد قرص مثلث سرکه با گلاب سایید بر سر طلا نمایند غلیظ خل
غذا آش پاوان با اسفناج میل نمایند عرق عنب الثعلب با آب
حب ملین حار از جهة درد استسقا وسوء المزاج وقولنج وسپرز
ودرد معده وصفت آن دانه انیسون تخم کرفس ریوند چینی
حب نیل تخم شبت تا نخواه کتیرا در نمقشر کوفته و بیخته حب
ساخته خوراک بیخ تا پانزده با شیره دانه انیسون تخم کرفس
شیره کرده گلقند آفتابی اضافه نموده متعاقبا بنوشند چاشت
میل نمایند
آش شام طعام کم روغن هلیله با دارچینی زعفران داخل نموده

و کذا فتق بلغم و صفای صوت و جهة سهو سبات و سبات سهری و ادر و جهة

قولنج و پیچش و برودت معده و جگر و گشوده ستد و جگر و تقویت

ان برطبیخ خون نافعست و جهة دبو و انواع استسقا و سستی بدن

و کثرت عرق و بوی و تقویت جماع زیاده میکند حرارت زایل

کرداند تثاوب و تمطی و استرخاء و انواع اعیا جهة تفتیت سنک

کرده و مثانه و ادرار بول نافعست و دیک مجتمع ا صعد میساند

و جهة دفع وسواس و وحشت و سوء مزاج و درد معده و قلب

و مهر پوشیده هضم غذا نافع و قند رشهبان فایتش یکسال و اکثر

یکدانک صاحب سل مقدار نخودی با اب کرم بنا شتا و قت خواب

بنوشند در زمان بار دبانزده یوم در زمان حادسه روز

سکبار با اب کرم و در بعضی بادام شیرین و بغایت مفید

در مزاج خشک و سعوط از صاحب سداع باد و مقدار حبه

با اب مرزنجوش کنند و بدستور صاحب لقوه سعوط نمایند

و در امراض حلق حبه بدهان کرفته ابش را ابتلاع نمایند و در

سرفه کهنه و تازه بلغمی بعصیر مرزنجوش مقدار حبه و جهة

برکت بوشعنا آبه

بوشعنا آبرکات که رحمه ظهیر الدین عماد الاسلام فارسی مصنف مایل

کرانخط پی برکات نسخه نموده ام و حقیقی تجربه نموده بهترین

نسخه است جهة دفع سموم حیوانی و نباتی و جهة سدد و دوار

و ظلمت بصر و اذن کوش و زکام و نزله نظر و لقوه و فالج و رعشه

و سیلان لعاب از دهن و ذکاء قلب و قوت حفظ و دفع نسیان

دیگر

ضیق النفس و سعال با اب نیره و اصل السوس و درد وجع فواد و معا
با اب و طبه و اگر متعذر باشد بطبیخ زیره و جهة وجع سپرز
بماء الورد و خل خمر و جهة درد پهلو بشراب الاصول و جهة درد
جگر با اب و عسل و هرگاه از ماده بارده باشد و اگر لازم باشد
بشراب الاسود و جهة مسلوس بماء الاس هرگاه ضبط شکم خواهند
کرد و جهة درد تهیگاه با اب که گرم شده باشد در افتاب در
تابستان و در زمستان بجلاب نیم گرم و جهة بتهای بالزنها
بان وجع فواد باشد با اب و جهة تب مرکبه بمطبوخ انیسون و جهة
نحیر با اب برنج ناو با اب نیم گرم و جهة حصاة با اب سداب
و دق توت و جهة بیماری که خواب نکند بطبیخ خشخاش و جهة
بواسیر بماء الکراث و جهة ثقل لسان حبه با اب سماق و جهة غم
بی سبب با اب کاسنی و جهة جماع بماء الحمص المطبوخ و جهة نقرس حبه
هر روز دو بود و جهة زنی که بزاید و نفاس قطع نشود با اب حلبه
و جهة با ابحرمل و جهة کسی که افیون خورده باشد بطبیخ بادیه
و جهة کسی که کافور خورده باشد بطبیخ عود بماء الورد و جهة

کنید

کنید عقرب بعسل و جهة گزیدن افاعی حبه هر روز چند قی کند
با زبون شوند تا قی ساکن کردد علامت در این آنست که مار گزیده قی
کند یا ک شود از سه خواب میبرد و همچنین در همه سموم قتاله جهة
ماده که در کرده بهم رسیده باشد بطبیخ نخالد و نبیذ و جهة دفع
دیدان حیض با اب سماق و جهة احتباس خون حیض بطبیخ
عناب و عصین و جهة قولنج بطبیخ اصل السوس نافع ص دار فلفل
دا یعنی جنطیانا سلیخه جند بیدستر از هر یک چهار درم سنبل
الطیب فقاح اذخر دار و بلند طویل از هر یک ده درهم افیون یک مثقال
یک دانک و نیم زعفران م انیسون تخم کرفس بزر البنج از هر یک با
مثقال فلفل سیاه هفت مثقال و نیم قسط فو اسارون از هر یک
ده مثقال و نیم زنجبیل فوه بیخ خشک از هر یک هفت درم روغن بلسان
با روغن گل سرخ دهان عسل بقدر کفایت فلونیا رومی
منافعش مثل فلونیای فارسی است لکن اقطع است از او در قولنج
و حسر البول و سنگ مثانه و کرده و ضیق النفس و تشنج و سل
و خوانیق و نزلات و فساد دهان و دندان و اسهال و ضعف

جگر و این اجزا است و آن البیس و هه و مفید دهند مگر آنکه اکثار

در اطعمه حلوه و بسیمه نمایند و تا حاجت نباشد استعمال ننمایند

و اجزای آن بعینه اجزای فلونیای فارسی است با زیادتی سلیخه

و ساوج هندی و دهن بلسان فلونیا فارسی جهة قطع خون

و تقویت اعضا و حفظ جنین و صداع و سرفه و ضعف معده و تقویت

باه و قوتش تا چهار سال باقیست و قبل از شش ماه استعمال ننماید

کرد و قند رشتبت تا یکدرم ص فلفل ابیض بزر البنج از هر یک ۲۵ مثقال

افیون طین مختوم قوه ثم کرفس جوز ابهل اسارون نانخواه دار باخ

سنبل قسط بادام تلخ از هر یک پانزده م مغز تخم خیار دخی بوزیج

م اشق سه م با عسل و شراب بسرشند و در بعضی نسخ زعفران بیخ

م عاقرقرحا فرفیون از هر یک دو م زرنباد درونج لؤلؤ نیم م کافور

یکدانگ نیم و در بعضی نسخ چند سید ستی مرجان از هر یک

یک درهم هو الشافی تمت نسخة الشریفه فی یوم خمیس نهم شهر

رمضان المبارک فی ١٢٢٩

۲۲۲۲
۲
م

فروشنده : آقای ~~خانم~~ صفری

شماره :	تاریخ : ۸۶/۷/۱۶	جلسه :	

نام کتاب :

مؤلف :

مترجم : طب فارسی، کتابت ۱۲۲۹

کاتب :

شارح :

تاریخ کتابت :

نوع خط : فارسی - عربی

نوع جلد :

نوع کاغذ :

ترتیبات و مشخصات :

ملاحظات : ۱۵۰ هزار تومان

